

مرکز آموزش متحتم فنی مازندران

دوره آموزشی:

# آداب و اسرار نماز

مجری:

مرکز آموزش متحتم فنی مازندران

آدرس: بابل - ح - د فاصل بین کارگر و کشوری - سرداران ۱۰ - پلاک ۱۳ تلفن: ۰۰۰۱۸۵۲۴۳

ساری - خیابان معلم - گوچه مدیریت - روبروی ساختمان مدیریت و برنامه ریزی سابق تلفن: ۰۰۰۳۳۱۶۵۲۴۳

E-mail: [mfmbabol@yahoo.com](mailto:mfmbabol@yahoo.com)

website: [www.mfmbabol.com](http://www.mfmbabol.com)

درس اول

به حول و قوئه الهی برنامه هایی را درباره موضوع نماز، تاریخچه نماز، فلسفه و اسرار، آثار نماز و اجزاء نماز می پردازیم.

اولین درس درباره جایگاه عبادت و نماز است. دین مجموعه ای است بهم پیوسته و در هم تنیده که سعادت دنیا و آخرت فرد و جامعه را تضمین می کند. درست است همه عناصر دین مقدس هستند اما از نظر اهمیت، متفاوت هستند. در جغرافیای دین بعضی از عناصر قله این سرزمین هستند، بعضی دامنه و بعضی دشت های منتهی به این سرزمین. پیامبر عزیز اسلام خیلی از وقت ها دین را به پیکر انسان تشییه می کرد، بعضی از اجزاء دین را به سر انسان، بعضی را به چشم انسان و بعضی را به دست انسان تشییه می کرد. ما اگر بتوانیم با یک مکانیزمی جایگاه هر عنصر را در مجموعه دین شناسایی کنیم به صورت معقول و متوازن وقت خواهیم گذاشت، سرمایه گذاری خواهیم کرد. مثلاً بدانیم موضوع نماز، یا موضوع حجاب یا موضوع روزه اینها از مسائل درجه یک هستند یا درجه دو یا درجه سه. این به ما کمک می کند برای چه بخش هایی از دین بیشتر وقت بگذاریم. بیشتر فکر کنیم، بیشتر به دنبال روش بگردیم. موضوع نماز در مجموع در قرآن حدود هزار بار مطرح شده، ما نداریم موضوعی را در اسلام چه در آیات قرآن یا در احادیث انقدر تکرار شده باشد. نو و چند بار کلمه صلوه و مشتقاش و نهصدو چند بار کلمات مرتبط با نماز، مثل عبادت سجده، قنوت، رکوع، قبله، غسل، تیم، مسجد و پیامبر عزیز اسلام فرمود وقتی من به پیامبری رسیدم اولین واجبی که از آسمان برای امّت من فرود آمد موضوع نماز بود. موضوعات دیگری مثل روزه یا خمس یا زکات در مدینه آمده بعد از ۱۳ سال یا موضوع حجاب، حج، جهاد اینها شاید بعد از بیست سال بعد آمده باشد، اما نماز از روز اول بوده است.

پس موضوعی را که ما می خواهیم راجع به آن گفتگو بکنیم یک موضوعی است مثل اکسیژن در رگ های دین، در قرآن کریم هم مسئله نماز کنار توحید، نبوت و معاد آمده است. ما اصطلاحاً نماز را جزء فروع دین حساب می کنیم اما بر اساس فرهنگ قرآن نماز در کنار ایمان به خدا، ایمان به کتاب های آسمانی، ایمان به قیامت، ایمان به پیامبران آمده، یک مسئله بسیار مهمی است. تفسیراتی که پیامبران اسلام در باره دین بکار برده، نماز سر دین است، نماز ستون دین است، نماز پرچم دین است، نماز کلید بهشت است. قرآن کریم فلسفه خلقت جن و انس را عبادت می داند که یکی از مصادیق بلند عبادت، نماز است. در سوره زاریات آیه ۵۶ می خوانیم و ما حَلَقْتُ أَجْنَحَ وَ الْأَنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونَ ، نیافریدم جن و انس را مگر برای عبادت .

یا در سوره مبارکه نحل آیه ۳۶ می خوانیم که فساله بعثت همه انبیاء دعوت به عبادت بوده ، وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولاً ، ما برای هر جمعیتی فرستاده ای را اعزام کردیم با این دو ماموریت، أَنْ أَغْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَبِيُوا الطَّاغُوتَ که مردم را به پرستش خدا دعوت کنیم و از طاغوت اجتناب بورزیم.

پس معلوم می شود جایگاه نماز در دین یک جایگاه درجه یک و مسئله استراتژیک است.

ریشه عبادت چیست؟ اولین ریشه عبادت احساس فقر و وابستگی به پروردگار است. انسان که قوی ترین و با استعدادترین موجود این عالم است به مبدأ عالم و به پروردگار عالم محتاج است، نیازمند است و دین راهی را پیش پای او گذاشته که نیاز خودش را با کسی که او را دوست دارد و بر او منت نمی گذارد و توانایی رفع نیاز را دارد در میان بگذارد . ۲ بار در سوره مبارکه بقرین این آیه آمده است یعنی بالصبر على الصلاة ای انسانها در بحرانها و گرفتاریها کمک بگیرید از صبر و نماز، و این است ریشه عبادت.

ریشه دیگر عبادت تعظیم به خدا است ما به صورت فطری وقتی عظمت و زیبایی را می بینیم تعظیم می کنیم، تقدیس می کنیم، بزرگ می شماریم، امام رضا علیه السلام فرمود: نماز یعنی تکبیر، یعنی تعظیم ، یعنی خدا بزرگ است، بزرگ تر از آنچه که وصف شود. ما وقتی بنای بزرگی را یا سیاره بزرگی را یا دستگاه بزرگی را می بینیم مبهوت می شویم، لب به ستایش باز می کنیم. عبادت ریشه دو مش تعظیم به پروردگار است یعنی اینکه ما در برابر پروردگار کوچک هستیم.

ریشه سوم عبادت شکرگذاری در برابر نعمت‌های خدا است، ما که نبودیم خداوند از روی مهرش ما را آفرید و بی شمار نعمت در اختیار ما قرار داد. در قرآن می خوانیم که هر آنچه در آسمانها و هر آنچه در زمین است برای تو آفریدم ای انسان. ما به شکرانه این همه نعمت که نمی توانیم بشماریم. خود قرآن می فرماید و وَ إِنْ تَعْدُوا بِعْثَمَ اللَّهِ لَا تَحْصُوْهَا . اگر بخواهید بشمارید هدایای خدا را نمی توانید. این عبادت یک نوع سپاسگذاری در برابر خدای مهربانی است که از روی مهرش این همه امکانات در اختیار ما قرار داده است.

آیات سوم و چهارم سوره قریش فلسفه عبادت را سپاسگذاری از خدا می دانند. فَلَيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ باید مسلمان‌ها عبادت کنند. صاحب این خانه را الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مَنْ خَوْفٍ همان خدایی که آنان را از گرسنگی نجات داد و آنهم مَنْ خَوْفٍ و در ترس و پریشانی امیت را آورد.

علامه طباطبایی می فرماید آهنگ آیه ۲۱ از سوره بقره هم همین شعار است که نماز تشکر از خدا است. در سوره مبارکه بقره می خوانیم یا أیها النَّاسُ، خطاب به مسلمان نیست، خطاب به الذين آمنوها نیست، خطاب به همه مردمان است. یا ایها النَّاسُ اعبدو رَبَّکُمْ عبادت کنید پروردگارتان را، چرا؟ می فرماید: الَّذِي خلقکم چون شما را آفریده ، یه کسی یک گل دست شما می دهد لبخند می زنید، یک انگشت رکتابی، سکه طلایی به شما می دهد عکس العمل نشان می دهید آن خدای هستی بخشی که شما را و پدر و مادر شما را آفرید نمی خواهید در برابرش هیچ احساسی داشته باشید. عبدو رَبَّکُمْ عبادت کنید پروردگارتان را ، چرا؟ الَّذِي خلقکم چون شما را آفریده،

پدر و مادرتان را آفریده، آن خدایی که از آسمان ها برای شما باران می فرستد، به وسیله باران گیاهان را می رویاند، رزق برای شما می فرستد، به تلافی مهر خدا با سپاسگویی خودتان عکس العمل نشان دهید. این هم یکی از ریشه های عبادت است.

ریشه دیگر عبادت به طور فطری انسان ها نیاز به مونس دارند. نیاز دارند راز دلشان را با کسی در میان بگذارند. خیلی وقتها خصوصی ترین افراد را هم شایسته نمی دانند. حتی مادرش را، برادرش را، دوستش را، میگه نه شاید من و مسخره کنند. یک رازی در دلم هست، می خواهم با کسی که آغاز من را می داند، پایان من را می داند، توانایی ها، آسیب ها، گرفتاری های مرا می شناسد با او در میان بگذارم. او مر آرام کند یکی از ریشه های عبادت رازگویی با پروردگار است.

پس نماز در دین اسلام یک موضوع فوق العاده مهم است. پیامبر عزیز اسلام، اسلام را با نماز آغاز کرد. روز دوشنبه صبح بود که در غار حراء پنج آیه اوّل سوره علق را دریافت کرد. *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ أَقْرَأْ وَرَبُّكُمُ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَمَ بِالْقَلْمِ عَلَمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ*

از کوه سرازیر شد در دامنه کوه جبرئیل مجدداً نازل شد و همان روز اول دستور وضو گرفتن و نماز خواندن را آورد. این جایگاه نماز است و تا روز آخر، آخرین ساعات و دقایق عمر پیامبر، امیر المؤمنین فرمود پیغمبر که جان می داد سرش بر سینه من بود و دلوایس نماز مسلمانان بود و این جمله را فرمود و از دنیا رفت . *وَاللَّهُ لَا تَنال شفاعتي من التفح بالصلوته خدا قسم شفاعت من به کسی که نماز را سبک بشمارد نمی رسد.*

پس در این درس ما درباره جایگاه و اهمیت نماز در جغرافیای دین صحبت کرده ایم تا خودمان هم نیرو بگیریم با اعتقاد بیشتر نسبت به این موضوع ، موضوع را پی بگیریم.

## درس دوم

به چه چیزی عبادت گفته می شود؟ هر کاری که به رنگ خدا باشد، برای خدا باشد، در راه خدا باشد عبادت است. حتی خوابیدن، کارکردن ، فکر کردن، درس خواندن، این نوع نگاه ما را در یک شاهراهی قرار می دهد که تمام حرکات ما در مسیر الهی است، امام صادق (ع) فرمود: *لیست العباده کفرته صلوه والسيام* ، عبادت فقط زیاد نماز خواندن، زیاد روزه گرفتن نیست. این نوع نگاه اشتباها است. ائمّ العباده اتفکر فی عندالله، فکر کردن در مخلوقات خدا، فکر کردن در مدیریت و ربویت خدا این عبادت است. رسول خدا (ص) فرمود: عبادت هفتاد قسم دارد بهترین آن کسب درآمد حلال است. کارکردن از نظر اسلام عبادت است. درس خواندن از نظر اسلام بهترین عبادت است. پیامبر اکرم فرمود : *؟؟؟ من خرج يخلق عباده من العلم ليرد كعباده اربعين ..... ？؟؟؟* کسی که از خونه اش بیرون می آید تا دانشی بیاموزد تا از باطل نجات پیدا کند به سمت حق متمایل شود، از گمراهی به سمت هدایت کشیده شود این

پاداشِ چهل سال عبادت را دارد. چقدر حدیث داریم که امامان ما مرحبا می گفتند به دانش آموزان ما ، به دانش جویان ما، کار آنها را عبادت می دانستند. خدمت به مردم، انفاق به مردم، ایثار به مردم، دستگیری از کار مردم، گره گشایی از مشکلات مردم، همه اینها عبادت است.

عبادت چیست؟ هر کاری که برای خدا باشد، به رنگ خدا باشد، ما قصدی جز خدا در آن کار نداشته باشیم عبادت است. اصلاً خدا ما را برای همین آفرید که رنگ زندگی ما رنگ الهی باشد. که اگر زندگی ما به این رنگ باشد با مردن ما ، ما تمام نمی شویم.

قرآن می گوید : کل شئ حالک الى وجهه ، هر چیز نابود می شود الى وجه خدا، الى راه خدا، پس کسی که برای خدا، به سوی خدا، به قصد خدا کاری را انجام می دهد آن کارش ماندگار است.

پیامبر فرمود: افضل العباده انتظار الفرج ، انتظار کشیدن شخصیتی که به جامعه بشری عرضه خواهدا شد و جامعه را از عدل و داد پر خواهد کرد و با ظلم و ستم مبارزه خواهد کرد این عبادت است .

موضوع دیگری که می خواهیم مطرح کنیم چگونگی عبادت است.

شهید مطهری در کتابی که از فرمایشات ایشون گردآوری شده به نام طهارت روح و انتشارات ستاد اقامه نماز هم منتشر کرده، یک بخشی دارد تحت عنوان شکل عبادت، چگونه عبادت کنیم؟ می فرماید در امت های قبل، در دوران جاهلیت، چه بسا مردم از سلیقه خودشان عبادت می کردند، به بت پرستی کشیده شده اند، ما باید بدانیم قرآن کریم و خداوند چه نوع عبادتی را از ما می خواهد. اولین ویژگی عبادتی که از ما خواسته شده عبادت آگاهانه است، بدانیم چکار می کنیم، مثلاً نماز می خوانیم از آغاز اذان تا پایان نماز حدود ۳۵ جمله است.

الله اکبر ، اشهدا الله الا الله اینها هر کدام یک جمله است.

نمارگذار با آگاهی باید اینها را به زبان جاری کند.

سبحان الله چیست؟ الله اکبر چیست؟ حی علی الفلاح چیست؟

قرآن می گوید من نماز با آگاهی می خواهم .

لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ . در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه می گویید با آگاهی این عبادت را انجام دهید. روزه با آگاهی باشد. حج با آگاهی باشد. زکات با آگاهی باشد.

آگاهی یکی از ویژگی های کیفیت عبادت است.

در حدیث می خوانیم رکعتان من عالم خیراً من سبعین رکعه من جاهل ، دو رکعت نمازی که شخص آگاه می خواند از هفتاد رکعت نمازی که شخص نادان می خواند بهتر است.

عبادت آگاهانه اسلام از ما می خواهد. از امام هفتم روایت شده است که « المتعبد علی غیر فقه کحمار طاحونه یدور ولا برح » کسی عبادت می کند ولی بدون آگاهی است مثل الاغی یا شتری است که دور می گردد ، چشمش را می بندند چه بسا چند فرسخ هم راه رود از صبح تا شب حرکت می کند ولی هیچ پیشرفتی ندارد. یدور و لا برح ، دور می زند اما پیشرفت ندارد. اگر آگاهی در عبادت نباشد انسان رشد ندارد، پیشرفت ندارد.

دومین ویژگی نماز یا عبادتی که از ما خواسته شده عبادت عاشقانه، عبادت با نشاط است.

دو بار در قرآن از نماز منافقین بدگویی شده. هر دو بار به خاطر بی نشاطی آنها است. نماز می خوانند اما با بی رغبتی، بی نشاط، بی سنجنی، به زور. میگویند نماز خواندم راحت شدم. پیامبر وقت نماز را انتظار می کشید. این عشق به نماز، یا عشق به روزه است.

بعضی ها در آستانه ماه رمضان حالت ناراحتی دارند. می گویند این تابستان ماه رمضان چگونه روزه خواهیم گرفت؟

پیامبر به استقبال ماه رمضان می رفت. تشنگی و گرسنگی ماه رمضان را موجب رشد نفس خود می دانست. همچنین عبادت حج، عبادت خمس، اگر کسی خمس و زکات دهد اما با بی رغبتی، با بی نشاطی، بدون شوق و عشق، اون معلوم نیست چقدر پاداش داشته باشد . عبادت ها تمامش باید عاشقانه و عارفانه باشد.

ویژگی سومی که برای عبادت از ما خواسته اند عبادت خالصانه با اخلاص است. فقط برای خدا باشد. برای خوش آیند این و آن نه. برای نمره و امتیاز نه. برای اینکه آن آقا دخترش را به من بدهد مرا در مسجد ببیند نه. از روی ترس از فرمانده، از مدیر نه. می گوید خدایا تو شاهدی من به خاطر تو نماز می خوانم. فقط به خاطر تو ، قربه الى الله، فقط و فقط برای جلب رضایت تو. دیگران من را ببینند و من را نبینند من نماز را می خوانم، من بندۀ تو هستم، تو خالق من هستی. نماز خالصانه .

قرآن در سوره مبارکه کهف آیه ۱۱۰ می فرماید: ولا يشرك بعباده ربہ احدا، نباید شریک قرار داد برای عبادت خدا احدی را. نماز می خوانم هم برای خدا هم مدیر، هم برای خدا هم برای فرمانده، هم برای خدا هم برای اینکه در این محیط بخاری است گرم است یا کولر است خنک است، این نمازها باطل است. در رساله های عملیه نوشته شده اگر کسی واجبات نماز را یا مستحبات نماز را برای غیر خدا انجام دهد باطل است. مثلاً انگشت عقیق دست کرده در هنگام نماز تا کسی ببیند. یا نماز را اول وقت می خواند

برای اینکه کسی ببیند. یا آهنگ صدایش را عوض می‌کند مثلاً تنهایی در خانه ایستاده نماز می‌خواند رسمش این است که تند تند می‌خواند، و در آن هنگام مهمان می‌آید و لحن صدایش را عوض می‌خواند و آهسته نماز می‌خواند. این نماز باطل است. چرا؟

چون تمام شیرینی این نماز این است که برای خدا باشد فقط برای خدا. رحمت خدا به روح بلند حضرت امام خمینی، می‌فرماید: ماموران شاه مرا نیمه شبی از قم به سمت تهران آوردند، بین راه قم و تهران من گفتم نماز نخواندم، چون قبل از نماز صبح حضرت امام را دستگیر کرده بودند، گفتند نگهدارید نماز بخوانم، گفتند نه اجازه نداریم. گفتم خوب ترمذ کنید با خاک کنار جاده تیم کنم. خود حضرت امام تعریف کردند اون روز نمازی خواندم پیشتر به قبله، با تیم، لب آفتاب. بعد می‌فرماید: در عمرم امیدم به همان نماز است. چون او نی که باید بداند می‌داند. او نی که باید آن نماز را ببیند دیده. نماز با اخلاص، و نماز خاشعانه، نماز باید با فروتنی همراه باشد.

قرآن می‌فرماید: بسم الله الرحمن الرحيم، قد افلاح المؤمنون الذين هم في صلاتهم خاشعون قطعاً مستثار هستند مومنانی که در نمازشان خاشع هستند، افتاده حالت، فروتن هستند، گردن کش نیستند در حضور خدا، خودشان را به حساب نمی‌آورند. با تمام وجود اعلام می‌کنند پروردگارا من کسی نیستم. من چیزی نیستم. هرچه دارم از توست. هرچه می‌کنم به قوت و حول توست.

### درس سوم

شرایط قبولی عبادات: گفتیم برای عبادات ۴ مرحله شمرده‌اند، مرحله اول تکلیف، شرایط دارد. مرحله دوم صحت، شرایط دارد. در جلسه قبل شرایط این دو مرحله را گفتیم. در این قسمت دو مرحله دیگر را شرایطش را خواهیم گفت. بعد از اینکه ما به تکلیف رسیدیم و نماز و عبادت دیگرمان صحیح بود، حالا می‌رسیم به مرحله ای که چکار کنیم این عبادت قبول شود. اوج شاهکار اسلام در این مرحله است. اسلام عزیز همه مسایل زندگی را به عبادت گره زده است. می‌گوید اگر می‌خواهد عبادت قبول باشد باید همسر داریت خوب باشد. اگر می‌خواهید عبادت درست باشد باید بچه داریت درست باشد. اگر می‌خواهید عبادت قبول باشد باید کسب و کاسیت حلال باشد. اگر می‌خواهید عبادت درست باشد باید روابط اجتماعی و تعاملات با دیگر انسان‌ها در چارچوب دین باشد. انقدر این مسایل دینی انسان ساز است که متأسفانه کم توجه می‌کنیم به این مرحله عبادت. روز قیامت از کسانی می‌پرسند نماز خوانده اید؟ می‌گوید بله، صحیح بوده نمازش اما رتبه ای نمی‌گیرد، اما قبول نشده. چکار کنیم که نمازمان قبول شود. حالا که رحمت می‌کشیم، روزه می‌گیریم، خمس می‌دهیم، حج می‌رویم، نماز می‌خوانیم، چکار کنیم که نمازمان قبول شود؟ برای قبولی نماز و قبولی عبادات دیگر صدها حدیث آمده است. شرایط اعتقادی دارد، شرایط سیاسی دارد، شرایط اخلاقی دارد، شرایط اقتصادی دارد، شرایط بهداشتی دارد، شرایط اجتماعی دارد. به بعضی از آنها اشاره ای می‌کنیم.

حضرت امام خمینی فرمود: نماز کارخانه انسان سازی است. بخشی از آن در همین شرایط قبولی است.

امیرالمؤمنین (ع) فرمود : کونوا لقبول العمل أشد أهماماً من العمل.

نسبت به قبولی بیشتر حساس شوید به خود کار. قبولی نماز از خود نماز برایتان مهمتر باشد. قبولی روزه از خود روزه برایتان مهم تر باشد. قبولی حج از خود حج برایتان مهم تر باشد. خوب چکار کنیم که قبول شود؟ اول شرایط اعتقادی را باید درنظر بگیریم. باید به خدا ایمان داشته باشید. ایمان از شرایط قبولی است. و من یکفر بالایمان فقد جبط عمله هر که ایمان نداشته باشد عملش جبط است، ضایع است قبول نمی شود. حالا کسی دولار است شود و یک نمازی هم بخواند، و به عربی صحیح بخواند. اما عقیده ندارد به خدا ، عقیده ندارد به اسلام، عقیده ندارد به انبیاء این قبول نیست.

شرط دوم تقوا است. إنما يَتَبَقَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَقِينَ، خداوند قبول می کند از باتقوها، پس معلوم می شود گناه مانع قبولی است. مقابل تقوا آلودگی است، گناه است. این قصه را بسیاری از شما عزیزان شنیده باشید که زمان امام صادق (ع) اسم کسی سر زبان ها افتاده بود به عنوان یک فرد خیّر و خدمت کار به افراد بیچاره. امام صادق فرمود: من می خواهم این را ببینم، نشان دادند. امام ایشون را تعقیب کرد. دیدند اون شخص رفت در مغازه ای دو تا انار دزدید، دو تا نان دزدید . و آمد محله فقرا در خانه ای را زد و آن ۲ انار و ۲ نان را داد به یک خانواده بیچاره. امام فرمود: تو چرا این کار را کردی؟ گفت کار من یک کار قرآنی است. حضرت فرمود: کجای قرآن این رویه را به شما آموختش می دهد، گفت قرآن می گوید: که اگر گناه کنی یک برابر کیفر دارد، اگر ثواب بکنی ده برابر پاداش دارد. من ۲ تا انار دزدیم این ۲ تا گناه. ۲ تا نان دزدیم این ۲ تا گناه می شود ۴ تا گناه . بعد اون ۴ تا انار و نون را دادم به اون بیچاره ۴ می شود ۱۰×۴۰ = ۴۰ تا گناه کردم ۴۰ تا ثواب کردم پس از هم کم کنیم ۳۶ ثواب برای من می ماند. امام عصیانی شدند و مگه به او فرموند: مادرت به عذایت بنشیند، مگر نخوانده ای این آیه قران را إنما يَتَبَقَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَقِينَ، مگه با مال دزدی می شود مگه رفت، مگه با مال دزدی به هیئت کمک کنی، به فقیر کمی بکنی این ثواب دارد. اختلاص کرده ، دزدی کرده و بعد می گوید من ۵۰ درصدش را می دهم در راه خیر. این انفاق قبول نیست. مال حلال قبول است. آیات انفاق که در سوره بقره آمده **أَنفَقُوا مِنْ طَعَّانٍ مَا كَسْتُمْ** از مال حلال طیب انفاق بکنید.

پس شرط اول شرط اعتقادی است. شرط دوم شرط اخلاقی. یعنی فرد گنهکار اگر عبادتی انجام دهد عبادتش مورد اشکال است، قبولی عبادات شرط سیاسی دارد. در حدیث می خوانیم اگر کسی در همه عمر عبادت کند اما به رهبر سیاسی که خدا او را می پسندد اعتقاد نداشته باشد قبول نداشته باشد. عبادتش قبول نیست. امام باقر (ع) فرمود: من دان الله عز و جل بعادة يجهد فيها نفسه و لا امام له من الله غير مقبول ، دین فقط بعد فردی ندارد، بعد اجتماعی سیاسی دارد . اعتقاد و همبستگی با رهبر عادل، در زمان پیامبر، پیامبر در زمان

امام مucchom، جانشين پيامبر، در زمان غيبت امام عصر(ع)، ولی فقيه، مراجع بزرگوار تقليد، اينها سلسله اي هستند که ما را به خدا می رساند در قبولی عبادت ما تأثير می گذارد بی اعتنایی ما نسبت به اين امر سياسی.

در حدیث می خوانیم فمن ام یقیولنا لم یفع اللہ لہ عما، هرکه ولايت ما را نداشته باشد اعمال او بالا نمی رود به سمت آسمان نمی رود. امام باقر عليه السلام فرمود: و ما تَنَالُ وَلَا يُتَنَالُ إِلَّا بِالْعَمَلِ وَ الْوَزْعِ بِهِ وَلَا يُتَنَالُ مَا هُمْ كَسِي نمی رسد مگر با پرهیز و دوری از گناه. مگر با اقدام.

شرط چهارمی برای قبولی عبادات شمرده اند امامان ما ، و آن شرط اقتصادی است. امام رضا (ع) فرمود: هرکه زکات ندهد و نماز بخواند نمازش قبول نیست. من صلا و لم یزکل لم تقبل صلاته، هرکه نماز بگارد اما زکات ندهد، یعنی توجّه به بیچارگان، بینوایان، با عبادت گره خورده ، ۲۸ جا در قران صلاه و زکات کثار هم آمده، عبادات شرط اجتماعی دارد. رسول خدا (ص) فرمود: مَنِ اغْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً، هرکس غيبت مرد مسلمان یا غيبت زن مسلمانی را بکند، لَمْ یَقْبَلْ اللَّهُ صَلَاتُهُ وَلَا صِيَامُهُ، خداوند نه نماز او را و نه روزه او را قبول نمی کند. تا چهل شباني روز أَرْبَعَنَ يَوْمًا وَلَيْلَةً إِلَّا أَنْ یَغْفِرَ لَهُ صَاحِحٌ ، مگر اينکه برای کسی که غيبتش را کرده طلب معرفت بکند هم از خدا عذرخواهی بکند برای گناهی که کرده، هم از کسی که غيبتش را کرده طلب مغفرت بکند. پيامبر فرمود: يا اباذر! اياک و هجران

اخیکنکنه با دوستت قهر کنی، قطع رابطه کنی. فان العمل لا يقبل مع المحران، وقتی دو مسلمان با هم قطع رابطه می کنند عبادتشان قبول نیست. شما توجه کنید چقدر این مشکل در محیط ما وجود دارد، خواهر با خواهر، خواهر و برادر، فامیل با هم ، همسایه با هم، سر مسئله‌ای و بهانه ای با هم قطع رابطه می کنند. خوب عبادات آنها زیر سؤال می رود. امام صادق (ع) می فرماید: لَا یَقْبَلُ اللَّهُ مِنْ عَمَلاً وَ هُوَ مُضْبِرٌ عَلَى أَخْيِهِ سُوءٌ ، خداوند عبادت مؤمنی که در دلش سوء نیت دارد برای مسلمانی را قبول نمی کند. باید موفقیت دیگران را بخواهیم، عزّت دیگران را بخواهیم، سلامت دیگران را بخواهیم، ببینید این عبادت اسلام است. جدای از بقیه زندگی نیست، گره خورده به همه مسائل زندگی. قبولی عبادت، شرط خانوادگی دارد. پيامبر فرمود: من کان له امرأتاً توزیع لم یقبل اللہ صلاتها و لا حستتاً من عملها، اگر مردی همسری دارد که او را اذیت می کند ، نه نماز او و نه هیچ عمل خوب او قبول نمی شود. بعد فرمود: و علی الرَّجُلِ مثُلِ زالِكَ مرد هم همین طور است اگر همسرش ازش راضی نباشد نه عبادتش و نه نمازش و نه کار خوبش قبول نمی شود. این است شاهکار اسلام. گره زده مسائل اخلاقی، سیاسی و اجتماعی را به عبادات.

در حدیثی می خوانیم که امام صادق(ع) فرمود: مَنْ نَظَرَ إِلَيْ أَبْوَيْهِ نَظَرَ مَاقِتٍ اگر کسی به صورت پدر و مادر نگاه خشم آورد کند، و هُما ظلمان لَهُ، لم یَقْبَلْ اللَّهُ صَلَاتًا . گرچه والدين بد کردند عبادات او قبول نمی شود. یک حدیثی داریم که اگر زنی تمام عمرش نماز بخواند، هر روز روزه بگیرد، هر سال به حج رود مال زیادی را در راه خدا انفاق کند اما شوهرش راضی نباشد عبادتش قبول نیست. همچنین اگر مردی همه عمرش نماز بخواند، هر روز روزه بگیرد، هر سال به حج رفته باشد و سالهای زیادی را در جهاد حضور پیدا کرده

باشد همسرش راضی نباشد عبادتش قبول نیست. ما باید برای قبولی نماز یک بابی را باز کنیم، فکر کنیم برنامه ریزی کنیم، دغدغه داشته باشیم، قبولی نماز خیلی مهم است. به هم کمک کنیم، با هم مشورت کنیم این ایستگاه خیلی ایستگاه مهمی است.

#### درس چهارم

عبادت ۴ مرحله دارد هر مرحله‌ای هم شرایطی دارد، مرحله تکلیف، مرحله صحت، مرحله قبولی و مرحله کمال. ۳ مرحله را در برنامه‌های قبل گفتیم. بعد از اینکه ما به تکلیف رسیدیم، یعنی بالغ شدیم، عاقل شدیم و توانایی داشتیم به مرحله دوم می‌رسیم که آن صحت است، یعنی عبادت را صحیح باید انجام دهیم و عبادت صحیح را باید از یک مرجع تقليدی که جامع شرایط است بپرسیم. و بعد از این مرحله کارهایی را باید انجام دهیم که قبول باشد، مرحله سوم قبولی است. شرایط زیادی داشت که در مرحله قبل گفتیم، شرایط اخلاقی، شرایط اجتماعی، شرایط اعتقادی، شرایط سیاسی، شرایط خانوادگی، بعد از این سه مرحله مرحله چهارم کمال عبادت است. اگر بخواهیم عبادت را به بنایی تشبيه بکنیم، بنا یک ارکانی دارد مثل ستون‌ها، مثل فونداسیون، یک واجباتی دارد مثل درب و پنجره، کولر، وسیله‌گرما، وسیله‌خنک کننده، بعد از اینکه ساختمان شکل گرفت این دفعه یک چیزهایی است برای آرایش بنا، مثل لوستر، مثل رنگ آمیزی، مثل تابلوها و نورپردازی. در مرحله چهارم می‌رسیم به جاییکه می‌توانیم کارهایی را انجام دهیم که عبادات ما نورباران بشوند و به آسمان بروند. فرشته‌ها نشان دهند این عبادت ما را. مثل اینکه آن عبادت را در اول وقت انجام دهیم. نشان دهنده فرمانبری ما است. اگرچه وقت نماز ظهر توسعه دارد از زوال آفتاب تا چهار رکعت به مغرب وقت دارد. اما کسی که نمازش را زودتر می‌خواند نمازش کامل‌تر است. پیامبر فرمود: نماز اول وقت مثل من است و نمازهای با تأخیر مثل پیامبران دیگر است. و در حدیثی فرمود: نماز اوّل وقت مثل خورشید است و نمازهای دیرتر مثل ستاره‌ها.

مستحباتی را امام ما به ما آموخته اند. همه اینها مثل کمال عبادت است. مثل اینکه با لباس پاکیزه به عبادت برخیزیم. مسوک بزنیم، بوی خوش استفاده کنیم، در مسجد نماز بخوانیم، به جماعت آن عبادت را برگزار بکنیم. اینها عامل‌هایی هستند برای کمال عبادت. در احادیثی به ما گفته اند آنهایی که به ناچار عبادتشان را در یک موقعیت سختی انجام می‌دهند، نمازشان کامل‌تر از دیگران است. مثل جبهه جنگ. یا کسی که مریض است می‌خواهد عبادت انجام دهد به سختی انجام می‌دهد. امیرالمؤمنین فرمود: **أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ مَا أَكْرَهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ**، برترین عمل‌ها، عملی است که خودت را به سختی بیندازی، یک کسی است نابینا، یا ناشنو، یا از نظر اعضا بدن با دشواری روپروردیده، دستش شکسته، پایش شکسته و در بیمارستان بستری است اما در عین حال نمازش را به وقت انجام می‌دهد. او نمازش کامل‌تر است. پس یکی از شرایط کمال آن است که آن عبادت در موقعیت دشوار انجام شود. دوم اینکه سبقت داشته باشد، فراخوان عبادت که زده می‌شود اونی که زودتر به عبادت حرکت می‌کند نمازش کامل‌تر است، عبادتش کامل‌تر است، قرآن می‌فرماید: **لَا يَسْئَوُ مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتحِ وَ قَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَ قَاتَلُوا وَ كُلًاً وَ عَدَ اللَّهُ الْحَسْنَى ،** کسانی که قبل از

فتح مکه به میدان جهاد آمدند با اونهایی که بعد از فتح مکه آمدند خیلی فرق می کنند. مثل آنهایی که قبل از ۲۲ بهمن و ۲، ۳ ماه زودتر آمدند به میدان تظاهرات . خوب ریسک لازم داشت، خطر بیشتری بود. کسانیکه سرعت دارند، سبقت دارند، عملشان کامل تر است در حدیث می خوانیم صبح جمعه که می شود فرشتگانی می آیند محل نماز جمعه، کاغذ و قلمی دستشان است و به ترتیب کسانی که به محل نماز جمعه می رسند را ثبت نام می کند. اول سختی، دوم سبقت، سوم کار مهم تر نشان دهنده کمال است.

پیغمبر فرمود: لا صدقه و زور هم محتاج، تا فامیل محتاج دارید صدقه به دیگران نمی رسد. نه اینکه اون صدقه ثواب نداشته باشد، ولی کامل نیست. صدقه کامل صدقه ای است که اولویت در آن لحاظ شود. قرآن می گوید اگر می خواهید اتفاق کنید، اول والدین، بعد پستگان نزدیک، بعد یتیمان، بعد بیچاره ها. امیر المؤمنین (ع) فرمود: لا خیر فی النوافل إذا أضرت بالغراض ، اگر نماز های نافله آسیب می رساند، ضرر می رساند به واجبات آن را انجام ندهید. نماز واجب اولویت دارد. اگر می رود احیاء نماز صبحش قضا می شود. اگر می رود هیئت نماز صبحش قضا می شود. نباید به آن هیئت رود. این اولویت نشانه کمال است.

از نشانه های کمال: سبقت، اولویت، سختی، نشاط و دوام است. خیلی ها هستند عبادت می کنند اما موسمی است، مقطوعی است. دوام داشته باشد نشان دهنده کمال است. قرآن می فرماید: و علی باستقامو الطريقه اسغیناهم ما انقدعا، اگر استقامت ورزیدن در راه خدا ما آب گوارا، باران گوارا برای آنها نازل می کنیم. امیر المؤمنین درباره استقامت فرمود: قلیل مدمون علیه، خیر من کثیر مملو منه ، کم ادامه دار ، بهتر است از زیاد مقطوعی. عبادت هایمان را مستمر انجام دهیم، هر شب جمعه یک صفحه دعای کمیل بخوانیم. بهتر از این است که یک شب جمعه تمام دعای کمیل را بخوانیم و بقیه طول سال نخوانیم. دعای جوشن کبیر را از اول ماه رمضان هر شب یک مقدار آن را بخوانیم، اما ادامه داشته باشد، نمازهایمان را در مسجد بخوانیم، اذان بگوییم، بوی خوش استفاده کنیم، اینها نشانه کمال است، مثل ساختمانی که لوستر دارد، رنگ آمیزی دارد، نورپردازی دارد، نماز را با صدای خوش بخوانیم. سفارش شده، اینها از کمالات نماز است، با لحن عربی بخوانیم، سفارش شده است از شرایط کمال نماز، یکی اینکه با بصیرت باشد، از کار نمازی که می خوانیم با معنایش، با مفهومش با تفسیرش آشنایی پیدا کنیم، این مغضوبیتی که در سوره حمد می خوانیم چه کسانی هستند؟ ضالین چه کسانی هستند؟ انعمت علیهم چه کسانی هستند؟ صراط المستقیم چه راهی است؟ سوهان الله یعنی چه؟ اشهد برای چه می گوییم؟ این نماز را به اوج می برد، کمال می دهد، نورپردازی می کند. از چیزهایی که نماز را کامل می کند یکی این است که ما مغورو نشویم به نمازمان، نماز و عبادت خودمان را کوچک حساب کنیم، کم حساب کنیم. امیر المؤمنین (ع) فرمود: و لا خیر فی عبادة لیس فیها نفع. در عبادتی که اندیشه در آن نباشد، چرا من عبادت می کنم؟ من در این هستی چه جایگاهی دارم؟ از همسر پیامبر

پرسیده اند: بهترین خاطره ای که از پیامبر سراغ دارید چه خاطره ای است. گفتند: شب زنده داری پیامبر، مقدار کمی که شب استراحت می کرد، از خواب بر می خاست، به حیاط منزل می آمد به ستاره ها چشم می دوخت و آیات ۱۹۰ تا ۱۹۵ سوره آل عمران

را تلاوت می کرد: إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاحْتِلَافِ اللَّيلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لُّؤْلُؤَى الْأَلْبَابِ ، حقیقت این است که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و رفت شب و روز نشانه هایی است برای خردمندان. الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيمًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، خردمندان کسانی هستند که ذکر خدا را در هر حال دارند، ایستاده، نشسته و خوابیده. و علاوه بر ذکر فکر می کنند، يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، در آفرینش آسمان‌ها و زمین و به دنبال این ذکر و فکر دست به دعا بر می دارند که سبحانک و قنا عذاب النار ، پروردگارا تو منزهی از اینکه این جهان را بیهوده بیافرینی، حتماً مرا برای هدفی آفریده ای، پس دستم را بگیر و از آتش نجات بده. در حدیث می خوانیم: ان العمل الدائم القليل على اليقين وال بصيرة أفضل عند الله من العمل الكثير على غير اليقين والجهد، عبادت پیوسته‌کم، اما با یقین، با معرفت برتر است نزد خدا از عبادتی که زیاد باشد ولی یقین در آن نباشد.

### درس پنجم

به بحث ششم رسیدیم، فلسفه عبادات یا فلسفه احکام. زیاد سوال می‌شود از فلسفه احکام و سابقه هم دارد، از همان قرن‌های اول که اسلام جهانگیر می‌شد به خصوص از وقتی که غیرمسلمان‌ها وارد فضای جامعه‌اسلامی شدند پرسش می‌کردند که چرا خدا، چرا انبیاء باید بیایند؟ چرا انسان دوباره زنده می‌شود؟ چرا نماز؟ چرا روزه؟ چرا حجاب؟ چرا شراب حرام است؟ چرا ارث زن و مرد فرق دارد؟

در این برنامه خیلی مختصر می‌خواهیم راجع به فلسفه احکام با هم صحبت بکنیم. به چند سوال می‌خواهیم جواب دهیم، آیا احکام فلسفه دارد یا نه. سؤال دوم، اگر احکام فلسفه دارد آیا احکام بیان شده است یا نه؟ سوال سوم، چرا بعضی از احکام فلسفه شان بیان نشده است.

در مورد سؤال اول می‌خواهیم بگوییم که بله احکام فلسفه دارد، چرا بی دارد، حکمت دارد، دلیل دارد، چرا؟ چون از جانب خدا آمده است. خداوند هیچ چیزی را بی هدف نمی‌آفریند و هیچ دستوری را بی هدف صادر نمی‌کند، یکی از اسم‌های خداوند، حکیم است، یعنی آفریده‌های او با حکمت است، دستوراتش با حکمت است، تمام عبادات، تمام احکام حکمت دارد، فلسفه دارد.

سوال دوم، آیا بیان شده فلسفه احکام، فلسفه عبادات، جوابش این است که غالباً بله، به آیات قرآن مراجعه کنیم، غالباً می‌بینیم به دنبالی دستور، به دنبال امر، به دنبال نهی، فلسفه آن بیان شده است. ما گاهی بی دقتی می‌کنیم، روزه بگیرید تا تقوا داشته باشید، نماز بخوانید تا یاری خدا باشید، جهاد کنید تا عزیز باشید. فلسفه آن بیان شده است. ممکن است یک عبادتی یا یک حکمی چند فلسفه داشته باشد. مثل اینکه اطباء گاهی یک دارو را برای چند منظور می‌دهند. برای همین می‌بینیم که در قرآن و حدیث گاهی برای یک حکم، سه یا چهار یا بیشتر حکمت بیان شده است.

نگاه کنید یک فلسفه بهداشتی، بهداشت جسمی. دوم فلسفه بهداشت روانی، سوم فلسفه معنوی است.

ما کتابهایی مستقل در دست داریم به نام علل الشرایع، یعنی فلسفه احکام، که امامان ما، مخصوصاً امامانی که فرصت‌های ویژه‌ای در اختیارشان قرار گرفته است، مثل امام صادق (ع)، مثل امام رضا (ع)، شاید هزاران مورد پاسخ فلسفه احکام را گفته‌اند، چرا نماز بخوانیم؟ چرا اینطور نماز بخوانیم؟ چرا رکوع، چرا سجده، چرا می‌ایستیم؟ چرا اذان می‌گوییم؟ چرا وضو می‌گیریم، چرا با خاک تیم می‌کنیم، چرا یک رکوع، چرا دو سجده، چرا؟ چرا؟ فلسفه احکام در قرآن و در حدیث بیان شده است.

سوال سوم این بود که بعضی از احکام چرا فلسفه شان بیان نشده است؟ این هم یک دلیلش این است که امام معصوم فرمود در آخر زمان انسان وقتی که به رشد عقلانی می‌رسد راز این احکام را خواهد یافت، یک بسترهای است برای تناکش و پژوهش انسان‌های وارسته.

یک مسئله دیگر هم هست و آن این است که گاهی فلسفه بعضی از احکام گفته نشده است برای آزمونی. مثل فرماندهی که پیداست دستوراتش حکیمانه است اما بعضی از دستوراتش را سربازها متوجه نمی شوند برای چیست؟ دستورات سختی است، ولی در پایان می فهمند که این مانور بود، این دستور برای شناسایی آنها بود. فرمانده می خواست برایش روشن بشود که اینهایی که ادعا می کنند آیا در سختی ها هم تابع هستند. ما چیزی در اسلام داریم به نام تعبد، تسلیم، چرا نماز می خوانیم؟ چون تسلیم خدا هستیم، آفریدگار ما برای خوشبختی ما این دستور را صادر کرده است. چرا روزه می گیریم؟ چرا حجاب داریم؟ چرا شراب را حرام می دانیم؟ مطمئن هستیم در حرام ها فسادی است، ضرری است. مطمئن هستیم در واجب ها، فایده ای برای انسان ها است، مصلحتی است، تبعیت می کنیم چه فلسفه آن را بدانیم و چه ندانیم، معطل نمی مانیم و بگوییم که ما تا فلسفه روزه را ندانیم روزه نمی گیریم. آنوقت می شویم اسیر فلسفه، نه ما عبد خداوند هستیم، همین اندازه که می دانیم خداوند این فرمان را داده تبعیت می کند، تسلیم هستیم، البته خود خدا ما را کنجکاو آفریده است، دوست داریم راز آن حکم را بدانیم و از همین جهت هم است که خداوند در کتابش اسرار عبادات را بیان فرموده است.

اما گاهی می فرماید ما عدد مأموران جهنم را ۱۹ قرار دادیم تا ببینیم چه کسانی فضولی می کنند، اصلاً خود این عدد را قرار دادیم برای یک آزمون . وَمَا جعْلَنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً<sup>۱۹</sup> این عدد ۱۹ را قرار ندادیم مگر برای آزمون :

در زمان قدیم می گفتند کسی در خیابان لاله زار تهران رد می شد و دید کسی ایستاده و مدام تکرار می کند ۱۹، ۱۹، ۱۹، گفت آقا منظور تان چی است؟ او حواب نداد. یک نفر تازه‌ای رسید و گفت آقا چرا مدام تکرار می کنند ۱۹، ۱۹، و گفت: ۲۰، ۲۰، ۲۰،

جواب نداد، و در آخر گفتند جان هرکسی که دوست داری بگو قصه اش چی هست؟ گفت من از صبح تا به حال فضول‌ها را می‌شمرم. تو فضول نوزدهمی هستی.

گاهی خداوند می‌خواهد به خوبیانسان‌ها نشان بدهد که واقعاً عبد خداوند هستند، سرتاپا تسلیم فرمان خداوند هستند، این یک آزمونی است، مثلاً پیامبر عزیز اسلام تا در مکه بود به سمت بیت المقدس نماز می‌خواند، دستور این بود، و در مدینه هم به سمت بیت المقدس نماز می‌خوانند. در یک نماز ظهری دستور آمد که رویتان را از بیت المقدس به سمت کعبه بچرخانید یک ولوله ای در جامعه پیش آمد، برای چه چیزی؟ آیا قبله اولی درست بوده یا این درست است؟ اگر اولی درست بوده چرا عوض شده؟ اگر این قبله درست است پس این همه نماز خواندیم پس ثوابش چی شد؟ جواب آمد که خود این یک آزمون بود. هم قبله‌اول درست بود، هم این قبله درست است، هر دو فرمان خداوند است. و این تغییر قبله یک آزمونی بود برای شناسایی متعبد‌ها، برای شناسایی تسلیم‌ها.

ارث زن و مرد فرق دارد چرا؟ مگر ما انسان نیستیم، مگر دختر و پسر با هم فرق دارند؟ نه دختر و پسر از یک گوره آفریده شده‌اند ولی حکمتی در آن است.

دیه زن و مرد فرق دارد. حکمتش هم امام رضا بیان فرموده حالت فرض کنیم ما آن حکمت را ندانیم. می‌گوییم که ما بندۀ خداوند هستیم هرچه خدا بفرماید. وظایف زنان، وظایف مردان، به هرگونه که خداوند امر فرموده اطاعت می‌کنیم، تسلیم هستیم.

در این جلسه گفتیم که آیا احکام فلسفه دارد؟ جواب دادیم بله. چون از جانب خداوند حکیم آمده، مگر می‌شود خداوند حکیم، دستوری را بی حکمت بفرستد.

سوال دوم - آیا فلسفه احکام بیان شده است؟ جواب دادیم بله بیش از ۹۰ درصد احکام قرآن در حدیث فلسفه شان بیان شده است. چرا روزه بگیریم، چرا حج کنیم، چرا روزه بگیریم، همه اینها فلسفه شان هست.

سوال سوم - بعضی از احکام چرا فلسفه شان بیان نشده است؟ ۲ دلیل دارد. یکی از دلایلش را امام (ع) فرمود که چون در آخر الزمان انسان‌ها به اوج عقل و اندیشه می‌رسند و خودشان فهم می‌کنند اسرار بعضی از احکام را. و دلیل دیگری آزمونی است برای تعبد که معلوم شود ما برای چه چیزی عبادت می‌کنیم، ما بندۀ خدا هستیم، بندگی کن تا که سلطانت کنم. اگر بزرگی می‌خواهی بندگی کن چه فلسفه اش را بدانیم و چه ندانیم. ما از آن اول پذیرفتیم که این جهان خدایی دارد، آن خدا بندگانش را آفریده و جهان را در اختیار آنها قرار داده و برای خوشبختی آنها پیامبران را و کتاب‌هایی را به عنوان برنامه‌زنگی فرستاده است. ما تسلیم آن خدا هستیم و می‌توانیم تسلیم نباشیم و لج کنیم، مقابله خدا باستیم و سرکشی کنیم، اما بندگی یعنی تسلیم دستورات خداوند بودن چه فلسفه آن احکام را بدانیم یا ندانیم، البته خداوند فلسفه احکامش را در قرآن بیان کرده و در زبان پیامبر و معصومین بیان

شده، احکام، عبادات، تمامش اسرار دارد، فلسفه دارد، در طی این هزار و چند صد ساله کتاب‌های زیادی تحت عنوان اسرار الصلاه، اسرار الخمس، اسرار الحج، در روزگار خود ما کتاب‌های زیادی به زبان فارسی نوشته شده، عبادات و احکامی که در شریعت آمده اسرار دارد و بیان شده است آن اسرار در قرآن و حدیث تعدادش هم برای آزمون ما بیان نشده است.

## درس ششم

در بین عبادات نماز از یک برجستگی برخوردار است. نماز، از وقتی که به تکلیف می‌رسیم تا از دنیا می‌رویم نماز هست، نمازهای شبانه روزی، نمازهای مستحبی، نمازهای به جماعت، جمعه، در اسلام ۳۵۰ نوع نماز طراحی شده است، یعنی رابطه معنادار با خدا، پیغمبر فرمود: الصلاة عهد الله، نماز عهد خدا است. فرمود: قرئ العين في الصلاة، نور چشم من در نماز است.

در قرآن کریم نماز از مشترکات ادیان شمرده شده است. درباره نماز حضرت ابراهیم، نماز حضرت اسماعیل، نماز حضرت موسی، نماز حضرت عیسی، نماز حضرت زکریا، نماز حضرت مریم، نماز حضرت شعیب و نماز پیامبر اسلام آیه یا آیاتی آمده است. از مشترکات ادیان آسمانی نماز بوده و هست. فرمود: روز قیامت اولین ایستگاه ایستگاه نماز است. اگر نماز مورد قبول واقع نشود بقیه اعمال قبول نمی‌شود. پیامبر اسلام به مدینه که آمد اولین کاری که کرد جایی برای نماز ساخت، مسجد. یکسال بعد جنگ‌ها شروع شد. اصرار داشت پیامبر در جنگ‌ها نماز باشد در پیشانی کار، معلوم شود جنگ ما با همه‌جنگ‌های دنیا متفاوت است. ما بندگان خدا هستیم، در این جبهه خداپرستان می‌جنگند.

آیه ۱۰۲ از سوره نساء پیامبر اسلام را موظف کرد نماز را با رزم‌مندگان به جماعت بخوانند. اینها نشانه اهمیت نماز است در بین عبادات.

خود ما هم مشاهده کردیم اگر کسی نماز نخواند خیلی بعید است اهل خمس دادن باشد. نماز ستون خیمه دین است. نماز چشم دین است. نماز سر دین است. نماز پرچم دین است. پیامبر فرمود: موضع الصلاة من الدين كموضع الرأس من الجسد. جایگاه نماز در دیدن شباهت دارد به جایگاه سر در پیکر. سر را اگر از پیکر جدا کنیم یک لاشه متألفی می‌شود، ممکن است یک پیکر دست نداشته باشد، چشم نداشته باشد، پا نداشته باشد اما بدون سر چه؟ اسلام حتی اگر اقتصادش باشد سیاستش باشد نمازش نباشد، نماز سر دین است.

وقتی پیامبر اسلام استانداری را به یمن به نام معاذ بن جبل، نامه ای را برای او نوشت. یک فراز آن نامه این است . ای استاندار، استاندار هم یک عالم دین نیست، کارهای اقتصادی عمرانی دارد و کارهای فرهنگی اما به معاذ فرمود، ای معاذ: اظهہر أمر الاسلام کله ، پیاده کن اسلام را تمامش را ، صغیره و کبیره، مسائل کوچک اسلام را و مسائل کلان اسلام را ، و لکن اکثر همک الصلوة، اما بیشترین دغدغه

تو نماز باشد. امیرالمؤمنین (ع) در نامه اش به استاندار مصر فرمود: إِجْعَلْ أَفْضَلَ أَوْقَاتِكَ لِالصَّلَاةِ. گل وقت خود را، پربهادرین وقت شبانه روز خود را برای نماز قرار بده. به استانداران، به قاضیان، به فرماندهان نظامی پیامبر و امیرالمؤمنین امر می کردند خودتان امام جماعت بشوید. دغدغه برپایی نماز جماعت را داشته باشید. فرمود: نماز صورت دین شما است. سیمای دین شما است. نماز کلید بهشت است. نماز میزان وسیله سنجش مردم است.

وهي الاخر وصایل الانبياء، آخرين دغدغه و وصيت انبیاء نماز بوده، ما دشمني داريم که در قرآن ۹۹ بار نامش آمده ۸۸ بار به نام شیطان ۱۱ بار به نام ابليس، ۱۴ خداوند در قرآن فرموده است: او دشمن است، مسلمانان بیدار باشيد. فَأَخْجُوْهُ عَدُواً، او را دشمن حساب کنید. احاديث به ما می گويد شیطان با نماز مخالف است مواطن باشيد.

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَن يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبُعْضَاءِ فِي الْحُمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدُّكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَتْثُمُ مُتَّهِوْنَ. شیطان اولین هدفش این است که می خواهد بین شما دوستگی و تفرقه ایجاد کند و هدف دوم یاد خدا را و اقامه نماز را می خواهد راهش را ببینند. امروز هم شیاطین جنی و انسی، ابرقدرت ها، استکبار جهانی، در قالب فیلم در قالب رمان و قالب انیمیشن اینها هدفار کار می کنند. یکی از هدف هایشان خاموش کردن فروغ نماز است. خلوت کردن مساجد از نوجوانان و جوانان است.

حضرت عیسی (ع) در گهواره که به زبان آمد یکی این را گفت : وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالرِّزْقَةِ مَا دُمْتُ حَيَا، تا زنده ام خداوند مرا به نماز و زکات سفارش فرموده، آنقدر نماز اهمیت دارد که ابراهیم خلیل سرزمین خوش آب و هوای فلسطین را ترک کرد و به مکه آمد برای چی؟ برای حج؟ نه ، گفته برای نماز، رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرَيْتَ بِوَادٍ غَيْرِ ذِي رَزْعٍ عِنْدَ بَيْنِكَ الْمُحْرَمَ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ . من خانواده ام را اسکان دادم در سرزمین بی آب و علفی، نزدیک خانه تو ای خدا ، رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ پروردگارا هدف من اقامه نماز است.

کسانی بودند حاضر بودند مسلمان شوند ولی نماز نخوانند. از جمله مردم طائف، پس از فتح طائف طائفی ها مقاومت می کردند. جمعی از نمایندگان طائف نزد پیامبر آمدند که ما همه اسلام را می پذیریم ولی نماز نمی خوانیم، پیغمبر قبول نکرد مسلمانی آنها را فرمود رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ لَهُ ، در دینی که همه چیز هست اما نماز نیست خیر نیست. ما گاهی این حدیث را می خوانیم نماز ستون دین است ولی قبول نداریم.

ستون را حساب می کنیم مثل ستون های ییولیتی که بچه ها در در سن تئاتر می گذارند و بعد از تمام شدن نمایش هم آن ستون ها را بر می دارند و هیچ سقفی هم فرود نمی آید. ما باید در عمل نشان بدھیم که نماز ستون دین است. یک مدیر مدرسه، یک مدیر اداره وقتی به نماز اهتمام ندارد چطور می تواند ادعا کند که نماز ستون دین است. یک استاندار، یک فرماندار که صد روز می گذرد یک روز در نماز جماعت حضور پیدا نمی کند چطور می تواند ادعا کند که نماز ستون دین است؟

آن مرد نایبینا وقتی به پیامبر گفت گاهی کسی نیست من را بیاورد مسجد من در خانه تنها نماز میخوانم قبول است؟ پیغمبر فرمود  
نه جماعت، یک طنابی از خانه به مسجد وصل کن حتی وقتی که کسی نیست دستت را به طناب بگیر و به مسجد بیا. حالا اگر وزیر  
باشد پیغمبر به او چه می گوید؟ وزیر جمهوری اسلامی ایران، مدیر، فرمانده، میگوید من نماز را در اتاق خودم می خوانم، قابل  
قبول نیست. در میدان جنگ آیه ۱۰۲ از سوره نساء پیغمبر را موظف کرد با اینکه خطر داشت ممکن بود چند نفر کشته شوند،  
بعضی ها مجروح شوند، جماعت، فرادی نه. ۳ نفر بودند مسلمان ها، پیامبر، امیرالمؤمنین، حضرت خدیجه. رو بروی مشرکان به  
جماعت نماز می خواندند، این معنا دارد. کسانی که تاریخ اسلام نوشته اند گفته اند اولین خونی که در اسلام ریخته شده برای نماز  
بوده، مسلمان ها یک زمینی را گرفته اند در خارج از مکه می رفتد پنهانی نماز را به به جماعت می خواندند، مشرکان مطلع شدند  
درگیری پیش آمد، خونی ریخته شد، این ها نشانه اهمیت نماز است. پیامبر در لحظه آخر عمرش نگرانی اش از نماز خواندن نبود از  
سبک شمردن نماز بود.

استخفاف یعنی چه؟ یعنی نماز می خوانم در اتاق خودم. نماز می خوانم آخر وقت. اینها استخفاف نماز است. امیرالمؤمنین می  
دانسته استاندار تراکم کار دارد، اشتغالاتش زیاد است به او فرموده اول وقت نماز بخوان، اینها معنادار هستند.

حکومت هم از نظر رهنمودهای پیامبر و ائمه کارهایی که باید برای نماز بکند مجبور کردن نماز نیست ولی تبلیغات برای نماز،  
آموزش برای نماز، تمهیدات برای نماز، تشویق برای نماز، اینها کار حکومت است.

مطمئناً هیچ کس طرفدار نماز اجباری، نماز تشریفاتی، نمازِ ریایی نیست. اینها که همه می دانند خاصیت ندارد. اما خوبی قران فرموده:  
الَّذِينَ إِنْ مَكَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ . خدا پرستان کسانی که وقتی به قدرت می رسند، حکومت را در دست می گیرند اولین اقدامشان این  
است که نماز را به پا می دارند، وَأَتَوْا الزَّكَاءَ، بازار زکات را گرم نگه می دارند وَأَمْرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ، در رأسش اقامه نماز است.  
الآن این بیداری اسلامی که خبرش دنیا را گرفته، ایران اعلام می کند که این بیداری اسلامی اسمش است نه بهارِ عربی از کجا؟ از  
همان نماز، این نماز را که منها کنیم، وقتی در میدان الله اکبر می گویند همه در کنارِ هم خدا را می پرستند این لقب بیداری اسلامی  
پیدا می کند.

از خداوند می خواهیم که همه ما را نسبت به نمازی که قرآن از ما خواسته و پیامبر عزیز و امام زمان از مان انتظار دارند هم آگاه  
و هم عامل قرار بفرماید.

درس هفتم

قرآن کریم به ما می فرماید: شخصیت پیامبر را اسوه و الگوی خودتان قرار دهید. در این برنامه می خواهیم نگاهی بکنیم به نمازِ معصومین و الهام بگیریم از کیفیتِ نمازِ آنها و نمازهای خودمان را عمیق تر و خوشنونگ تر بکنیم. درباره نماز پیامبر و ائمه کتاب‌های مستقلی تألیف شده است. صدھا حدیث درباره سیره عبادی پیامبر به ما رسیده است. درباره سیره عبادی ائمه به ما رسیده است. در کتابهای حدیثی قالباً یک بابی از سیره عبادی معصومین آمده است. ما می دانیم که نماز شب بر پیامبر اسلام واجب بوده است. در سوره های مدثر، مزمول، فرمان نماز شب بر پیغمبر آمده. پیامبر فرمود گرسنه با غذا سیر می شود، تشننے با آب سیراب می شود. اما من از نماز هرگز سیر و سیراب نمی شوم. یک نوع عطش و تشنگی نسبت به نماز حس می کرد. خانواده پیامبر گفته اند وقت نماز که می رسید رنگ از رخش می پرید یک هیجان و حالتی پیدا می کرد که نه او ما می شناخت و نه ما حضرت را . اشتیاق داشت برای نماز، از بس پیامبر نماز می خواند آیه نازل شد **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طَهَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْفُرْقَانَ لِتُشْقَىٰ ،** خودش را به رنج می انداخت، زیاد در پیشگاه خداوند می ایستاد و وقتی سؤال می کردند یا رسول الله چرا انقدر عبادت می کنید، شما که معصوم هستید، خداوند وعده بهشت را به شما داده حضرت جواب می داد: «أَفَلَا أَكُونْ عَبْدًا شَكُورًا » ، آیا بنده سپاسگذاری نباشم. پیامبر نسبت به نماز خیلی شیفته بود. حتی در آخرین روزهای عمرش می فرمود زیر کتف هایم را بگیرید به مسجد ببرید تا نماز را به جماعت بخوانم آیه نازل شد، و **أَمْرُ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَرِّعَ عَلَيْهَا ،** خانواده ات را به نماز سفارش کن و بر این کار شکیبا باش. ۶ ماه یا ۹ ماه هر روز صبح می آمد در خانه دخترش در می زد و می فرمود : الصلاة يرحمك الله ، رحمت خدا بر شما باد. بخصوص جوان ها را به نماز سفارش می کرد. حتی گفتند جوانی است که نماز می خواند و گناه هم می کند، فرمود: همان نماز او را از گناه باز خواهد داشت.

صیغه عبادی پیامبر، نمازهایی که در میدان های جنگ می خواند، اصلاً حرکت رزم‌مندان از مسجد شروع می شد. پیامبر کسی را در بین رزم‌مندان می گماشت که وقت نماز را اعلام کند، اذان بگوید، اگر شب می خوابیدند برای نماز صبح کسی دیگران را بیدار کند که خواب نماند. یادگارهایی را در میدان های جنگ حضرت دستور می داد به عنوان مصلی بسازند که در آینده معلوم شود خدایران از اینجا عبور کرده اند. به بلال می فرمود: ارشنا یا بلال، بلال ما را راحت کن ، اذان بگو، وقت نماز را اعلام کن. در لحظه جان دادن حضرت علی فرمود سر پیامبر بر سینه من بود. دغدغه نماز مردم را داشت. که نکند سبک بشمارند نماز را. در سیره امیرالمؤمنین آمده، امیرالمؤمنین افتخارات خودش را که می شمرد می فرمود من اولین نمازگزار هستم، من اولین مسلمان هستم. بعضی از شب ها تا هزار رکعت نماز می گذارد. عاشق نماز بود. وقت نماز که می رسید می فرمود: جاء وقت الصلاة وقت نماز رسیده، **إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاءَاتِ وَالْأَرْضِ وَالجِبَالِ** وقت همان امانتی که خدا عرضه کرد به آسمان ها ، زمین و کوه ها و آنها نتوانستند آن امانت را بپذیرند.

امیرالمؤمنین (ع) که در حدیث آمده که محور نماز است، پایان عمرش، شهادتش، در محراب عبادت انجام شد. در مسجد، بعد از اینکه به بام مسجد رفت، در ماه رمضان اذان گفت، آمد خواب ها را بیدار کرد، امام حسن و امام حسین خواستند پدرشان را که ضربت خورده به خانه ببرند، فرمود دیگرانی هستند که مرا به خانه ببرند، حسن جان نماز را ادامه بده و در وصیت نامه اش که با فراز های کوتاه کوتاه جمع شده، یک فرازش را درباره نماز قرار داد **وَاللَّهُ أَنْعَمَ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ**، شما را به خدا، شما را به خدا ای حسن و ای حسین و ای تمام کسانی که وصیت علی به دست شما می‌رسد، نماز نماز، که ستون دین است.

امام مجتبی (ع) سالار شهیدان اینها تمامشان صیغه عبادی دارند، تمام زندگیشان خلاصه می‌شد در بندگی خدا و آن هم به شکل این نمازی که خدا می‌پسندد. ابی عبدالله (ع) که دعای عرفه اش در دنیا پیچیده، روز عاشورا، شب عاشورا چه نمازی اقامه کرد. گزارش گران دشمن گفته اند وقتی آمدیم بین خیمه های حسینی گزارش تهیه کنیم دیدیم صدای شبهیه صدای زنبورهای عسل به گوش می‌رسد، همه در حال راز و نیاز و نیایش هستند، بعضی در حال رکوع و بعضی در حال سجده. و صبح عاشورا ابی عبدالله (ع) نماز را به جماعت خواندن، خطبه خوانند. از مکه که راه افتادند کسی را به عنوان موذن اعلام فرمودند به نام حاج ابن مسروق، بین راه خطبه های امام همه پس از نماز ها برگزار شده. و اوج بندگی ابی عبدالله حسین (ع) در ظهر عاشورا با اینکه شاید بیش از ده نفر از یاران امام نمانده بدند، چند نفر جلو ایستادند حضرت فرصتی خواستند که دشمن آتش بس را قبول کند، قبول نکرند. علیرغم این نماز را در مقابل دشمن به جماعت در اول وقت با اذانی که جوان رشیدش، حضرت علی اکبر (ع) آن اذان را گفتند. کسی که وقت نماز را اعلام می‌کند ابوثمامه سیداوی، امام حسین (ع) به او دعا می‌کند که خداوند تورا از نماز گزاران قرار دهد. به امام سجاد (ع) می‌رسیم، زینت عبادت کنندگان، سرور سجده کنندگان، کتاب صحیفه سجادیه امام سجاد سیره عبادی خدا پرستان است.

یک وقتی از خیابان شریعتی تهران می‌گذشتیم یک دوستی کنار من نشسته بود و مسجدی را نشان داد و گفت من هرگز در این مسجد نماز نمیخوانم فکر کردم با امام جماعت این مسجد خورده حسابی دارد گفتم چرا؟ گفت امام جماعت این مسجد ذکر سجده را ۳ بار می‌گوید طول می‌دهد. من گفتم برادر عزیز درسته امام جماعت باید خلاصه بکند اما تو انقدر از سجدۀ طولانی بیزار هستی. امام سجاد (ع) به کوهستان می‌رفت، پیشانی اش را به سنگ های تیزی می‌گذاشت، ۵۰۰ بار ذکری را تکرار می‌کرد، سجاده اش از اشک چشمانش خیس می‌شد، جمعی از علوبیون آمدند احساس خطر کردند برای جان امام سجاد (ع) گفتند آقا به زودی شما از دنیا می‌روید با این همه عبادت. فرمود: عبادت من کجا عبادت جدم علی کجا، اینها رهبران ما هستند. نماز نافله نمی‌خوانیم سختمان است، نماز صبح را اول وقت نمی‌خوانیم سختمان است، نماز را به جماعت نمی‌خوانیم سخت است. پس زندگی برای چیست؟ وما خلقت الجن والإنس إلا ليعبدون، بندگی خدا، امام سجاد (ع) گریه می‌کرد و از خدا می‌خواست شیرینی عبادت را به او بچشباند. ابن عباس مفسر قرآن است، انسان فرهیخته ای است، فرمودند: در جنگ صفين دیدیم علی ابن ابیطالب شمشیر می‌زند و

به آسمان نگاه می کند. پرسیدم : یا ابوالحسن برای چی به آسمان نگاه می کنید، آقا فرمودند مراقب هستم وقت نماز ظهر رسیده یا نرسیده، من گفتم الان جنگ است نماز اول وقت برای شرایط عادی است. فرمود: ابن عباس جنگ ما هم برای نماز است. اینها رهبران ما هستند. خدا رحمت کند صیاد شیرازی را ، ایشون این خاطره را تعریف کردند که در زمان جنگ رئوی سای سه قوه و فرماندهان جنگ در جماران خدمت حضرت امام رسیدم، یکی از فرماندهان داشت گزارش جنگ را می داد. وسط گزارش او امام جلسه را ترک کرد، شهید صیاد می گوید کنار من آقای رفسنجانی بود ، از ایشون پرسیدم چی شد؟ ایشون هم متوجه نشدند، گفتم فکر کنم قلب امام گرفته، آمدیم این اتاق دیدیم امام دارد ادکلن می زند و برای نماز آماده می شود. این چیست که ما به بلوغ نرسیدم ولی ائمه ما به این بلوغ رسیدند. همه ما شنیده ایم که وقتی شاه فرار کرد، حضرت امام در فرانسه بود. خبرنگاران آمدند دور امام دیدیم حساس ترین گزارشی بود که از رهبر انقلاب به دنیا مخابره کنند، حضرت امام سوال چند خبرنگار را جواب دادند و بعد فرمودند: احمد وقت نماز شده، و حاج احمد آقا گفتند بله الان وقت نماز است امام از آن صندلی پایین آمدند و سراغ نمازشان رفتند. کدام سیاستمداری این کار را می کند. این است راه و رسم ائمه، همه امامان ما بندگیشان در پیشانی کارشان بوده. امام رضا (ع) شنیدند که جمعی از بستگانشان به دیدنشان می آیند، آمدند به دروازه شهر پیشواز آنها، وقت نماز رسید فرمود نماز می خوانیم گفتند آقا صبر کنید بستگانشان به دیدنشان می آیند، آمدند به دروازه شهر پیشواز آنها، وقت نماز رسید فرمود نماز می خوانیم گفتند آقا سابعی با امام رضا (ع) مباحثه می کرد ، بحث به یک جای قشنگی رسیده بود، وقت نماز شد، امام رضا فرمود من باید برم نماز بخوانم، امران صانعی گفت آقا الان دل من نرم شده برای پذیرفتن مکتب شما، امام رضا می دانست که وقت نماز وسیع است اما فرمود: نه نماز اول وقت، رفتن نماز اول وقت خوانند و برگشتند مباحثه را ادامه دادند، عمران هم شیعه شد و به سجده افتاد و شکر کرد خدا را که الحمد لله به دست چنین شخصیتی هدایت شدم. وقتی زیارت امام زمان (ع) را می خوانیم، آن زیارتی که مقام معظم رهبری به دوستانشان خیلی سفارش می کند بخوانید زیارت آل یاسین، چگونه سلام می دهیم، یک زیارت متفاوتی است. می گوییم سلام بر قنوت، سلام بر رکوعت، سلام بر تشهدت، این معلوم است که نماز اوج خدادرایی و خدایپرستی یک انسان است.

## درس هشتم

خدا رحمت کند حضرت امام خمینی را فرمود: نماز معجونی است الهی که سعادت فرد و جامعه را در دنیا و آخرت تضمین می کند، نماز کارخانه انسان سازی است. در این برنامه ها یکبار این بسته را می خواهیم توضیح دهیم. بسته ای که با وضو شروع می شود با تعقیبات خاتمه پیدا می کند. اولین پله نماز طهارت است در فقه ما به وضو، و غسل و تیم، طهارت گفته می شود. ما می خواهیم به دیدار پروردگارمان برویم، باید پاکیزه باشیم، هم بدنه ایمان، هم مکانیمان، هم لباسمان، هم فکرمان، هم روحانی، هم دلمان طاهر باشند. خیلی قیمت دارد. پیامبر فرمود کلید بهشت نماز است و کلید نماز وضو است. گاهی درباره وضو کم کاری می کنیم در آموزش های

نماز در ایستگاه وضو خیلی باید باشیم، ایستگاه وضو ایستگاه مهمی است. باید فکر کنیم، فلسفه وضو چیست؟ چه وضوی از ما خواسته‌اند؟ چه آدابی در وضو به کار رفته است؟ در مدارس ما نباید با عجله اکتفا کنیم به شستن دست و صورت و تمام کنیم قصه را. باید یک موقعی توضیح دهیم، فکرها را درگیر کنیم. از امام حسن مجتبی پرسیدند که چرا ما در نماز نمی‌توانیم حضور قلب داشته باشیم، فرمود: برگردید به ایستگاه وضو، یک مقداری با آرامش از آن ایستگاه بیایید به سمت نماز، نه اینکه آب اصراف کنید و زیاده روی کنید در مصرف آب نکنیم، توجه کنید که می‌خواهیم چکار کنیم؟ به دیدن چه کسی می‌خواهیم برویم؟ با چه کسی می‌خواهیم ملاقات کنیم. در حدیث می‌خوانیم امام باقر (ع) فرمود: لا صلاة الا بطهور، نماز بدون طهارت نداریم، نماز بدون وضو، غسل، تیم نداریم، امام رضا (ع) درباره فلسفه وضو فرمود: لَا يَكُونُ فِي جَمِيعِ أَخْوَالِهِ إِلَّا طَاهِرًا. علت اینکه نمازگزار باید وضو داشته باشد این است که بنده باید پاکیزه باشد. اذا قام بين يدي الجبار و عند مناجاته ، وقتي می خواهد در پيشگاه خدا مناجات کند باید طاهر و پاکیزه باشد. نفیا من الاناس و النجاسه از آلودگی ها، پلیدی ها، نجاست باید پاک باشد. مع ما فيهمن ذهاب الكسل و طرد النعاصي يك علت دیگر وضو این است که آب بخصوص اگر خنک باشد با پوست صورت دلمردگی، افسردگی، کسالت و خواب آلودگی را از بین می‌برد و به جایش شادابی و نشاط می‌آورد. امام رضا (ع) فرمود: وَتَرَكَهُ الْفُؤَادُ لِلْقَيَامِ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَارِ إِلَّا طَاهِرًا. هم این وضو گرفتن حکمتی دارد که پاکیزه و آماده می‌کند انسان را هم ظاهرش را و هم باطنش را برای دیدار با پروردگار. سفارشات زیادی رسیده که سعی کنید در همه حال وضو داشته باشید برای غیر نماز هم حتی می‌خواهید بخوابید و غذا بخورید وضو بگیرید.

در حدیث داریم که روزی پیامبر عزیز ما (ص) در خیابان شیطان را درد، خیلی عصبانی، از او پرسید چی شده؟ گفت عصبانی هستم، پیامبر پرسید: از کی؟ گفت از ۱۶ گروه، اولش خود شما هستید. بعد ۱۵ نفر دیگر را اسم برد یکی کسی که دوست دارد همیشه با وضو باشد. معلوم شیطان طرفدار آلودگی، گناه و پلیدی است. کسی که وضو می‌گیرد یک احساسی پیدا می‌کند و میل ندارد به سمت آلودگی گرایش پیدا کند. با وضو بخوابیم چون در خواب هم پیامک برای ما می‌رسد. یا از طرف شیطان‌ها یا از طرف فرشته‌ها. مثل کسی که از خواب بیدار می‌شود و موبایلش را نگاه می‌کند که ۸-۷ تا پیامک برای او رسیده. اگر ما می‌خواهیم خواب خوب و آرامی داشته باشیم و هم شیطان‌ها با ما تماس نگیرند، روایت دارد، با وضو بخوانید، قرآن بخوانید بخوابید، وضو، خداوند دوست دارد *إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ*، خداوند باوضوهای و پاکیزه‌ها را دوست دارد. و *يُحِبُّ التَّوَابِينَ*، یک نکته ای که باید درباره وضو در عرض چند ثانیه بیان کنیم اسراف در آب وضو است. پیامبر فرمود: الوضوء مدن آب وضو به اندازه ۱۰ سیم باید باشد و اگر به لیتر بگوییم دو سوم یک لیتر باید باشد. والعلل ساء، آب غسل هم در حد ۳ لیتر باید باشد. وسیطتی اقوام، در آینده مسلمانانی خواهند آمد یستغلون ذلك، میگویند این اندازه آب برای وضو یا غسل کم است. واولئک علی خلاف سنتی، آنها مخالف سنت من هستند. وضوی شاداب داشته باشیم ولی اسراف در آب نکنیم.

یک قصه ای را می خواهیم بیان کنیم خیلی آموزندۀ است مخصوصاً برای معلم‌ها و پدر و مادرها. امیرالمومنین (ع) پسری داشت به نام محمد حنفیه، چون مادرش حنفیه نام دارد او را به نام مادرش صدا می زندد. ۱۲، ۱۳ سالش بود. یک روزی دست این پسر را گرفت و آورد کنار آب. فرمود: عزیزم پسرم اینطوری وضو بگیر در این وضو احکام وضو نیست اما آداب وضو است.

خواهشی داریم از همه عزیزان از الان تا شبانه روز دیگر یک وضوی این گونه بگیرید و امتحان کنید. چطور؟ همین که نگاهت به آب افتاد از نعمت آب تشکر کن. عجب نعمتی است آب، اگر نباشد، اگر کم شود، زندگی انسان‌ها مختلف می‌شود، بهداشت و سلامت چه می‌شود؟ حیات انسانی چه می‌شود.

۲- پسرم قبل از اینکه وضو بگیری دست هایت را تا مج بشور و این را بگو خدایا مرا از پاکیزه‌ها و توبه کن ها قرار بده، اللهم جعلني من التوابين وجعلني من المطهرين ، پسرم، عزیزم صورت را که می‌شوری برای وضو این را بگو: خدایا مرا از روسفیدان در قیامت قرار بده از روسياهان قرار مده. این چقدر سازندگی دارد در هر وضو یاد قیامت کیم. در قیامت انسان‌ها ۲ دسته اند. وَجْهُهُ يَوْمَئِلْ مُسْفِرٌ، بعضی‌ها صورت‌هایشان سفید و درخشان است. ضَاحِكَةُ مُسْبَشِرٌ، خندان و شاداب است و وَجْهُهُ يَوْمَئِلْ عَيْنَاهَا عَبَرَةُ تَرْعَفُهَا قَتَرَةُ أُولَئِكَ هُمُ الْكُفَّارُ الْفَجَرُ يک صورت‌هایی همه سیاه و ناراحت است. در وضو کسی که وضو می‌گیرد یاد کند از قیامت در رفتارش تاثیر می‌گذارد. پسرم وقتی دست راست را مسح می‌کشی بگو: خدایا کارنامه عمل را در قیامت به دست راستم بده. دست چپ را می‌شویی بگو، خدایا کارنامه عمل را به دست چپ نده. قرآن می‌گوید: روز قیامت آنهایی که عملکرد قابل قبولی دارند فرشته‌ها از جلو می‌آیند و کارنامه‌هایشان را دست راستشان می‌دهند. آنهایی که عملکرد ضعیفی دارند مردود هستند، فرشته‌ها از عقب توهین آموز می‌آیند و کارنامه‌هایشان را در دست چشان می‌دهند، قرآن می‌گوید: فَأَمَّا مَنْ أُولَئِكَ تَبَاهُ بِيَمِنِيهِ ، آنی که کارنامه اش دست راستش است. فَيَقُولُ، می‌گوید: هاؤم اقروا کتابیه، ای اهل محشر بیایید کارنامه من را بخوانید. فَهُوَ فِي عِيشَةِ رَاضِيَةٍ فِي جَنَّةٍ عَالِيَّةٍ قُطْلُوفُهَا ذَانِيَةٌ ، در رضایت‌مندی و شادمانی به سر می‌برد بر بلندای بهشت مستقر می‌شود، میوه‌ها آماده و آویزان گفته می‌شود، کلوا و اشربیوا هنیباً بما اسلفتم فی الايام الخالية ، بفرمایید میل کنید این مزد کاری است که در دنیا وقت داشتید و انجام دادید، وأمامأوی کتابه بشماله، اما اونی که کارنامه اش دست چپش است، می‌گوید: فیقول، می‌گوید: یا لیتني لم اوتکتابیه، کاش این مایه بدختی را نمی دادند دست من. یا لیتنه‌گانی القاضیة ، خضوه ، دستگیرش کنید فقولوه ، دستبند به دستش بزنید ثم جهنم سلوه، بندازیدش در جهنم. در هر وضو اگر این صحنه را بیاوریم مقابل چشمانمان.

پسرم، محمد جان وقتی سرت را مسح می‌کشی این را بگو خدایا سرتاپا مرا غرق در رحمت کن. و وقتی پاهای را مسح می‌کشی بگو، خدایا قدم‌هایم را در پل صراط نلرزان روی جهنم پل باریکی است هر کس از آن پل بتواند رد شود به بهشت وارد می‌شود.

موقف سختی است در هر وضو اگر انسان این احساس به او دست بدهد ، وضو کلید نماز است، نماز کلید بهشت است. بعضی از وقت ها مانع توانیم وضو بگیریم یا اگر بر کسانی غسل جنابت یا غسل های واجب دیگری است نمی توانند از آب استفاده کنند. مثل اینکه آب نیست، وقت نیست یا آب ضرر دارد. آنوقت تیم میکند . ما در مجموع هم به وضو هم به غسل و هم به تیم می گوییم طهارت. طهارت آغاز این عبادت است.

## درس نهم

بحث ما درباره وقت است. حضرت امام خمینی فرمود: نماز کارخانه انسان سازی است اگر به همه اجزاء نماز با دقت نگاه کنیم معنای این جمله را خواهیم فهمید. علامه طباطبائی می فرماید: خداوند در قرآن به چیزهایی قسم خورده، نظرش این بوده به ما بفرماید اینها مهم هستند. بیشترین قسم های خدا در قرآن به وقت است. معلوم می شود که گران ترین گوهر در این عالم وقت است. خداوند در قرآن به اجزای وقت به صبح، به ظهر، به عصر، به روز، به سحر قسم خورده است. **وَاللَّيْلُ وَالصُّبْحُ، هُمْ** گوهری که ما خروار، خروار به رایگان از دست می دهیم. حدیث داریم هر روز صبح فرشته ای پیش ما می آید و می گوید: مواطن باش امروز هم یک روز تازه است مفت از دست ندهی استفاده کن، نماز یک جوری طراحی شده است که با وقت آمیخته است. قرآن می فرماید: **إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُوتًا**. نماز واجبی است وقت دارچرا؟ به خاطر اینکه نماز گزار قدر آن وقت را بداند. حدیث داریم: الدُّنْيَا سَاعَهُ فَاجْلِهَا طَاعَهُ، الدُّنْيَا سَاعَتِي بِيَشْ نَيِّسَتْ آن را در مسیر طاعت خدا به کار ببرد. نمازها هر کدام وقتی دارند، نماز قبل از وقت باطل است، اول وقت بهترین است، با تأخیر ثوابش کم می شود، قبل از وقت گناه دارد. مگر ما در نماز چه می گوییم، یا شکر خدا را می گوییم یا ستایش می کنیم خدا را، یا از خدا چیزی می خواهیم، این معلوم می شود پدیده وقت خیلی اهمیت دارد.

دست کم وقت برای نماز گزار ۲ پیام دارد، پیام اولش برنامه ریزی است. مسلمان ها بی نظم نباشید، بی انضباط نباشید، برای همه نیازهایتان برنامه ریزی کنید. موسی ابن جعفر(ع) فرمود: سعی کنید وقت خودتان را به ۴ قسم تقسیم کنید، یک قسمت را بگذارید برای خدا، یک قسمت برای کار، یک قسمت برای دید و بازدید رفت و آمد با افراد مطمئن، یک قسمت هم برای تفريحات حلال و سالم. اما برنامه داشته باشید چه ساعتی نماز، چه ساعتی تفریح، چه ساعتی خواب، وقت نماز پیام مهمش برنامه ریزی است. یهودی ها و مسیحی ها در طی این هزار و چند صد سال، فهمیدند مسلمان ها برنامه دارند، اصلاً علم نجوم چرا در بین مسلمان ها پیشرفت پژوهشی داشت به خاطر ۲ مسئله فقهی، یکی وقت نماز، یکی قبله نماز. مسلمان ها رفتن دنبال اینکه شبانه روز را به چند ساعت و دقیقه تقسیم کنند، آنقدر که وقت برایشان مهم بود. موضوع دوم در وقت نماز مسئله توجه به آیات الهی است. وقت ترکیب شده است با آیات الهی، با خورشید، با ماه، با روز، شب، طلوع و غروب. متأسفانه از وقتی که رادیو و تلویزیون میدان دار شده اند نمازگزاران هیچ توجهی به زیبایی های آیات الهی ندارند. اسلام خواسته هر روز چند بار مردم به طبیعت، آسمان،

خورشید و به طلوع و غروب نگاه کنند. وقت نماز صبح آغازش فجر صادق است. فجر یعنی سپیده، صادق یعنی راست. معنیش این است که یک سپیده دروغ هم است حدود بیست دقیقه قبل از اذان صبح یک روشنایی عمودی در سمت مشرق پدیدار می شود آنهم خیلی زیبا است ولی هنوز وقت نماز صبح نرسیده است. شب زنده داران در آن وقت نماز شب می خوانند بعدش یک سپیدی افقی، پهنه افق را پر می کند. ما اصلاً تماشا نمی کنیم. خود ما، بچه های ما، دوستان ما همه در خواب هستیم، اسلام گفته از خواب برخیزید این شگفتی های هستی را که این ستاره ها و سیاره ها با چه نظمی حرکت می کنند تا این زیبایی ها را می آفرینند. سازنده کیست؟ طراح کیست؟ نقاش کیست؟ ما در این میدان چکاره هستیم؟ این را رادیو اعلام می کند، ما هم ساعتمان را برای نماز ۵ دقیقه به طلوع آفتاب کوک می کنیم. اسلام خواسته برخیزیم، نگاه کنیم به عظمت خورشید، نگاه کنیم به زیبایی طلوع آفتاب.

وقت نماز ظهر تمام شدن سایه خورشید است، در مناطقی مثل منطقه ای که ما هستیم کشور ایران سایه شاخص تمام نمی شود به کمترین حدش می رسد. همین را باید بچه های ما تماشا کنند. این سایه که شاخصی از طرف خورشید نوری به آن می تابد و این طرفش سایه دارد اوایل صبح سایه طولانی است، کم می شود، کم می شود به کمترین حدش که می رسد سایه می افتد آنطرف شاخص. این وقت نماز ظهر است. نگاه کنید چه نظم و دقیقی در حرکت زمین و خوشید برقرار است.

اکنون دانشمندان و اساتید دانشگاه های تهران پیشگویی می کنند که تحویل سال ۹۰ سال دیگر مثلاً در چه دقیقه و در چه ثانیه ای خواهد بود. این نظم حاکم بر هستی است. نمازگزار باید توجه بکند به اینها، غروب آفتاب، مغرب، نصف شب.

امامان ما نسبت به وقت نماز خیلی حساس بوند. می آمدند تماشا می کردند، مردم می فقط در روز رمضان که می شود نسبت به حلال ماه حساس هستند. اما ائمه ما هر ۱۲ ماه سال را به حلال ماه حساس بودند. چه دعا هایی را به ما یاد می دادند. وقتی حلال اول ماه را می بینید چه دعایی بخوانید، چه احساسی پیدا بکنید، یکی از نماز هایی که واجب است، نماز آیات یعنی آیات الهی، ماه و خورشید، باد و رگبار و طوفان، اینها آیات خدا هستند که به غلط در زمان جاهلیت فکر می کردند اینها خدایان هستند. وقتی حوالشی مثل کسوف و خسوف پیش بباید وضو بگیرید به نماز بایستید در پیشگاه آفریدگار ماه و خورشید، نه در پیشگاه خود خورشید.

یکی دیگر از مقدمات نماز مکان است. جایی که ما می ایستیم نماز بخوانیم، آن هم شرایطی دارد و آن هم در تربیت ما نقش دارد. جایی که ما می ایستیم مهمترین شرط این است که مباح باشد یعنی غصبی نباشد، حقوق مردم و نارضایتی مردم در آن نباشد. همان شرطی که در لباس نمازگزار هم است، جایی که ما می ایستیم نماز بخوانیم، چون ما در نماز احتیاج به تمرکز داریم نباید شبیدار باشد به سمت بالا و پایین، پستی و بلندی داشته باشد، سقف کوتاه باشد، اینها نباشد باشد. سقفش باید به اندازه ای باشد

که نمازگزار بتواند بایستد و آرام باشد. سربالایی و سرپایینی و لغزنده، مثلاً روی تشكی که ابرش زیاد است و ابری است و نمازگزار نمی تواند روی آن قرار بگیرد، یا در قطار، هواپیما، ماشین. مگر در اوقات استثنایی و شرایط عادی نمی تواند نماز بخواند چون یکی از ارکان نماز، نیت و تمرکز است و اینها تمرکز را از بین می برد.

لباسِ نماز نباید غصبی باشد. حتی اگر نخ دکمه نمازگزار غصبی باشد نماز او باطل است. کسی که به حقوق مردم توجه ندارد، کسی که قشری معامله می کند، کسی که دروغ می گوید در معامله. کسی که می داند معامله اش از نظر شرعی غلط است در آن پول تصرف می کند نماز هم می خواند چطور آن نماز برای او قابل قبول است. لباس نمازگزار از نظر تمیزی باید پاک و تمیز باشد. حتی الامکان رنگ روشن باشد. دکمه هایش بسته و مرتب باشد.

امامان ما می فرمودند: سعی کنید یک لباسی مخصوص نماز داشته باشید و وصیت کنید جزء کفتنا نقرار بدهد. در آن دنیا لباس نمازگزار به کارتان می آید. الان ما بانوان و دختران در کشورمان چادر نماز دارند خیلی خوب است اما پسران و مردان ندارند، خوشابه حال کسی که یک ابداع و اختراعی را فرهنگ سازی بکنند، یک پیراهن و لباسی را طراحی بکنند، مخصوصاً مدل سازان لباس می توانند این کار را بکنند و تا دنیا هست هر کس از آن لباس به عنوان لباس نماز استفاده می کند آنها در ثوابش شریک باشند، رسم کنیم اینها را، اینها از رهنمودهای امامان ما است. لباس خاص و پیراهن خاص نماز با رنگ روشن و دوختِ جذاب دل پسند، اینها سازندگی های نماز است، لباس، مکان، وقت. از خداوند می خواهیم در این کارخانه ای که ما را برای تربیت و انسان سازی فرستاده بتوانیم بهرهٔ لازم را ببریم.

## درس دهم

رسیدیم به درس ۱۱ که عنوان آن قبله است. این جمله را زیاد از حضرت امام خمینی تکرار کردیم، فرمود: نماز کارخانه انسان سازی است. وقتی به اجزاء نماز دقت می کنیم این را فهم می کنیم، یکی از مقدمات نماز قبله است، قبله به معنای جهت است. قرآن کریم می فرماید: ما برای همه امت‌ها یک قبله قرار دادیم، ما قرار دادیم، وَلَكُلٌ وِجْهَةٌ مُّوْلَيْهَا، برای هر امتی قبله ای است، جهتی است، خداوند تعیین کننده آن قبله است، قبله به این معنا نیست که خداوند به این سمت است چون خدا همه جا است. **أَيْنَ مَا تُولُوا فَقَمْ وَجْهُ اللَّهِ**، به هر سو رو کنید خدا به همان سو هست. پس قبله برای چیست؟ برای اینکه در برنامه هایمان نظم و جهت داشته باشید. در عبادات های دسته جمعی نظم داشته باشیم، وقتی تصویربرداری می کنند یک عده‌ای از نمازگزار، اگر بنا بود هر کسی به هر سمت دلخواه نماز بخواند یک جمعی متشتت به چشم می آمدند، مسخره می کردند غیر مسلمان‌ها، اما الان وقتی نگاه می کنند هر مسلمانی در هر کجا کرده زمین بخواهد نماز بخواند به سمتِ کعبه، دایره های فوق العاده زیبایی تشکیل می شود همه به یک نقطه، آن نقطه کجاست، سرزمین بندگی منادی توحید ابراهیم، منادی تسليم اسماعیل، مادر نمونه هاجر، هروقت به نماز می ایستد یاد می کند از

این شخصیت های بزرگ، ابراهیمی که خداوند فرمود او اسوه و الگوی خدای پرستان است. ابراهیمی که به خاطر خدا از آسایش خودش گذشت، از منطقه خوش آب و هوای حاشیه دریای مدیترانه آمد به سرزمین بی آب و علف مکه، به خاطر اینکه فرمان خدا را اطاعت کند. خداوند به او فرمود: همسر و کودک را همینجا بگذار و برو، ما وقتی نماز می خوانیم به اینها باید دقت کنیم، قبله کجاست؟ چرا به این سمت می ایستیم؟ هاجر و کودک مانند و ابراهیم به دنبال مأموریت الهی است. مادر دید کودک تشنه است پرپر می زند، دوید تا این بلندی، برگشت تا بلندی دیگر، ۷ بار این مسافت سیصد و چند متري صفا و مروه را رفت و برگشت، این دفعه پریشانی این مادر به اوج رسیده بود که یک وقت نگاه کرد زیر پاهای طفل آب می جوشد. و بعدها که این مادر از دنیا رفت کنار کعبه به خاک سپرده شد و خدا پرستان و حاجیان مأمور شدند همان طور که دور کعبه طواف می کنند، دور قبر این مادر هم طواف کنند، چه معانی در قبله است، قبله مسلمان ها در مکه بیت المقدس بود، بیت المقدس هم جای مقدسی است، همیشه بوده و همیشه خواهد بود. چرا همیشه از روز اول به سمت کعبه نماز نخوانده اند؟ به خاطر اینکه کعبه پر بود از بت ها، هم داخل کعبه، هم بام کعبه هم دورتادور کعبه، به تعداد روزهای سال بت بود، اگر مسلمان ها به سمت کعبه می ایستادند متهم می شدند به بت پرستی، تا ۱۳ سالی که مسلمان ها در مکه بودند به سمت بیت المقدس نماز می خواندند، در مدینه هم تا چند سالی به سمت بیت المقدس نماز می خواندند تا اینکه یهودیان طعنه می زندند و می گفتد اسلام یک شاخه ای از یهود است دین مستقلی نیست دلیش این است که قبله مستقلی ندارند. پیامبر عظیم اسلام هم غصه می خورد و شبها می آمد به آسمان نگاه می کرد و سخنی نمی گفت. آیه نازل شد **قَدْ نَرَى تَقْلُبَ وَجْهَكَ فِي السَّمَاءِ ، مَا مِي بَيْنِ يَمِينِ نَغَاهِ كَرِدْنَتْ رَا بِهِ آسَمَانَ ، مِي دَائِيمَ نَظَرَتِ اِنَّ اَسْتَ كَه يَكْ قَبْلَهَ مِسْتَقْلَهَ مِي خَواهِيَ ، فَأَنْوَيْنَكَ قَبْلَهَ** تَرْضَاهَا، به زودی یک قبله ای که تو را راضی کند به تو خواهیم داد. در یک نماز ظهری که پیامبر ۲ رکعت از نماز ظهر را خواند بود، جبرئیل را خداوند فرستاد و کتف های از سمت بیت المقدس به سمت کعبه چرخاند زائران بیت الله حرام وقتی به مدینه می روند از جاهایی که بازدید می کنند یکی مسجد ۲ قبله ای است مسجد قبلتین. و آیه نازل شد ای پیامبر از این به بعد به سمت کعبه نماز بخوان و ای مسلمان ها در هر کجا ای که هستید به سمت مسجد الحرام نماز بخوانید. علاوه برنامز خواندن هم مستحب است که مسلمان ها وقتی می خواهند غذا بخورند یا بخوابند به سمت قبله باشد. این جهت داشتن در زندگی را از آن غافل نباشند. معنای قبله این است که من رنگ دارم، جهت دارم، خنثی نیستند بعضی از اوقات انتخابات که می شود یا در مسائل سیاسی می گوید من بیرنگ هستم برای من فرقی نمی کند حسین یا یزید. فکر می کند جهت ندارند او هم جهت دارد، کسی نیست در این دنیا مگر اینکه جهت دارد. ولی قرآن می خواهد از ما یک جهت شفاف روشنی را اعلام بکنیم همین که می ایستیم به سمت قبله یعنی سمت و سوی ما ابراهیمی است. سمت و سوی ما اسماعیلی است. ما مخالف مشرکان هستیم. در احکام فقهی آمده بعضی از کارها مثل دستشویی رفتن رو به قبله و پشت به قبله گناه است و حرام است. یک حرمتی دارد کعبه و قبله، درباره

آموزش قبله هم بد نیست چیزهایی را بدانید، بخصوص کسانی که به مسافرت می‌روند برای پیدا کردن قبله، می‌توانند قبله نما همراه داشته باشند. اگر نمی‌توانند داشته باشند، ۶، ۷ نوع راه وجود دارد برای پیدا کردن قبله. در شب، در روز، در رساله‌های عملیه آمده مثلاً از راه محراب مساجد، از راه قبرهایی که در قبرستان‌های مسلمانها است چون آنها را به سمت قبله می‌خواباند و یا از راه شیری که در ستاره‌ها، کهکشان راه شیری بالای سر ما هست به سمت قبله است یا ستاره قطبی، یا در روز از طلوع و غروب خورشید اگر بتوانیم مشرق و مغرب را تشخیص دهیم قاعده‌تاً شمال و جنوب را هم می‌توانیم تشخیص دهیم و قبله‌ایرانی‌ها به سمت جنوب‌غرب است. دقیق هم که به صورت قبله نما باشد لازم نیست حدوداً به سمت قبله بایستیم نماز ما درست است. باید پرسش بکنیم قبله را و مطمئن بشویم به چه سمتی است به همان سمت نماز بخوانیم. و اگر کسی پرس و جو کرد قبله را و بعد از نماز متوجه شد نمازهایی که خوانده به سمت قبله درست نبوده از نظر فقهی حکم‌ش این است که حالا که پرس و جو کرده اگر تا ۹۰ درجه به سمت راست و ۹۰ درجه به سمت چپ انحراف داشته آن نمازش قضا ندارد، اما اگر بیش از این اندازه با قبله ای که باید به سمت‌ش نماز می‌خواند اختلاف دارد مجدداً آن نمازها را باید قضا بکند و همسرش هاجر در هر نمازی یاد می‌کنیم جهت ما جهت ابراهیم است. همان شخصیتی که با بت‌ها مبارزه کرد، شخصیتی که تنها بود و قرآن اسم او را گذاشته یک ملت و ابراهیم یک امت بود، یک ملت بود. حتی خانواده خودش، بستگانش، فامیلش با او مخالفت می‌کردند، با آنها بحث می‌کرد، احتجاج می‌کرد، مناظره می‌کرد و وقتی تنها شد مبارزه را رها نکرد، روز تعطیل به بتخانه آمد، بتها را شکست و تبر را به گردن بزرگ انداخت. و وقتی آمدند گفتند که چه کسی ممکن است این کار را کرده باشد. گفتند یک جوانی که نامش ابراهیم است. ما در هر نمازی اینها را باید یادآوری کنیم.

به این سمت نماز بخوان یعنی این شخص را این، شخصیت او را، زندگی او را، آرمان‌های او را فراموش نکن، مسلمانان باید در عبادت رو به کعبه بایستند، حتی کارهای خودشان را، خورد و خوارک خودشان را، حتی غذایی که مسلمان‌ها می‌خورند گوسفندی ذبح می‌کنند، گاوی ذبح می‌کنند به سمت قبله باید باشد تا گوشتش حلال باشد و قابل‌خوردن باشد. آری کعبه یادگار مبارزات، ابراهیم، اسماعیل، هاجر، محمد(ص) و حضرت مهدی (عج) امام زمان از این نقطه ظهور خواهد کرد، امام زمان(ع) در ظهری بعد از اینکه نماز را می‌خواند آن پیام جهانی خودش را در حالی که هم تصویرش در همه دنیا دیده می‌شود و هم سخشن شنیده می‌شود از این نقطه امام زمان (ع) حرکتش را آغاز خواهد کرد یکی دیگر از مقدمات نماز اذان است که بعد به آن می‌پردازیم.

## درس یازدهم

رسیدیم به بحث اذان، مدتی بود مسلمان‌ها نزد پیامبر رفت و آمد می‌کردند و می‌گفتند مسیحی‌ها برای فراخوان و اجتماع‌شان یک علامتی دارند به نام ناقوس، یهودی‌ها هم یک علامت دیگری دارند به نام طبل، زرتشتی‌ها هم برای فراخوان از آتش استفاده

می‌کنند، ما مسلمان‌ها یک آرم، نشانی یا نمادی باید داشته باشیم، رسول خدا(ص) فرمود: باید از آسمان دستورش بباید، یک روزی استراحت می‌کرد پیامبر سرش بر دامن امیرالمؤمنین (ع) بود که جبرئیل نازل شد و اذان را آورد، او لین کسی که بعد از پیامبر اذان را آموخت امیرالمؤمنین بود، پیامبر چشمانش را باز کرد و گفت علی جان شنیدی؟ عرضه داشت: بله رسول الله، یاد گرفتی؟ بله یا رسول الله، فرمود: برو بلال را خبر کن و اذان را به او بیاموز او باید موذن من باشد، که در این حرکت پیامبر خیلی حرف است، چرا این شخصیت را انتخاب کرد؟ چرا بلال را انتخاب کرد؟ آیا می‌خواست به برده‌ها شخصیت بدهد؟ آیا می‌خواست به سیاهان شخصیت بدهد؟ آیا می‌خواست به کتك خورده‌ها و کسانی که در انقلاب زجر کشیده بودند کرامت قائل شود، آیا می‌خواست متکبران را سیلی بزند، آیا می‌خواست بفهماند ایمان و تقوا شاخص هستند و تا پایان عمرش فرمود فقط بلال باید اذان گوی من باشد، گاهی که به سفر جهاد یا سفر دیگری می‌رفت بلال را با خودش می‌برد در شهر موذن دیگری را می‌گماشت، اذان چیست؟ اذان سروی است سکوت شکن، موزون، کوتاه، پرمحتو، سازنده که دربردارنده اساسی‌ترین پایه‌های اعتقادی مسلمانان است.

چند سال قبل نمایندگان همه ادیان در سازمان ملل متحد جمع شدند، حدود ۷۰۰ نفر بودند، از ایران هم یک گروهی به سرپرستی آیت الله جوادی آملی و همراهی آقای دکتر حداد عادل حضور پیدا کردند، می‌خواستند افتتاحیه را داشته باشند برای اجتماع نمایندگان ادیان، همه‌ادیان، ادیان آسمانی و زمینی، بالاخره تصمیم گرفتند افتتاحیه را بدنه‌ند به مسلمان‌ها. مسلمان‌ها هم نمایندگانشان نشستند فکر کردند، چه مراسmi؟ چه حرفی بزنیم؟ به این نتیجه رسیدند که یک سیاهی اذانی بگوید یادآور اذان بلال حبسی، و افتتاحیه مجمع نمایندگان ادیان در سازمان ملل با اذان شروع شد، حدیث داریم تنها سروی که از زمین به آسمانیان می‌رسد اذان است، اذان گوها در روز قیامت با قامتی بلند، بلندتر از دیگران وارد محشر می‌شوند، افتخار می‌کنند به اذان گو بودنشان، اذان صدایی است که طبق حدیث شیطان‌ها را به فرار دله‌ره وامی دارد، سفارش شده در خانه‌ها پسرها نماز بخوانند و اذان بگویند و پدر و مادرها آنها را تشویق کنند، در ایران هزاران هزار مجتمع داریم اگر صدای نوجوان‌های پسر به اذان بلند شود، ما گاهی می‌بینیم که مسابقات اذان هم در بین دانش آموزان است اما وقتی از آنها می‌پرسیم که در خانه تان اذان می‌گویید می‌خندند، می‌گویند نه رسم نیست اگر ما اذان بگوییم به ما می‌خندند. اذان گویی در جامعه ما کم است. حدیث داریم در آخرالزمان یک روزگاری می‌رسد که مردم اذان گفتن را ترک می‌کنند و به عهده طبقات پایین می‌گذارند، عار می‌دانند اذان گفتن را، امیرالمؤمنین (ع) افتخار می‌کرد به اینکه بنده خدا است، خودش اذان می‌گفت.

فرازهایی که در اذان است ۴ مرتبه اللہ اکبر، اللہ اکبر از شعارهایی است که در صدر اسلام قدرت و قوت و وحدت می‌بخشید، در هنگامه شادی و غم اذان می‌گفتند، در پیروزی‌ها اذان می‌گفتند، دشمن که حمله می‌کرد مسلمان‌ها کم بودند با اللہ اکبر به خودشان روحیه می‌دادند، اللہ اکبر، خدا بزرگ است بزرگتر از هر کس و هر چیز. هرچه وصف شود. اشهد ان لا اله الا الله، سه فراز اذان گواهی

دادن است . یعنی مسلمان ها ، هر روز و هر شب اعتقادات خودشان را به زبان جاری می کنند، هم به خودشان تلقین می کنند و هم برای دینشان تبلیغ می کنند به دیگران اعلام می کنند، خجالت نمی کشد بگوید من مسلمان هستم، آی مردم دنیا بدانید من مسلمان هستم، به خدای یکتا و پیامبر اسلام و امیرالمؤمنین عقیده دارم، با صدای بلند. چون ذکر ها را به ما توصیه شده که با صدای متوسط باید گفته شود اما بعضی از ذکر ها که حالت شعار دارد مثل اذان یا تکییر با صدای بلند باید باشد. امیرالمؤمنین در مسجد اذان می گفتند به علی الصلاة، یعنی به بلندترین صدای خودش .

مایه تاسف بعضی از همسایه های مساجدها گلایه می کنند، با اینکه صدای اذان هم صدای نرمی است که شاید تا چند تا خانه هم آنورتر نمی رود. چرا آن مساجدی که صدای گوش خراش و اذیت کن دارد باید صدا را آرام کنند. ولی اذان باید در جامعه اسلامی شبانه روز چند بار منتشر شود بعد در ۳ فراز می گوییم حی، خود و دیگران را به نماز سفارش می کنیم، حی علی الصلاة، بشتابید به سوی نماز، حی علی الفلاح بشتابید مسلمان ها به سوی رستگاری، حی علی خیر العمل، بشتابید به سوی بهترین کار، باز می گوییم اللہ اکبر ، اللہ اکبر و با کلمه توحید که در حدیث داریم هیچ چیزی در روز قیامت وزنة اعمال صالح را بیش از لا اله الا الله سنگین نمی کند و اذان به پایان می رسد.

زنگی نامه اولین موذن اسلام را برایتان نقل می کنیم، شاید یک فیلم سازی این را بشنو و آنرا تبدیل به فیلم کند. از اینجا شروع می کنیم که لشکر ابرهه وقتی به خانه خدا حمله کرد با لشکریان خدا تار و مار شدند یک تعدادی گفته اند که از آن لشکر توانستند فرار بکنند. روستاهای شهراهی که بین راه بودند خبر متلاشی شدن لشکر ابرهه را شنیده بودند و شنیده بودند یک جمعی هم فرار کردند می آمدند در مسیر راه قرار می گرفتند و یک ضربه ای به آنها می زدند. تا اینکه یک روستایی در بین راه بود در آن روستا مردی زندگی می کرد به نام مرد خوش شانس، در آن روستا اسمش به خوش شانسی سر زبان ها افتاده بود، این مرد هم آمده در مسیر لشکر شکست خورده ابرهه، آن قافله رسید و جلویش یک شتر بود، روی شتر کجاوه ای بود و افسار شتر هم به دست بردۀ سیاهی بود. این مرد خوش شانس گفت که این سهم من از غنائم، بقیه هم گفتند قبول است. این شتر را آورد و نرسیده به خانه گفت ببینیم که در آن کجاوه چیست؟ آن پرده کجاوه را کنار زد و دید که یک دختر زیبا رو در آن نشسته، گفت تو کی هستی؟ گفت من حمامه هستم یعنی کبوتر، گفت چه کسی هستی؟ گفت دختر برادر ابرهه هستم. مرد خوش شانس هم اون خانم زیبا رو و شتر و بردۀ سیاه را آورد به خانه خودش همسرش وقتی نگاهش افتاد به این دختر زیبا خلقش تنگ شد و به همسرش گفت خانم ناراحت نباش من این را فردا می برم به مکه و بفروشم و با پول آن زندگی خودم را سامان بدهم، فردای آن روز دختر را برد به مکه یک ثروتمندی بود در مکه به نام خلف، به او گفت یک همچین چیزی برایت آورده ام می خری؟ گفت بله که می خرم، چقدر می فروشی؟ به تفاهم رسیدند و پول دختر را داد به مرد خوش شانس، مرد خوش شانس وقتی داشت خدا حافظی می کرد گفت: ببخشید میخواهی

با این دختر چکار کنی؟ گفت به تو چه، تو دیگر این را فروختی، می خواهم این را بکشم، به بدترین شکل می خواهم شکنجه اش دهم تا انتقام را از ابرهه گرفته باشد. گفت : این دختر که گناهی ندارد اگر مرد بودی باید با ابرهه می جنگیدی، گفت تو دیگر فضولی نکن. آقای خلف بردهگانی داشت، رئیس بردهگانش جوانی بود به اسم رباح، در کوهستان زندگی می کرد او را صدا کرد و به او گفت این دختر را ببر و هر صبح و شام او را تازیانه بزن تا بمیرد، رباح هم گفت باشد. غروب بود که رباح و حمامه رسیدند به کوهستان آنجا کشاورزی می کرد و خیمه ای هم داشت در آن زندگی می کرد، زندگی ساده ای داشت. به خانم گفت که تو در خیمه بخواب من هم در سینه کش کوه می خوابم تا ببینیم چه می شود، هیچ کدام خوابشان نمی برد ، دختر خوابش نمی برد و میگفت ما چی فکر می کردیم، چی شد، فکر می کردیم این سرزمهین را فتح می کنیم و یمن گسترش پیدا می کند اما شکست خوردم، رباح هم به ستاره ها نگاه می کرد و برده درستکار و امینی بود. گریه می کرد، می گفت خدایا یک عمری من پاک بودم الان وقت آلوه شدم رسیده این دختر نزدیک من است و کمک کن پاک بمانم. بالاخره هردو خوابشان برد. فردا صبح آقای رباح آمد پیش خانم و گفت من یک جایی را برای تو آماده می کنم دورتر از اینجا، تو آنجا زندگی کن من هم برای تو غذا می آورم، هرچه فکر کردم می بینیم نباید من تو را بزنم البته اگر ارباب آمد بگو که من را می زند، ۶ ماه از این ماجرا گذشت مهر این برد سیاه آمد بر دل آن دختر زیبا روی کاخ نشین و پیشنهاد ازدواج داد خانم به آقا و بر اساس همان آداب و رسوم همان وقت با هم ازدواج کردند و ۹ ماه گذشت که آقای خلف پسردار نمی شد و نذر کرده بود که اگر صاحب پسر شود یک جشن تولدی برای پسرش بگیرد و همه اهل مکه را دعوت کند. یک پسری پیدا کرد به نام أمیة بن خلف ، جشن تولدی برایش گرفت یکی از دعوت شوندگان هم رباح بود رئیس بردهگان بود. رباح آن شب خیلی دیر آمد، ارباب از او پرسید تو آدم منظلمی بودی چرا امشب دیر آمدی؟ گفت آقای ارباب شما دیروز و پریروز چه احساسی داشتی؟ گفت دیروز و پریروز در انتظار تولد یک فرزند بودم. گفت خوب من اکنون همچین حالتی دارم. فردای آن روز در آن کوهستان پسری به دنیا آمد که نامش را بلال گذاشتند. بلال امانت داری و پاک دامنی را از پدر، سواد و علم را از مادر به ارث برده. روزگاری گذشت، خلف از دنیا رفت و به جایش پسرش      أمیة جایش را گرفت، رباح هم رفت و به جای آن پسرش شد رئیس بردهگان، یک روزی آمد مکه دید یک جوانی را خوابانده اند و شلاق می زند، از یک نفر پرسید این کیست؟ گفت او عمار یاسر است، پرسید چرا کتش می زند؟ گفت او مسلمان است، پرسید مسلمان چیست؟ گفت مگر نشنیدی که یک پیامبری تازه ظهور کرده به نام محمد (ص)، گفت آدرسش را می شود به من بدهی، گفت بله و او آدرسش را داد، آن شب بلال برنگشت به کوهستان و آن آدرس را پیدا کرد و وقتی در زد خیلی زود در رویش باز شد و آمد خدمت پیامبر و اسلام را شنید و پذیرفت و مسلمان شد. اربابش وقتی شنید که او مسلمان شده آمد سراغش گفت که خبر مسلمانی تو در شهر پخش شده، میدونم شایعه است و تو مسلمان نشدم، گفت یک هفته به تو وقت می دهم، گفت نه یک هفته وقت نمی خواهد من مسلمان شدم تو هرکاری که می خواهی بکن. چه نقشه هایی      أمیة

برای بلال ریخت، دستور داد در میدان شهر لباس هایش را از تنفس در بیاورند تمام بدنش را شیره خرما بمالتد، یک پارچه توری روی بدنش بکشند، کندوهای زنبور را زیر آن تور رها کنند بعد از لحظه ای تمام بدنش را گزیدند، آب صورتش ریختند تا به هوش آمد، ریگ های داغ بیابان را آماده کردند به دست هایش طناب بستند از صورت این بدنه تاول زده را روی این ریگ ها می کشانند و هرچه به او می گفتند بگو صنم یعنی بت می گفت احد یا می گفت صمد.

## درس دوازدهم

رسیدیم به درس ۱۳ که موضوع آن نیت است. آغاز نمان، از قلب شروع می شود، حدیث داریم **القلب حرم الله، قلب حرم خدا است، فلا تسکن حرم الله غير الله، در حرم خدا جز خدا را راه ندهید، نماز برای ارتباط با خدا است، برای انس با خدا است، از دل شروع می شود، جوهر انسان، دل انسان است، قلب انسان است، نیت که در تمام عبادات است، در وضو، در غسل، در تیم، در نمان، در روزه، در خمس، در زکات، در حج، در جهاد هرجا عبادتی باشد نیت، رکن آن است، اساس آن است، نیت به پرندۀ ای می ماند که ۲ بال دارد، یک بال آن، یعنی توجه دارم که چکار می کنم، مثلاً اگر کسی پرسید چکار می کنید؟ می گوید وضو می گیرم، شما چکار می کنید؟ نماز می خوانم، شما چکار می کنید؟ غسل می کنم. انقدر سرگردان و حیران نیست که شک داشته باشد که نمی دانم داشتم وضو می گرفتم یا دست و صورت را می شستم. یک بال نیت یعنی توجه به عمل است، آقا چکار می کنید؟ نماز می خوانم، چه نمازی؟ نماز ظهر، در حضر یا سفر؟ نه چهار رکعتی است در حضر هستم، قضا یا ادا؟ اینها را توجه داریم، به اینها می گوییم نیت، یعنی توجه داشتن به اینکه چه می کنیم، بال دیگر نیت راجع به قصد ما است، برای چه این کار را انجام دهیم؟ قربه الى الله، این نماز را می خوانم برای نزدیک شدن به خدا، برای جلب رضایت خدا، برای اطاعت فرمان خدا، انگیزه دیگری ندارم، برای خنکی و گرم شدن به مسجد نیامده ام، برای خوش آیند رئیس و فرمانده و مدیر نماز نمی خوانم. از ترس نماز نمی خوانم، برای خودنمایی و نشان دادن خود نماز نمی خوانم، نه انگیزه ای جز خدا ندارم، فقط برای خدا. اگر نماز و عبادت برای خدا یا دیگران باشد شرک می شود، فقط برای دیگران باشد کفر می شود. فقط برای خدا، اخلاص است.**

پس نیت ۲ بال دارد، بال اول توجه به اینکه چه می کنیم، بال دوم توجه به اینکه به چه قصدی این کار را انجام می دهیم. نماز می خوانم قربه الى الله، این نیت اولین واجب نماز است. در نماز واجب های زیادی است. اولش از دل شروع می شود. قبل از نیت، وضو، اذان، قبله و لباس و مقدماتی بود. اما نماز که آغاز می شود از دل شروع می شود. خدایا رو به تو آورده ام می خواهم با تو حرف بزنم، می خواهم تو را ستایش کنم، می خواهم از نعمت های تو قدردانی کنم، می خواهم در زندگی از تو کمک بگیرم و قصدی جز تو ندارم. نیت اگر با اخلاص همراه باشد الطاف الهی را جذب می کند، قرآن می فرماید: **وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَهُمْ نِعَمٌ سُبُّلًا،** کسانی که در راه ما، به خاطر ما تلاش می کنند ما راه های خودمان را به آنها نشان می دهیم.

در قرآن کریم حدود ۷۰ بار کلمهٔ فی سبیل الله آمده، در راه خدا. امام صادق (ع) فرمود: نیت خالص شرط قبولی عمل است. فرمود از قول خداوند متعال: لم اقبل الى ما كان خالصا لى . جز عمل خالص را من قبول نمی کنم. در حدیث دیگری امام صادق (ع) فرمود: من اراد الله بالقليل من عمله أظہره الله له أكثر ما أراد ، هرکه ولو کار کوچکی را به خاطر خدا انجام دهد خداوند آن کار کوچک را بزرگ جلوه می دهد و من اراد الناس بالکثير منْ عَمَلِهِ أَبَى الله إِلَّا أَنْ يَقْلِلَهُ فِي عَيْنِ مِنْ سَيْعَهٖ؛ اما اگر کسی کار زیادی را ولی به خاطر مردم، به خاطر سناش مردم انجام دهد خداوند آن کار را در چشم و گوش شنودگان و بینندگان کوچک و قلیل می کند، حتی رویات به ما می گوید: شما می توانید با نیتتان در کارهای زیادی سهیم و شریک باشید. همین اندازه در نیت، که راضی هستیم به راه امام حسین (ع)، به کار امیرالمؤمنین (ع) می توانیم با همین نیت در ثواب شهدای جمل یا شهدای کربلا شریک شویم، نیت یعنی یک حرکت قلبی انقدر برای ما سرمایه می آورد در جنگ جمل یکی از یاران امیرالمؤمنین (ع) ناراحت بود، امام از او پرسید ما که پیروز شدیم چرا ناراحتی؟ گفت به خاطر اینکه یکی از دوستانم توفیق پیدا نکرد در شرکت کند، امام این سوال را از او پرسید: ۳۰۰ی اخیک مُعَنَّ؟ آیا دل برادر تو با جبهه ماقبل ما است. گفت نه آقا با قبله ما است. از دوست داران شمامست، فرمود نه تنها این دوست تو بلکه تمام کسانی که در آینده ها خواهند آمد الان در شکم مادران یا پشت پدران هستند ولی چون راضی به کار ما هستند، نیشان این است که راه ما را، کار ما را دوست می دارند آنها نامشان در این عملیات ثبت شده است. و لقد شهدنا فی عسکرنا هذا قوم فی أصلًا بالرجال و أرحام النساء سيرعف بجم الرّمَان ، و يقوی بهم الإيمان ، نیت خیلی مهم است.

حدیث داریم روز قیامت آن نمازهایی را که ما نیت درست داشتیم مورد قبول واقع می شود، حتی از نماز مقداری که ما توجه داشتیم و نیت داشتیم مورد قبول قرار می گیرد. امیر المؤمنین فرمود: أَخْلِصْ لِلَّهِ عَمَلَكَ وَ عِلْمَكَ وَ بُعْضَكَ وَ أَحَدَكَ وَ تَرَكَكَ وَ كَلَامَكَ وَ صُمُنَكَ نه تنها نماز را، تمام کارهای خودت را رنگ الهی بزن. کارت را، دانشت را، گرفتنت را، نگرفتنت را، سخن گفتن را، سکوت کردنت همه برای خدا باشد. این می ماند برای تو، روز قیامت کاری که ما برای خدا کردیم می ماند، عبادتی که ما برای خدا کردیم می ماند، خدمتی که ما برای خدا کردیم می ماند، قرآن می فرماید: انفقو فی سبیل الله، جاهدوا فی سبیل الله ، هاجرو فی سبیل الله، قاتلو فی سبیل الله، قتلوا فی سبیل الله، جهاد در راه خدا، قتال در راه خدا، هجرت در راه خدا، اتفاق در راه خدا، اینها نیت هستند.

نیت یک بعد دیگری هم دارد و آن تمرکز است. یعنی نمازگزار از آغاز تا پایان نماز باید تمرکز داشته باشد، توجه داشته باشد، نه اینکه زبانش الفاظی را تکرار بکند اما دلش جای دیگری باشد. معروف است خیلی ها می گویند: در نماز گمشده ها را پیدا می کنیم، در نماز برنامه ریزی می کنیم، در نماز تصمیم گیری می کنیم. روز قیامت تاسف خواهیم خورد. در خدمت استاد عزیز جناب آقای قرائتی می رفتم کربلا، غروب هنگام رسیدیم کرمانشاه، ایشون فرمودند که خوب برمی یک مسجدی در کرمانشاه نماز بخوانیم، یک پسری داشت در حیاط مسجد وضو می گرفت، تا دید آقای قرائتی آمد وضو را نیمه تمام گذاشت و آمد پیش حاجی آقا و پرسید حاج آقا یک سوال، چه کنیم تا که در نماز حضور قلب داشته باشیم، گفتد برو وضویت را بگیر من بعد از نماز با شما صحبت می کنم. وارد مسجد شدیم و امام جماعت به استقبال آمد و گفت آقای قرائتی من ۲ سال دنبال شما می گردم و یک سوالی دارم، گفت محترمانه است. ولی انقدر بلند پرسید که من فهمیدم، گفت چه کنیم که در نماز حضور قلب داشته باشیم؟ معلوم شد مشکل معلم و شاگرد یکی است، مشکل امام و ماموم یکی است. خیلی از ما ها به این مسئله مبتلا هستیم، نماز می خوانیم توجه و تمرکز نداریم،

حضور قلب نداریم به قول قرآن می گوید **فَوْلِلُ الْمُصْلِينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صِلَاتِهِمْ سَاكُونُوا**، وای بر نمازگزاران که از نماز خود غافل هستند، آقای قرائتی گفتند: باشد من بعد از نماز برای شما صحبت می کنم، بعد از نماز نشستند و تشکر کردند گفتند یکی از ویژگی های مسجد شما این است که مشکل امام و ماموم و سخراحتان یکی است و خنده دند یعنی با این طنز گفتند که یعنی مشکل من هم همین است. بعد ۷۸ تا راه گفتند برای تمرکز در نماز و حضور قلب در نماز، این راه ها را هم امامان ما به ما یاد داده اند، یا از آیات قرآن فهمیده می شود، قرآن می فرماید قبل از نماز قرآن بخوانید، **أَتَلَّمَ مَا أُوحِيَ إِلَيَّكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِيمِ الصَّلَاةَ** ، خود همین تمرکز می آورد، یا رهنمودهایی به ما رسیده است که اگر می توانید قبل از نماز چند دقیقه سکوت کنید و لو یک دقیقه، سکوت این تمرکز می آورد.

امام مجتبی(ع) فرمود: برای حضور قلب در ایستگاه وضو دقت کنید، پرشتاب ، باعجله، با حواس پرتی وضو نگیرید و یک مقداری توجه کنید که می خواهید چکار کنید؟ به پیشگاه خدا می خواهید بروید. امامان ما در وضو گریه می کردند رنگشان زرد می شده ، از آنها می پرسیدند چرا؟ می گفتند الان وقت امانت الهی رسیده، همان امانتی که خدا به آسمان ها و زمین عرضه کرد و آنها گفتند نه ما طاقت نداریم. در احکام فقهی آمده است که نماز را در جایی بخوانید که حواستان پر نشود. نماز در آشپزخانه کراحت دارد. چون در آشپزخانه چه خبر است؟ خانم منزل غذایی پخته که تمرکز را از بین می برد و این دنبال این است که نماز را زود تمام کند و سر سفره بنشیند. رو بروی آتش کراحت دارد. رو بروی انسانی که خوابیده، رو بروی انسانی که نشسته. محیطی که عکس در آن باشد، رو بروی تلویزیون کراحت دارد، یعنی عامل هایی را که حضور قلب را از بین می برد و نمی گذارد ما با خدا یک خلوت لذت بخشی داشته باشیم، اینها را باید از بین ببریم و تمرین کنیم، حضور قلب هم یک چیزی نیست که صدر صد به آن برسیم، نسبی است اما باید تلاش کنیم که توجه داشته باشیم به نمازهایمان هم به خاطر خدا و هم با حضور قلب.

### درس سیزدهم

بحث ما درباره نیت است، خیلی نیت اهمیت دارد همان چیزی است که به نماز ما قیمت می دهد به قول استاد عزیز حاج آقا قرائتی می فرماید: اسکناس یک نخی در آن است که اگر آن نخ را بردارید دیگر قیمتی ندارد. آن نخ اسکناس نماز یا عبادات همان نیت است. در این برنامه می خواهیم بگوییم که چه کنیم که عبادات ما به اخلاص نزدیک تر شود و ریا از ما دور شود و ناخالصی از عبادات ما دور شود. اولین رهنمودی که به ما داده اند این است که فکر کنیم که هر چه داریم از خدا است دیگران کاری برای ما نکرده اند و چیزی به ما نداده اند. نعمت هایی که در اختیار ما است، امکاناتی که در اختیار ما است. هستی ما، حافظه ما، سلامت ما از خدا است. پس چرا از دیگران بترسیم، چرا به طمع دیگران کار کنیم. این به ما کمک می کند که کار را با اخلاص انجام بدھیم. همچنین بی ارزشی دنیا، آنهایی که برای دنیا کار می کنند روز قیامت حدیث داریم که به بعضی ها گفته می شود شما برای دنیا کار کردید در دنیا هم اسمنتان را به خیابان ها زده اند، بنر زده اند، در تلویزیون و رادیو هورا کشیدند. آنی که برای آخرت کار می کند باید منتظر

باشد که در آخرت دستش را بگیرند. کار برای دنیا، کار برای خوشایند در اینجا تمام می شود و خیلی زود ختم می شود. و این هم به ما کمک می کند که به اخلاق نزدیک شویم. قرآن می فرماید: **فَمَا يَحْكُمُ جَاهَنَّمُ، كَسَانِيَهُ بَرَى غَيْرُ خَدا كَار مِي كَنَنْ تَجَارْتَشَان سَوَدْ** ندارد. در حدیث امیرالمؤمنین می فرماید: **لَيْسَ الْمُتَّجَرُ أَنْ تَرِي الدُّنْيَا لِتَنْفِيَهَا**، این خیلی بازرگانی بدی است که دنیا را پول کالای خودت بدانی، برای دنیا کار کردن خیلی زود می پرد، خیلی زود تمام می شود، از جمله آیاتی که در قرآن آمده برای بی و فایی دنیا، قرآن می گوید: زهره حیاط دنیا، زهره یعنی غنچه، بعضی معنا کرده اند غنچه زندگی دنیا، این غنچه برای کسی گل نمی کند به محض اینکه می خواهد بهره برداری کند یک دفعه سکته می کند. تازه حالا که خانه خرید و قسط ها را داد به یک درآمدی رسید حالا می خواهد کیف دنیا را ببرد، لذت ببرد، بیماری ها به سراغش می آید، دنیا چیزی نیست، قرآن می فرماید: **مَتَاعُ الْغُرُورِ، دُنْيَا فَرِيبٍ كَار، لَهُو، بازِيگُر، بازِيَخُوانِه، مَتَاعُ الدُّنْيَا، قَلِيلٌ، بَهْرَهُ كَم، اما آخرتٌ چَى؟ وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ كَسِيَ كَه آخِرَتَ** را بخواهد وَسَعَيْ لَهَا سَعْيَها، برای آخرت تلاش کند وَ هُوَ مُؤْمِنٌ در حالی که ایمان دارد **فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا،** چنین کسانی پاداش تلاششان حفظ شده است.

یک راه دیگری هم ما را به اخلاق نزدیک می کند و آن عبرت از دیگران است. گذشته ها بعضی ها برای خدا کار کرده اند و بعضی ها برای غیر خدا و همه شان هم رفته اند و باید درس بگیریم. آنی که برای خدا کار کرد الان از دنیا رفته و آنی که برای غیر خدا کار کرد هم از دنیا رفته، کدام برنده هستند؟ عبرت بگیریم پس نوح با این که پدرش پیغمبر بود رفت سراغ غیر خدا، می گفت: ساوی الی جبل يعصمی، کوه مرا نجات می دهد و مرا حفظ می کند. نجات داد؟ عبرت بگیریم از کسانی که دنبال غیر خدا رفته اند و الهام بگیریم از کسانی که به خاطر خدا خدمت کرده اند. سرانجام ریاکاران چه شد؟ و کسانی که نیت های پاک داشتند چه سرانجامی پیدا کردند.

پس از نیت می رسیم به تکبیر الاحرام می رسیم، تکبیر یعنی الله اکبر گفتن، اشرام مثل لباس احرام می ماند، از هر راهی بخواهید وارد مکه شوید ایستگاه هایی وجود دارد به نام میقات، لباس هایمان را در می آوریم و لباس دیگری می پوشیم به نام لباس احرام، یعنی لباسی که احترام دارد و با گفتن لبیک، اللهم لبیک وارد حرم خدا می شویم، یک فضایی است که مرز دارد، وارد آن فضا می شویم چیزهایی بر ما ممنوع می شود. حکمت هایی دارد، مثل در آینه نگاه کردن، یا زینت کردن، کشندن حیوان، صید کردن حیوان، کشمکش، جر و بحث، تعدادی چیزی است که بر ما ممنوع می شود. نماز هم همین طور است تا قبل از الله اکبر می توانستیم هر کاری بکنیم، اما اول نماز را که می گوییم تکبیر الاحرام با بقیه الله اکبرهایی که قبل از رکوع و بعد از رکوع می گوییم فرق دارد، تکبیره الاحرام یعنی الله اکبری که با گفتنش ما وارد حرم خدا می شویم، از این به بعد رو برگردان به سمت چپ و راست ممنوع است، حرف زدن ممنوع است، خنده دن ممنوع است، گریستن ممنوع است، غذا خوردن ممنوع است، فقط الان در حرم خدا با

پروردگارمان باید حرف بزنیم، چه می گوییم : الله اکبر، الله بزرگتر است، بزرگتر از چی؟ بزرگتر از هرچه، بزرگتر از همه معبدوها، بزرگتر از همه معشوق ها، بزرگتر از همه قدرت ها، هرچه فکرش را بکنیم خدا از آن بزرگتر است. رکن نماز است و آغاز نماز است.

با بزرگی خدا و با تکبیر شروع می شود. موسی ابن جعفر فرمود: اذا کبرت، وقتی تکبیر می گویی، تکبیر واقعی این است، فاذا کبرت فاستصغر ما بین الارض والسماء، تمام چیزهایی که بین زمین و آسمان هست را باید حقیر بشماریم فقط خدا در نزد تو باید بزرگ باشد، امیرالمؤمنین (ع) در وصف پرهیزگاران می فرماید : عظم الخالق فی انفسهم فصغر مادونه فی اعینهم، چون خدا در چشم آنها بزرگ است دیگر موجودات، دیگر قدرت ها در دل آنها جایگاهی ندارند. الله اکبر. الله اکبر در نماز زیاد گفته می شود مستحب است قبل از رکوع، بعد از رکوع، قبل از سجده، بعد از سجده، می نشینیم، می ایستیم ، بعد از نماز هم ۳۴ بار الله اکبر، در رکعت سوم و چهارم باز الله اکبر داریم، سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أکبر ، الله اکبر شعاعی است که در صدر اسلام، در شادی ها در غم ها در پیروزی های نظامی می گفتند و شعاع می دادند با صدای بلند می گفتند الله اکبر. از شعاعی اسلام است. خاطره ای از امام حسین در این برنامه بگوییم، امام حسین (ع) خیلی دیر به زبان آمد حضرت فاطمه (س) دلوپس بود. روز عیدی بود که پیامبر عظیم اسلام به نماز عید می رفت و این طفل را روی دوش خود سوار کرد. پیغمبر نوه هایش را زیاد به مسجد می برد، یا اگر می آمدند مسجد نهی نمی کرد پیامبر، حتی گاهی در مسجد در سجده روی کمر پیامبر بازی می کردند و پیغمبر سجده هایش را طول می داد تا بچه ها بازیشان را بکنند.

یک یهودی به خاطر همین منظره مسلمان شد. پیامبر این بچه را روی کتف خودش سوار کرد و حرکت کرد به سمت مصلی نمازگزارانی که می خواستند نماز عید بخوانند تکبیر می گفتند : الله اکبر، بعد زبان این بچه به الله اکبر باز شد. یعنی امام حسین (ع) در این جهان اولین کلمه ای که به زبانش جاری شده الله اکبر است و آخرین کلمه ای که در گودال قتلگاه آن حضرت بر زبان جاری کرد و روح پاکش به آسمان ها پر کشید عرضه داشت پروردگارا راضیم به رضای تو . تکبیر الاحرام(الله اکبر) را باید به زبان عربی صحیح جاری بکنیم. کاری ندارد نوار آموزشی و سی دی آموزشی دارد. باید کاری کنیم که نمازی که عاشقانه و با اخلاص می خوانیم قرائتش را درست جاری کنیم.

#### درس چهاردهم

رسیدیم به سوره مبارکه حمد، ما در نماز که حضرت امام خمینی فرمود : معجونی الهی که سعادت فرد و جامعه را در دنیا و آخرت تضمین می کند، اذکاری را به زبان جاری می کنیم، اویش الله اکبر بود، بعد سوره حمد، مادر قرآن، ام الكتاب، عصارة و چکیده کتابهای آسمانی، امیرالمؤمنین (ع) فرمود : خداوند کتابهای آسمانی را خلاصه کرده در قرآن و قرآن را خلاصه کرده است در سوره حمد، ۷ آیه دارد، به تعداد ۷ آسمان، به تعداد روزهای هفت، به تعداد طواف های دور خانه خدا، و به تعداد سعی و صفا و مرود، و رملی که حاجیان در سرزمین منا می کنند، حکمتی در این عدد است. سوره حمد شفاء است، شفاء دردهای جسمی، دردهای

روحی، دردهای فردی، اجتماعی، حدیث داریم اگر سوره حمد را بر مرده ای خواندید زنده شد تعجب نکنید. این سوره انسان را زنده می کند. ولی متأسفانه ما با مفاهیم و معانی این آیات خیلی آشنایی نداریم. ابتدا می خواهیم بگوییم قرائت نمازگزار باید به عربی صحیح باشد. در کتاب های رساله های عملیه آمده اگر نمازگزار یک جمله را، یا یک کلمه را، یا یک حرف را، یا یک حرکت را اشتباه ادا کند نماز او باطل است. تلاش کنیم قرائت نمازمان را صحیح و حتی الامکان زیبا بکنیم، قرائت صحیح واجب است برای ما و قرائت زیبا مستحب است. احادیث زیادی داریم که پیامبر و امامان ما فرمودند: قرائت های زیبا داشته باشید در نماز، امام سجاد (ع) فرمود: اگر پیامبر آن قرائتی را که در توانش بود در نماز می خواند مردم غش می کردند. آنقدر جذاب می خواند. ما باید وقت بگذاریم، ما که خدا را دوست داریم، دینمان را دوست داریم، زیبایی را هم که دوست داریم. خودمان خوشمان می آید وقتی یک قرائت زیبا را می شنویم، قرائت صحیح واجب است و قرائت زیبا مستحب است. اکنون هم نوارهای صوتی و cd در بازار موجود است و در همه مساجد کشور عزیز ما هم استاد قرآن است و روحانیون عزیز هستند و یک مقداری وقت بگذاریم التماس کنیم و شاگردی کنیم ۱۰ جلسه، ۱۵ جلسه قرائت هایمان اگر غلط دارد تصحیح کنیم و اگر نازبیا هست زیبا بخوانیم. همینجا به یک سوال دیگری هم باید جواب دهیم که می گویند چرا نماز را به زبان عربی بخوانیم؟ خوب دین ما دین اسلام است و در سرزمین عرب نازل شده. قاعدها هر کتابی از آسمان در هر سرزمینی نازل می شود به زبان همان مردم است آن دین برای اون مردم نیست و برای همه اهالی کره زمین است ولی به زبان آنها نازل شده. خداوند حکمتی دانسته که کامل ترین و آخرین دینش را به زبان عربی مبین فرستاده و حدیث داریم که زبان اهل بهشت هم عربی است. عربی زبانی است فصیح، بسیار زیبا، این زبان را اگر می توانیم بیاموزیم و کسانی که زبانشان غیر عربی است مثل فارس زبانها، ترک زبانها، انگلیسی زبانها، باید آشنایی پیدا کنند به زبان دینشان. آیات قرآن که ۶۲۳۶ آیه دارد باید به مفاهیمش فکر کنیم. چگونه فکر کنیم؟ قبل از آن یک حلقه ای وجود دارد، باید بفهمیم، ما ابتدا روی قرائت باید پافشاری کنیم و بعد چرا ما نماز را به عربی می خوانیم؟ دستور دین ما است. نمی شود ترجمه قرآن را بخوانیم، ترجمۀ قرآن آن گویایی عربی را ندارد علاوه بر اینکه اگر رسم بشود این ترجمه معلوم نیست دردهه های بعد چه بلایی سر نسل های بعد پیش می آید. این کلام، کلام خدا است، کامل و جامع و زیبا و جذاب است.

و یکی از ایده های مترقی اسلام این زبان بین المللی است. الان همین اذانی که ما در دو برنامه قبل گفتیم که اسلامی گوید همه جا به زبان عربی باید اذان گفته شود. اگر قرار بود چینی ها به زبان چینی الله اکبر بگویند، این را می گویند: چینگ چانگ چونگ، خوب یک ایرانی برود چین اگر اذان پخش شود چیزی متوجه نمی شود. اما وقتی گفته شد هر مسلمان در هر کجای دنیا الله اکبر گفت، می گوید اینجا مسلمان ها هستند و اینجا حتماً مسجد است. چه نظریه مترقی اسلام در هزار و چند صد سال، الان دنیا به فکر این است که یک ایده ای به نام جهانی سازی در سر دارد. اسلام هزار و چند صد سال می گفته جهان باید یکپارچه شود با یک زبان، چه

زبانی؟ همان زبانی که کامل ترین کتابی که از آسمان آمده به آن زبان است. یک زبان مشترک، نمیشود با خدا به غیر عربی صحبت کرد؟ چرا، به ترکی، به فرانسوی، به افغانی، به ایرانی، اما در جاهایی ایستگاه هایی به عربی، همه با هم و در کنار هم. خوب سوره حمد، هفت آیه دارد، آیه اول چکیده هفت آیه است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، امیرالمؤمنین (ع) فرمود: این خلاصه قرآن است. چهار کلمه بیشتر ندارد اما یک دنیایی حرف در آن است. تعییر ما این است که انرژی مترادم معنویت در بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ است، به نام خداوند بخشنده مهربان. بِسْمِ اللَّهِ تا معا دارد ما به ۲، ۳ تای آن اشاره می کنیم. معنای اولش این است کارم را با کمک خدا آغاز می کنم، فکر کردم و برنامه ریزی کردم نمی دانم در این کار موفق خواهم شد یا نه، اما دلم آرام است به مدد الهی که مرا می شناسد و کارم را می شناسد و دوستم دارد حتماً کمک می کند. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ یعنی به کمک خدا و با توکل بر خدا. یک معنای دیگر آن یعنی به رنگ خدا و به خاطر خدا. خوب به نظر شما ممکن است کسی به خاطر خدا دزدی بکند، به خاطر خدا جنایت بکند. این جمله یک جوری است که در آغاز کارهای مسلمان‌ها آمده انسان‌ها را از ناهمواری‌ها، کثافت کاری‌ها، از پلیدی‌ها دور می کند. یک دزد موقع شکستن قفل مردم که نمی آید بگوید بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، همه به او می خندند. همین اندازه که می گوید بِسْمِ اللَّهِ حیا می کند، یعنی کار من برای خدا است، به نام خدا است، به جز نام خدا نام چه کسی را ببریم؟ نام پادشاهان را، نام سلاطین را، نام رئیس جمهور را، آنها همه موجودات ضعیف و محتاجی هستند. یک معنای دیگر بِسْمِ اللَّهِ ، چون اسم از سمع می آید، یعنی نشانه، می فرماید یک سرویس چینی شما می خرید که ۱۲۰ پارچه است تمام قطعه‌های این چینی آرم کارخانه را دارد، از آن نمک پاش کوچولو تا آن دیس، بشقاب، قوری تمامش آرم آن کارخانه را دارد، بِسْمِ اللَّهِ یعنی من بندۀ خدا هستم، ای اهالی دنیا بدانید من مسلمان هستم، من مومن هستم، من نمازخوان هستم، پیغمبر فرمود در آغاز تمام کارهایتان بِسْمِ اللَّهِ بگویید کوچک باشد یا بزرگ، پیدا باشد یا پنهان، مادی باشد یا معنوی، می خواهی بخوابی بگو بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، میخواهی غذا بخوری بگو بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، می خواهد کتاب بخواند بگویید بِسْمِ اللَّهِ، کسب و کارش را می خورد گاهی کند بگویید بِسْمِ اللَّهِ ، حتی فرمودند یک بیت شعر که می خواهد بخواند بگویید بِسْمِ اللَّهِ، این آرم بندگی است، انسان غصه می خورد گاهی بعضی‌ها به خاطر چند کلمه چیزی که بلد هستند و یا هنری که آموخته اند مصاحبه می کند عارش می آید بِسْمِ اللَّهِ بگویید. خبرنگار از او سوالی می پرسد و او بدون بِسْمِ اللَّهِ جواب می دهد. بی کلاسی می داند بِسْمِ اللَّهِ گفتن را. چه خبر است آقا؟ فوق لیسانس است، مگر فوق لیسانس چقدر سواد است. یا بازیگری است در ۲ تا فیلم بازی کرده و تصویرش در سایت‌ها منتشر شده. قوی ترین مرد جهان آقا حسین رضازاده با یک سرماخوردگی می افتد. ما هرچه داریم از خدا است. هستی ما از خدا است، آغاز ما از خدا است. پایان ما از خدا است، سروکار ما با خدا است. افتخار کنیم. امیرالمؤمنین می فرمود: کافی است برای من این افتخار که من بندۀ تو باشم.

رسیدیم به آیه دوم سوره حمد. الحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. تمام سپاس‌ها و تمام ستایش‌ها مخصوص الله است، چرا؟ یک کس دیگر خدمت کرده و ما باید خدا را ستایش بکنیم؟ چون همه نعمت‌ها، زیبایی‌ها و بزرگی‌ها برای خدا است. این نقاش هم که این نقاشی را به تصویر کشیده، حافظه او، سلامت او، مغز او، اندیشه او، دست او، چشم او از خدا است. این نگاه یک خدای پرست است. الحَمْدُ لِلّٰهِ، تمام ستایش‌ها مخصوص خدا است، تمام سپاس‌ها مخصوص خدا است. رَبُّ الْعَالَمِينَ، پرورش دهنده جهانیان، بیشترین اسمی که از خدا در قرآن آمده است الله است. الله یعنی تمام دعای جوشن کبیر را در یک کلمه خلاصه کنیم آن الله است. در دعای جوشن کبیر ۱۰۰۱ صفت خدا آمده تمام این ۱۰۰۱ صفت در کلمه الله بکار گنجانده شده، الله بیش از ۳۰۰۰ بار در قرآن به کار رفته است. رب چیست؟ رب نهصد و چند بار در قرآن به کار رفته است و یکی از اسم‌های زیبایی خدا است به معنای صاحب، به معنای پرورش دهنده، به معنای مدبر، به معنای مدیر، خداوند تدبیر امور عالم را به عهده دارد.

بعضی‌ها در زمان جاهلیت به غلط این طور فکر می‌کردند که خداوند جهان را آفریده و کنار رفته است. اما انبیاء می‌گفتند که نه خداوند جهان را آفریده و الان حاکمیت و مدیریت دارد و تدبیر می‌کند، لحظه‌ای نظر خداوند از این جهان کنار زده شود همه‌جهان در هم فرو می‌ریزند. خداوند پرورش دهنده همه هستی است. ستاره‌ها، پروانه‌ها، گنجشک‌ها، دریاها، آب‌ها، سنگ‌ها، خاک‌ها، کوه‌ها و انسان، ما سورة حمد را با **إِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ** به نام خدا شروع کردیم، رسیدیم به شکر خدا، اینها سازندگی‌های نماز است، در هر نماز باید فکر کنیم خدا به ما چه نعمت‌هایی داده و چند نعمت به ما داده است. قرآن می‌فرماید: و ان تعدوا نعمه الله لا تخصوها ان الله لغفور رحيم اگر بخواهید نعمت‌های خدا را بشمارید نمی‌توانید. پس شکر بکنید خدا را، سپاس بگویید خدا را، خدایی که پرورش ما و پرورش دیگر انسان‌ها و پرورش حیوانات و درختان و بقیه موجودات به دست او است. اوست که برای موجودات اهدافی قرار می‌دهد و آنها را رهبری می‌دهد تا به سمت هدف حرکت کند. اما انسان چیست؟ افسوس که انسان ناسپاس است قرآن می‌فرماید: **فَتَلَّ الإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ**، مرگ بر انسان، **قَدْرُ نَاسِيَّاسِ** است. **وَكَانَ الإِنْسَانُ كَفُورًا**، سوره اسراء آیه ۶۷، انسان ناسپاس است، **وَإِذَا** **أَنْعَمْنَا عَلَى الإِنْسَانِ أَغْرِضَ**، ما به انسان نعمت می‌دهیم رو می‌گرداند، **يَا إِيَّاهَا إِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرِبِّكَ الْكَرِيمَ**، **قَدْرُ انسان شکایت کرده از ناسپاسی انسان‌ها، می‌گوییم عزیزم نماز خواندی، می‌گویید قرصش را خوردم، مسخره می‌کند. خدا نیازی به نماز ما ندارد. او یک کلیدی دست ما داده تا هدایایش را زیاد کند خداوند بیشمار به ما هدیه داده است، اگر بیشتر می‌خواهیم باید تشکر کنیم قرآن می‌گویید: لئن شکرتم لازدتكم ، اگر شکر کنید خدا نعمت‌هایش را می‌افزاید: لان کفرتم آن عذابی لشدید اگر ناسپاسی کنید عذاب من شدید است . الحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، آیه بعد **الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ** ، ۲، اسم از اسم‌های خدا است. رحمن و رحیم، ریشه اش همان مهورزی است اما**

معناهایش متفاوت است. رحمان یعنی خدا همه را دوست دارد، مسلمان و غیرمسلمان، کمونیسم، شرقی، غربی، سیاه، سفید، همه را دوست دارد این رحمانیت خدا است.

برای همه باران می‌فرستد، برای همه رزق می‌فرستد، برای همه گیاهان را می‌رویاند، برای همه خورشید را می‌آورد. این رحمانیت خدا است.

رحمی چیست؟ رحیم یعنی یک عده خاصی را که مومنان باشند برای همیشه دوست دارد. رحمان یعنی همه، رحیم یعنی همیشه، ۲ جور مهر دارد خداوند، یک مهری نسبت به همه، یک مهری نسبت به جمعی اما برای همیشه. مومنان را خداوند برای همیشه تا صحنۀ رستاخیز دوستشان دارد. یک مهر خاصی دارد، شما ها هم خیلی هایتان همین طور هستید، یک علاقۀ عمومی به همه مردم و همه شهروندان دارید و احترام می‌گذارید، کمک می‌کنید این می‌شود رحمانیت. اما یک دوستان خصوصی دارید، فرزندتان است، همسرتان است، برادرتان است، دوست خصوصیتان است به او یک علاقۀ خاصی دارید این رحیمیت است، مالیک یوم الدّین امام حسن مجتبی فرمود: پدرم وقتی نماز می‌خواند وقتی به این آیه می‌رسید گاهی صد بار تکرار می‌کرد و می‌گریست، صاحب روز جزا، خداوند هم مهر داد و هم قهر، البته مهرش بیش از قهرش است. آدم ها اگر فقط به مهر خدا توجه کنند لوس می‌شوند و به قهر خدا فکر کنند مایوس می‌شوند. یک توازن و تعادلی بین این دو لازم است.

آیه قبل خواندیم الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، یک مقداری امید پیدا کردیم این آیه ما را می‌ترساند مالیک یوم الدّین، صاحب روز جزا، ما یک روزی در پیش داریم که همه انبیاء خبر آمدنیش را دادند مطمئناً آن روز را خواهد آمد اسمش هست یوم الحساب، یوم الدّین. پنجاه هزار سال طول آن روز است. انسان ها باید در آن روز عملکرد خودشان را پاسخگو باشند دادگاهی برگزار خواهد شد، میزانی، ترازویی است حاکمی می‌آید و از ما سوال می‌کند فکر در آن روز ما را از گناه دور می‌کند. مالیک یوم الدّین، خداوند مالک دنیا هم هست اما چون در اینجا به ما اختیاری داده و ما فکر می‌کینم که کاره ای هستیم، آنجا حقیقتاً ما می‌فهمیم که خدا مالک ما و آخرت است. الله واحد قهار، روز قیامت گفته می‌شود که کار دست کیست؟ همه می‌گویند که دست خدای مقندر است.

ما در نماز یاد قیامت می‌کنیم حدود ۱۵۰۰ آیه در قرآن راجع به قیامت است. یاد قیامت سازندگی دارد، یاد حساب، یاد کتاب، یاد صراط، یاد میزان، بهشت، جهنم، پیامبر عزیز سلام در ۱۳ سالی که در مکه مسلمان تربیت می‌کردند و خیلی هم دشوار بود با همین آیات سوره های جزء ۲۸، ۲۹ و ۳۰ که غالباً درباره آخرت و قیامت است. لرزه به اندام مسلمان ها می‌افتد می‌گریستند، مالیک یوم الدّین، آیه ای درباره جهنم نازل شد، پیامبر گریه کردند گریه مردم خیلی زود تمام شد اما گریه پیامبر ادامه پیدا کرد. گفتند چکار کنیم که گریه ایشون تمام شود، سلمان فارسی گفت: دختری دارد به نام فاطمه که خیلی دوستشان دارد.

گفتند برویم و از ایشون بخواهیم تا از پدر بخواهد که گریه را تمام کند. حضرت فاطمه قبول کرد از خانه به مسجد آمد و پرسید پدرجان جرا اینگونه جان سوز گریه می کنی؟ فرمود دخترم، عزیزم، فاطمه جان، امروز جبرئیل این آیه ها را آورد. فاطمه زهرا تا این آیه ها را شنید افتاد و غش کرد، گفتند مشکل ۲ تا شد خواستیم پدر را آرام کنیم دختر هم غش کرد. این چه احساسی بوده که اینها راجع به قیامت داشته اند و ما نداریم. ما قرآن می خوانیم اصلاً برایمان فرقی ندارد. آیه بهشت، آیه جهنم، یاسین، الرحمن، چرا ما اینطور شدیم؟ مثل این ماشین های فرسوده ای است که اعلام می کنند ۱/۵ میلیون می دهند و یک ماشین تازه می دهند با قسط می دهند. نگاه می کنی یک ماشین فرسوده که اصلاً عقربه هایش کار نمی کند، نه عقربه برق، نه عقربه باطری، نه عقربه کیلومتر شمار، روح ما هم گاهی آنقدر می میرد که هیچکدام از این عقربه هایش کار نمی کند چطور امیرالمؤمنین مالِک یَوْمَ الدِّين را صدبار تکرار می کند اما ما خیلی راحت از کنارش می گذریم اینها سازندگی های نماز است. به نام خدا، شکر خدا، مهر خدا، قهر خدا، تا اینجا امام صادق (ع) فرمود سوره حمد ۲ قسمت دارد. یک قسمتش اوصاف خدا است که ما به زبان جاری می کنیم قسمت دومش درخواست های ما از خدا است که ما در برنامه بعد با هم گفتگو خواهیم کرد.

### درس شانزدهم

رسیدیم به آیات سوره حمد که فرمود اگر سوره حمد را بر مرده ای خوانند زنده شد تعجب نکنید. شفای دردهای انسان است. دردهای جسمی و روحی، مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، رسیدیم به این آیه إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، تنها تو را می پرستیم و تنها از تو کمک می خواهیم پروردگار، امیرالمؤمنین (ع) فرمود: پیامبران که آمده اند، آمدند انسان را از عبادت غیر خدا به عبادت خدا منتقل کنند، انسان بخواهد یا نخواهد جذب کسی می شود. عشق به کسی یا چیزی می ورزد، کسی را می ستاید، می پرستد، اما اشتباه می کند، انبیاء آمدند بگوید که این پستانک است تغذیه درست نیست برای تو، شیر مادر را انبیاء معرفی کرده اند. بالاخره انسان ها کسی را چیزی رامی پرستد، یا ستاره می پرستد، یا خورشید می پرستد، یا طاغوت می پرستد، خودش را می پرستد، پول می پرستد، زن می پرستد، شهوت می پرستد، انبیا آمدند گفتند که ای انسان تو جواهر قیمتی هستی باید خدا را پرستش کنی تا شبیه خدا شوی. پرستش خدا و دیگران کنار هم نه، آن شرک است فقط پرستش خدا، خدایا تنها تو را می پرستیم و تنها از تو کمک می خواهیم. ما تا تورا داریم غصه نداریم تو پشتیبان و خالق ما هستی. تو رازق ما هستی، مددکار ما هستی. بعد از این آیه می رسیم به یک دعا، دعایی که در شبانه روز واجب است که هر نمازگزار ۱۰ بار بگوید، اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، پروردگارا ما را به راه مستقیم راهنمایی بفرما، قرآن برای هدایت آمده، هدی للملقین، هدی للناس، انبیاء برای هدایت آمده اند و شیاطین کمر می بندند برای گمراهی انسان، این است که ما در انتخاب راه هر روز و شب احتیاج داریم از خدا کمک بگیریم و این دعا را در نمازمان می خوانیم خدایا ما را به راه راست هدایت کن. در زندگی در انتخاب ها می رسیم به ۲ راهی، ۳ راهی، ۴ راهی، انتخاب شغل، انتخاب رشته، انتخاب

سفر، انتخاب رفیق، همه اینها خداوند باید دست ما را بگیرد تا درست انتخاب کنیم، در مقابل راه مستقیم راه های غیر مستقیم آنها چه چیزهایی هستند؟ راه هوس ها، یا هوس خودم یا هوس دیگران، در مقابل راه مستقیم که راه میانه و معتمد است راه افراط و تفریط قرار دارد بعضی ها زیاده روی می کنند، بعضی ها کندروی می کنند به بعضی از مسائل و نیازهای زندگیشان توجه دارند از بعضی غافل هستند، ورزش می کند درس نمی خواند، درس می خواند به نماز توجه ندارد، نماز می خواند به خانواده بی توجه است. خانواده غرق می شود در شغل و کسب درآمد کوتاهی می کند. نه به همه نیازها وقتی برسیم این صراط مستقیم است. انسان متوازن و انسان متعادل، راه غیرمستقیم راه وسوسه های شیطانی است. راه غیر مستقیم راه طاغوت ها است راه دنیا طلبی است، راه بدون دلیل و منطق است، راهی است که بجز راه مغضوبان و گمراهان است. پس بالاخره راه مستقیم از نظر قرآن چه راهی است؟ پروردگارا نشانه ای به ما بد.

سوره هود آیه ۵۶ پاسخ می دهد . **إِنَّ رَبَّيْ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ** . پروردگار من بر راه مستقیم استوار است. انک علی صراط مستقیم پس معلوم می شود راه مستقیم یعنی راه خدا، راه مستقیم یعنی راه پیامبر، ای پیامبر حقیقت این است که تو بر صراط مستقیم هستی. سوره یاسین آیه ۶۱ **وَأَنَّ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ** عبادت من راه مستقیم است. امام صادق (ع) فرمود: **وَاللَّهُ نَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ** ، به خدا راه مستقیمی که شما در نماز از خدا می خواهید ما هستیم.

پیغمبر فرمود: بعد از من امت اسلامی ۷۳ فرقه می شود، بعد از حضرت موسی (ع) یهودی ها ۷۱ فرقه شدند. ۱ حرفه اهل نجات بودند بقیه به انحراف رفتند. بعد از حضرت عیسی (ع) مسیحی ها ۷۲ فرقه شدند. یک فرقه اهل نجات بودند و بقیه گمراه بودند و در دین من مسلمان ها ۷۳ فرقه خواهند شد و تنها ۱ فرقه اهل نجات هستند و آن فرقه را هم پیغمبر توصیف کرده و تعریف کرده و نشانه هایش را بیان کرده فرمود: ان مثل اهل بیتی فی امته کمثل سفینة نوح من رکبها نجی و من تخلف عنها غرق، مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است هر که سوار شد نجات می یابد و هر که ترک کرد نابود خواهد شد امام صادق (ع) این صراط مستقیم ما هستیم نه گروه ها و گروه های غیر ما، که آنها هم حرف از قرآن و اسلام می زندند ولی در انحراف بودند. جا دارد که در پایان این برنامه در مورد صراط مستقیم تذکراتی را عرض کنیم، تذکر اول این است که راه مستقیم نسبت به اشخاص و زمان ها و شرایط متفاوت است. نمی توانیم یک جمله خاصی را مثل یک نسخه ثابت صادر کنیم. گاهی ممکن است راه مستقیم سکوت باشد. گاهی سخن، گاهی ممکن است بذل مال باشد و گاهی نگهداری، گاهی نثار جان باشد گاهی تحصیل علم باشد. صراط مستقیم در موقعیت های مختلف فرق می کند. یک روزگاری روزگار جهاد است، یک روزگاری روزگار انفاق است. یک روزگاری روزگار عبادت و اعتکاف است.

نکته‌دوم آنان که در صراط مستقیم هستند و از شرایط و امکانات ویژه‌ای برخوردارند نباید دیگران را تحکیر کنند پیغمبر فرمود : ایمان ۱۰ درجه دارد بعضی‌ها در درجه اول، بعضی درجه دوم، بعضی درجه سوم ، ظرفیت افراد مختلف است. آنهایی که در درجات بالا هستند مراقب درجات پایین باشند و غرور نداشته باشند.

نکته سوم اینکه بودن در صراط مستقیم مهم است و مهم تر از آن استمرارش هست. به قول قدیمی‌ها می‌گفتند انقلابی بودن مهم است اما انقلابی ماندن مهم تر است. یک کسی از امیر المؤمنین (ع) پرسید مگر شما در صراط مستقیم نیستید ، فرمود چرا؟ گفت پس چرا باز می‌گویید: اهلنا الصراط المستقیم؟ فرمود: برای از این به بعد. ما بندگان خدا همیشه محتاج این کمک خواهی از خدا هستیم ، پروردگارا دستم را بگیر و راه را به من نشان بده، چقدر بودن کسانی که در میانه راه ، راه را گم کرده اند و به بیراهه رفته اند.

نکته چهارم این است که تشخیص صراط مستقیم خیلی دشوار است، دشمن می‌آید راه‌های مشابه را پیش روی ما می‌گذارد، گزینه‌های مشابه، راه‌های مشابه، این است که ما زیاد باید از خداوند مدد بخواهیم، به امامان توسل پیدا بکنیم، از توکل، توسل برای راه مستقیم زیاد باید کمک بگیریم. در احادیث جملات زیادی آمده که صراط مستقیم را توضیح داده اند امامان ما، می‌فرمودند که تند روی نکنید، افراط و تفریط نکنید، اینها به دور از صراط مستقیم هستند، بعضی اینگونه هستند که در آرزوها چنان تند می‌روند که هیچ وقت از این دنیا نمی‌رون، گاهی دنیا طلبی می‌گردند به اندازه‌ای که حرص تمام وجود آن را می‌گیرد بعضی تمام وجودشان را امید، بعضی تمام وجودشان را یاس و بعضی شادی و بدمستی، بعضی یافگی گری و سرکشی، نه انسان باید یک توازنی و تعادلی از خوف و رجا ، امید و ترس در آن باشد و در کارهایش نه افراط داشته باشد و نه تفریط ، حتی قرآن کریم می‌فرماید : عباد رحمان کسانی هستند که إذا أنفقوا لم يسرفوا ولم يقتروا وكان بين ذلك قواماً بندگان خوب خدا اینگونه هستند که وقتی پول خرج می‌کنند نه زیاده روی می‌کنند و نه خساست به خرج می‌دهد.

بلکه بینابین یک حالت متوازن و متعادلی دارند. همه شما شنیدید که مردی از دنیا رفت اموالی از او به جا مانده بود همه را بخشیده بود به دیگران، فکر می‌کردند که کار خوبی کرده ، این را به پیغمبر گزارش دادند، پیغمبر فرمود اگر من میدانستم این خبر را، اجازه نمی‌دادم ایشون را در قبرستان مسلمان‌ها خاک کنند. پس برای زن و بچه اش چه چیزی گذاشته است؟ نه بخشش اندازه دارد، انفاق اندازه دارد، ایثار اندازه دارد. توجه به خود، توجه به خانواده، توجه به دنیا و توجه به آخرت، مجموعه اینها اگر متوازن و متعادل باشد این صراط مستقیم است.

درس هفدهم

آیات سوره حمد را سوره‌ای که قرآن لقب داده به آن مادر قرآن، سرچشمۀ قرآن، عصاره قرآن، ام الكتاب، در سوره حمد ۲ آیه

است آیاتی که ما واجب است در شبانه روز ۱۰ بار حداقل بگوییم. اهْدِنَا الصَّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ خدا یا ما را به راه راست هدایت فرما، راه راست چه راهی است؟ توضیح می‌دهد، صِرَاطُ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ راه آنان که نعمت ویژه‌ای به آنها مرحمت فرموده، خداوند به همه‌بندگانش نعمت داده اما این موضوع هدایت نعمت ویژه‌ای است، هدیه خاصی است که خدا به بعضی از بندگانش که بخواهند می‌دهد، أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ، کسانی که نعمت ویژه‌ای را دریافت کرده‌اند، روشن‌تر می‌شود فهمید که چه کسانی هستند؟ سوره نساء آیه ۶۹ پاسخ می‌دهد، می‌فرماید: چهار گروه هستند وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ هرکه از خدا و رسول اطاعت می‌کند با اَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ خواهد بود. چه کسانی هستند؟ مَنْ النَّبِيُّنَ پِيَامْبَرَنَ وَالصَّدِيقِينَ رَاسْتَانَ، وَالشَّهِدَاءَ شَهِيدَانَ وَالصَّالِحِينَ صَالْحَانَ، وَحَسْنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا عجب رهروانی، عجب رفیقانی، نگاه کنید نمازگزار در هر روز و شب یاد می‌کند از راه انبیاء، راه شهدا، راه صدیقین، راه صالحان، خودش را چک می‌کند، خودش را هماهنگ می‌کند، راه راه راست است. راهبران چه کسانی هستند؟ پیامبران، صدیقان، شهیدان، صالحان، ما در هر نمازی از این نخبه‌ها یاد می‌کنیم، ادامه آیات این است که عَيْرُ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالُّينَ نه راه آنان که غصب شدگانند و نه راه گمراهان.

در قرآن کریم درباره کسانی آمده که اینها مورد غصب خدا واقع شده‌اند باید آیاتش را پیدا کنیم چون این یک کلمه است مصادقش را در جامعه در هر روزگاری باید پیدا بکنیم. نکند این جمله را ما هر روز و شب به زبان جاری می‌کنیم اما خودمان از غصب شده‌ها و گمراه‌ها هستیم. باید کلمه گمراه و کلمه غصب شده را در قرآن رصد کنیم و ببینیم که کجاها و درباره چه کسی به کار رفته است. یک امتی بودند که خداوند به آنها عزت و سروری داد، به آنها آقایی داد اما بد کردند مورد غصب خداوند واقع شدند. این را باید در نماز مدنظر بگیریم، بنی اسرائیل چه کار کردند؟ بازاریاشون رباخوار شدند، علماشان رشوه خوار شدند، جوان‌هایشان بیغيرت شدند، زناشان هوسران شدند. خداوند به آنها غصب کرد. رفتند دنبال تجملات و دنبال توقعات بیجا و خداوند به آنها غصب کرد. غصب شده‌ها را در قرآن پیدا بکنیم، در کدام قصه این کلمه آمده غصب، این کلمه آمده مقت يعني خشم، این بار برای ما روشن می‌شود که اقوامی مثل قوم یهود، قوم لوط، پیروان طاغوت‌ها، منافقان، اینها را قرآن جزء مغضوبین شمرده و همچنین ظالین، گمراهان کسانی که هم خودشان گمراهند و هم دیگران را گمراه می‌کنند. چطور امکان دارد یک انسان که در مسیر درست حرکت می‌کند گمراه شود. یک کسی هست که در قرآن ۸۸ بار نامش به عنوان شیطان و ۱۱ بار نامش به عنوان ابلیس آمده، ۱۴ بار خداوند در قرآن فرموده که او دشمن شما است، یکی از کارهای شیطان این است گمراه کردن شیطان قسم خورده به خداوند گفته پروردگارا من در صراط مستقیم کمین می‌کنم و بندگانت را بدبخت می‌کنم.

خداوند هم فرموده بندگان من آنهایی که خالص باشند فریب تو را نمی خورند، معلوم است اخلاص یک کیمیایی است که نزد هر کس باشد شیطان نمی تواند در آن نفوذ بکند. بعد از سوره حمد می رسمیم به سوره دیگر . نمازگزار حتماً سوره حمد را باید در هر نماز رکعت اول و دوم بخواند. حدیث داریم لا صلاة الا بفاتحة الكتاب ، نماز بدون سوره حمد نداریم. اما بعد از سوره حمد یک سوره دیگر را می تواند خودش انتخاب کند البته محدودیت هم دارد، ۴ سوره در قرآن است بر اساس فقه شیعه که آیه ای در این ۴ سوره است که سجدہ واجب دارد، نمازگزار در نمازش حق ندارد این ۴ سوره را بخواند، ۴ سوره دیگر هم در جزء سی ام هستند که اینها را باید ۲ تا ۲ تا خواند. سوره حمد را هم که الان خواندهایم و دیگر نمی توانیم تکرار کنیم. به جز این چند محدودیت نمازگزاران می توانند هر سوره ای که می خواهند بخوانند. سوره ای که ما در نماز می خواهیم پیامش قرآن خواندن است. امام صادق (ع) فرمود: فلسفه نماز احیاء قرآن است. امام رضا (ع) فلسفه نماز احیاء قرآن است، مسلمان ها قرآن را کنار نگذارند و زیاد بخوانند لائق در نماز واجب شده سوره ای را بخوانند، سوره های متنوعی را حفظ کنیم، سوره های طولانی تری را در نماز بخوانیم با قرآن انس پیدا کنید. ولی آن سوره ای را که ما بیشتر می خواهیم سوره توحید یا سوره اخلاص است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ای پیامبر به کسانی که از تو می پرسند خدای اسلام کیست چون یهودی ها، مسیحی ها مشرکان آمدند و از پیامبر پرسیدند خدای خود را تعریف کن. پیغمبر فرمود صبر می کنیم تا از آسمان جواب برسد. این سوره آمد بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ، بگو او الله یکتا است. اللَّهُ الصَّمَدُ ، الله بی نیاز است. الله صمد است یعنی همه به او میل می کنند، همه به او شوق دارند. لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوْلَدْ . مسیحی ها می گفتند: عیسی پسر خدا است. یهودی ها می گفتند: عزیر پسر خدا است. مشرکان می گفتند: بت ها دختران خدا هستند. این آیه همه را رد کرده است. لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوْلَدْ نه زائیده و نه زائیده شده است. خداوند از ازل بوده و تا ابد خواهد بود. از کسی متولد نشده است متفاوت است با ممکنات، واجب الوجود است و کسی هم از خدا زاییده نشده همه مخلوقات خدا هستند، مولود خدا نیستند. لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوْلَدْ این افکار انحرافی و نادرست مشرکان، مسیحی ها و یهودیها را تصحیح می کند وَمَ بَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ و برای خدا هیچ نظری و شریکی وجود ندارد.

سوره اخلاص خیلی سوره مهمی است درست کوتاه است. امیرالمؤمنین (ع) زیاد این سوره را در نمازهایش می خواند. یکی از اصحاب پیامبر از دنیا رفت، پیامبر فرمود ۹۰ هزار فرشته در تشییع جنازه او حاضر بودند، پرسیدند چرا؟ فرمود او قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ زیاد می خواند در بعضی از شب های ماه مبارک رمضان ۱۰۰۰ بار خواندن قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ سفارش شده است. یکتایی خدا، توحید خالصانه خدا در این سوره آمده است. پس نمازگزار سوره حمد را و سوره دیگر را به انتخاب خودش می خواند. امامان ما سوره هایی را پیشنهاد کرده اند حتی به تفکیک روزهای هفته، شنبه ها چه سوره ای بخوانیم، یکشنبه چه سوره ای بخوانیم، حتی به

تفکیک نمازها، شنبه صبح در رکعت اول چه سوره هایی را باید بخوانیم و همینطور در رکعت دوم. به اینها مراجعه کنیم در کتاب شریف مفاتیح الجنان است، در بعضی از کتابهای احکام است و این شیرینی آیات قرآن را در کام خودمان ایجاد بکنیم، نتیجه اش این بشود در طی زندگی شبانه روزی انس خودمان را با قرآن بیشتر کنیم.

## درس هجدهم

به قول حضرت امام خمینی، نماز "کارخانه انسان سازی" است. ما انسان ها وقتی زیبایی و بزرگی را می بینیم در برابر ش تعظیم می کنیم، زیبایی را می ستاییم، بزرگی و عظمت را می ستاییم، در مقابلش کرنش می کنیم یک بنای بلند، یک دستگاه عظیم، یک کشتی بزرگ ما را به کرنش و می دارد. دو رکن از ارکان نماز رکوع و سجده است، خداوند خالق بزرگی ها و زیبایی هاست پس از آن که در دلمان خدا را قصد کردیم و خدا را به بزرگی یاد کردیم، الله اکبر، و اولین سوره کتابش را خواندیم سوره حمد و یک سوره انتخابی را خواندیم این دفعه به رکوع می رویم، در شریعت اسلام رکوع و سجده برای غیر خدا حرام است. در مقابل پادشاهان، در مقابل بزرگان حرام است فقط در برابر خدا، الان هم مرسوم است در دنیا مال قدیم ها نیست، بعضی ها برای ادعای احترام ت رکوع خم می شوند این حرمت دارد چون دیگران مثل خود ما هستند هرچه بزرگی و زیبایی هست مخصوص خدا است.

گفتیم در اول سوره حمد، الحمد لله، یعنی تمام سپاس ها و تمام ستایش ها به خدا بر می گردد جوانی بود که نامه پیامبر را به کاخ امپراطور روم آورد به نام دحیه کلبی جوان دیگری نامه پیامبر را به کاخ پادشاه ایران آورد، همه جا انتظار این می رفت که آنها در مقابل شاه تعظیم بکنند به سجده بیفتند یا خم شوند اما دحیه کلبی آن جوان پارسایی که قاصد پیامبر است ایستاد از او پرسیدند چرا تو به سجده نمی افتد، گفت من خدای پرست و یکتاپرست هستم فقط در پیشگاه خالق رکوع می کنم و به سجده می افتم. منطق خودش را بیان کرد، قرآن کریم نشانه های رهروان راه پیامبر را، همراهان پیامبر را وقتی می شمرد اینگونه بیان می کند **مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحْمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رَغْعًا سُجَّدًا**، محمدی ها کسانی که رنگ پیامبر را دارند یکی از نشانه هایشان این است زیاد رکوع می کنند، زیاد سجده می کنند، زیاد در برابر خالق کرنش می کنند، قرآن کریم وقتی رزمندگان اسلام را توصیف می کند ۲ تا از ویژگی هایشان **الرَاكِعُونَ، السَّاجِدُونَ، رَزْمَنَدُهُمُ الْمُسْلِمُونَ**، نظامی مسلمان اهل رکوع ، اهل سجده هستند.

در حدیث می خوانیم که امام صادق (ع) ذکر رکوع و سجده را بیش از ۳۰ بار تکرار می کرد. امام سجاد (ع) ذکر سجده را گاهی ۵۰۰ بار تکرار می کرد و اشک می ریخت. وقتی این آیه نازل شده **فَسَبَّحُ بِإِسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ** تسبیح بود نام پروردگار بزرگت را، پیغمبر دستور داد مسلمان ها از این به بعد در رکوع این ذکر را بگویند **سَبَّحَ رَبِّ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ تَسْبِيحٌ مَيْغُوبٌ** گوییم پروردگارم را همراه با ستایش او.

فرشتگان خدا یکی از اوصافشان این است که رکوع می‌کنند، سجده می‌کنند، سجده اوچ تذلل و خاکساری انسان است، سجده ۲ تا، رکوع یکی.

شخصی از امیرالمؤمنین (ع) پرسید: این فلسفه ۲ سجده چیست؟ فرمود معنایش این است که ما از خاک آفریده شده‌ایم به سمت خاک می‌رویم، مجدداً از خاک زنده می‌شویم، باز از خاک بر می‌خیزیم. یعنی در هر نمازی چند بار ما این فرایند آغاز تا انجام کار خودمان را مرور می‌کنیم، امام سجاد در بین امامان ما یعنی زیاد سجده کنند. قرآن می‌فرماید: همه‌هستی خدا را سجده می‌کند و اللہ یسجدو من فی الارض ، همه سجده می‌کنند یعنی همه کرنش می‌کنند در پیشگاه خالق خودشان، مثل این که بگوییم این نقاشی دارد نقاش خودش را ستایش می‌کند به هر کجای هستی نگاه می‌کنی همه تسبیح گویند همه سجده کن هستند، حالا نوبت به ما که رسیده می‌پرسیم آقا نماز می‌خوانی؟ می‌گوید فلسفه نماز چیست؟ زورش می‌آید پیشانی به سجده بگزارد. در پیش هر کس و ناکسی خم می‌شود و به خدا که می‌رسد سرکشی می‌کند. اصلاً قصه شیطان از همین جا شروع شد، خداوند به شیطانی که ۶۰۰۰ سال سابقه عبادت داشت در حضور فرشتگان بود، به آن جمعیت فرمود: سجده کنید، به فرمان من و به آدم، فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلَّهُمْ أَجْمَعُونَ همه فرشته‌ها سجده کردند الا ابليس، ابليس بعدها خاطرات خود را برای بعضی‌ها تعریف کرد، گفته راز بدخت شدن من همین بود که حاضر نشدم سجده کنم، تکبر، غرور، این آدم‌ها چرا اینگونه هستند؟ به محض اینکه یک مقداری زور در بازویشان می‌آید، یا پول در جیب هایشان می‌آید یا موقعیت اجتماعی پیدا می‌کنند، نامی و آوازه ای پیدا می‌کنند، این دفعه دیگران را مثل گالیور می‌بینند، دیگران را ذره می‌بینند و خودشان را بزرگ می‌بینند نماز را بی کلاسی می‌دانند. دین داری را بی کلاسی می‌بینند، چرا؟ فاطمه زهرا (س) خطبه‌ای دارد در فلسفه احکام، فرمود فلسفه نماز این است که انسان را از تکبر به دور بدارد، فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيرًا مِنَ الشَّرِكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهًا عَنِ الْكِبَرِ خداوند واجب فرمود نماز را برای پاک کردن شما از تکبر. سجده نشانه عبودیت انسان است. سجده برای غیر خدا لازم نیست. سجده برای غیر خدا حرام است. قرآن بخوانیم سوره حج آیه ۱۸، أَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ، ۳۱ بار در قران این جمله آمده. أَمْ تَرَ نَدِيدِي؟ چشم هایت را باز کن بین. آیا ندیدی، خورشید، ماه، ستاره، کوه، درخت، ستاره، چرنده اینها سجده می‌کنند نمی‌خواهی سجده کنی؟ در تاریخ می‌خوانیم که اولیاء خدا چه سجده‌هایی داشته اند، درباره سجده‌های پیامبر، سجده‌های امیرالمؤمنین، سجده‌های ائمه، زندانیان موسی ابن جعفر می‌گوید، آقا نماز عشاء را می‌خواند به سجده می‌رفت تا اذان صبح، چه لذتی می‌بردند آنها از سجده؟

یک زمانی سوار ماشین بودم از خیابان شریعتی می‌گذشتم یک کسی کنار من نشسته بود و گفت من در این مسجد هیچ وقت نماز نمی‌خوانم، گفت امام جماعت اینجا ۳ بار ذکر سجده را می‌گوید یعنی طول می‌گوید، من گفتم درست است امام جماعت

باید خلاصه بخواند اما تو انقدر باید بیزار باشی از ذکر سجده؟ امامان ما سجده‌های چند ساعته انجام می‌دادند پیشانی از سجده برمی‌داشتند سجاده شان از اشک چشمانشان خیس می‌شدند.

حدیث داریم یکی از رازهایی که خداوند ابراهیم را برای خلیل‌الله انتخاب کرد سجده‌های طولانی بود، سلمان فارسی می‌گوید: اگر سجده نبود من آرزوی مرگ می‌کردم. موسی کریم‌الله می‌گوید: بعداز هر نماز این سمت راست صورت را بعد سمت چپ صورت را آنقدر به خاک می‌مالید تا ثابت کند من بنده‌خدا هستم، من عبد هستم. شخصی می‌گوید امام صادق (ع) دیدم در حال سجده ۵۰۰ بار سبحان‌الله را تکرار کرد. قرآن می‌گوید: سَيِّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثْرِ السُّجُودِ. حزب‌الله‌ها پیشونی‌هایشان باید از اثر سجده پیدا باشد. حدیث داریم سجده کمر شیطان را می‌شکند، انسان را بهشتی می‌کند. شخصی خدمت پیغمبر رسید گفت من گناهان بسیاری مرتکب شده‌ام، خدمات کمی هم دارم، فرمود سجده‌های خود را زیاد کن. زیرا با سجده گناهان مثل برگ درختان می‌ریزند.

گروهی خدمت پیغمبر رسیدند تقاضای ضمانت بهشت رفتن خود را داشتند. پیغمبر فرمود به شرط آنکه با سجده‌های طولانی مرا کمک کنید. پیامبر عزیز اسلام در جمعه آخر ماه شعبان خطبه‌ای خواندند که مردم ما در ماه رمضان بخصوص روزها و شبهای اول ماه رمضان زیاد می‌شنوند، فرمودند: سجده‌هایتان را طولانی کنید، رکوع‌هایتان را طولانی کنید.

پیامبر به یکی از یارانش فرمود: اذا اردت عن يخشىك الله معى . اگر می‌خواهی خدا روز قیامت تو را با من محشور کند سجده‌ات را طولانی کن در پیشگاه خدا و اینجا چا دارد که چند ثانیه هم از سجده بر تربت ابی عبدالله حسین(ع) یاد کنیم چقدر حدیث داریم که مستحب است انسان بر خاک قبر سید الشهداء سجده کند چرا که سجده بر تربت ابی عبدالله یادآور حماسه‌های کربلا است . انسان را با فرهنگ جهاد و شهادت آشنا می‌کند. امام صادق (ع) فرمود: جز بر قبر امام حسین من سجده نمی‌کنم و می‌فرمود سجده بر خاک حسین نورانیتی دارد که پرده‌های مانع را پاره می‌کند.

داریم می‌رسیم به پله‌های آخر نماز، چند برنامه دیگر باقی نمانده، چه شد این گفتگوهایی که کردیم نمازهایمان در این روزها فرق کرده یا نه؟ مرور کنیم کار خودمان را.

## درس نوزدهم

رسیدیم به قنوت نماز، پیغمبر فرمود: ای اباذر میدانی چه نمازی از همه نمازها بهتر است، نمازی که قنوت‌ش طولانی باشد. قنوت چیست؟ ما در قنوت دستهایمان را به شکل گدایان می‌گیریم ، این علامت گدایی است ، علامت نداری و علامت فقر و نیاز است. قرآن می‌فرماید: انتم الفقراء الى الله، آی آدم‌ها همه تان نیازمند خدا هستید، بیایید به در خانه‌خدا، دست نیاز بلند کنید. از جاهایی که در نماز می‌شود به زبان مادری حرف زد قنوت است، یعنی فارس‌ها به فارسی ، ترک‌ها به ترکی، فرانسوی‌ها به فرانسوی .

اجازه داده اند در این ایستگاه به زبان مادری با خدا حرف بزنیم. درد و دل کنیم، مشکلاتمان را مطرح کنیم. از خدا کمک بخواهیم.

دعایی که ما بلد هستیم و مردم ایران زیاد تو قنوتshan می گویند: آیه ۲۰۱ از سوره بقره است. رَبَّنَا آتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقَنَا

عَذَابَ النَّارِ معنایش این است که خدایا ما هم دنیای خوب می خواهیم و هم آخرت خوب می خواهیم . آیه قبلش این است فَمَنِ النَّاسُ مَنْ

يَقُولُ رَبَّنَا آتَنَا فِي الدُّنْيَا بَعْضًا از مردم فقط دنبال دنیا هستند اما در مقابلشان من يَقُولُ بعضاً دیگر می گویند رَبَّنَا آتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ

حَسَنَةً وَقَنَا عَذَابَ النَّارِ يعني پروردگارا ما هم دنیای خوب می خواهیم و هم آخرت خوب به ما بده. خدا هم فرمود بخواهید من می دهم،

امام صادق فرمود اگر می توانید در قنوت گریه کنید، اگر در قنوت به گریه افتادید به من دعا کنید. بهترین دعا در قنوت همین

دعاهایی است که در قرآن آمده. در قران ۱۶۰ دعا هست. همان چیزی که حضرت ابراهیم از خداوند خواسته بخواهیم. حضرت مریم

و صالحان از خدا خواسته اند بخواهیم. کتاب هایی چاپ شده است در بازار هست بنام دعاهای قران، این دعاها را حفظ کنیم، در

قنوت نمازمان بخوانیم بعد از آن بهترین دعا در قنوت دعاهای پیامبر و ائمه است در کتاب شریف مفاتیح الجنان فهرستش را نگاه

کنید نوشته قنوت های ائمه امام جواد در قنوت چه می خواند، امام زمان در قنوت چه می خواند امام رضا در قنوت این دعا را می

خوانند: رَبَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَجَاؤْ عَنَا تَعْلُمَ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَمُ حَلُّ الْأَكْرَمُ یک دعای یک خطی است ولی خیلی اوج دارد. قنوت ، قنوت مستحب

است نمازگزار قنوت را هم انجام ندهد نمازش درست است، ولی خیلی تاکید شده است. شیعیان بخصوص قنوت را در نمازهایشان

دارند بعد از سوره حمد رکعت دوم قنوت می گیریم. قنوت به معنای فروتنی است، به معنای افتادگی و خاکساری است. قرآن می

فرماید: قولوا اللہ قاتین ، یعنی در پیشگاه خدا فروتنانه حضور پیدا کنید. قاتین، قانتات در قرآن آمده مردان متواضع ، زنان متواضع،

نحوه گرفتن دست ها هم درستش این است آن ادبی که به ما یاد داده اند. چون مردم ما این حرکات را درست انجام نمی دهند،

ناهمرنگ است، مثلاً در تلویزیون وقتی فیلمبرداری می کنند یک ناظر بیرونی نگاه می کنند می بینند که معنای این چیست، بعضی ها

دستشان را پایین گرفته اند، بعضی ها بالا گرفته اند، بعضی ها دستانشان به هم چسبیده اند، بعضی انگشتان فاصله دارد، بعضی

ها ندارد. ادب درستش این است انگشتان دست بسته، انگشت های شست باز، دست ها به هم چسبیده . کف دست ها به سمت

آسمان باید باشد به سمت صورت نباید باشد. ارتقاуш هم به اندازه ای که ما با چشمانمان کف دست را ببینیم مقابل صورت این

ادب درست قنوت است.

قنوت هایمان را زود از آن نگدریم یک مقداری طول دهیم مخصوصاً ماههایی مثل ماه رمضان قنوت طولانی را تمرین بگیریم،

نمازهایمان را تایم بگیریم یک نماز چهار رکعتی چقدر می شود. برای بعضی ها ۲ دقیقه می شود. حیف است این فرصت، یک

فرصت طلایی است آنقدر وقت نماز طلایی است خداوند فرشتگان را می فرستد طوف می کنند دور نمازگزار، فرشتگانی را می

فرستد بعد از نماز می نشینند اینطرف و آنطرف نمازگزار ببینند که چیزی از خداوند می خواهد می بینند که نه زود پرید در

رختخواب یا می روند می نشینند سر سفره غذا، غصه هایی است که ما در قیامت خواهیم خورد و حسرت خواهیم خورد، مثل اینکه ما را ببرند در خزانه های بانک مرکزی و در گاو صندوق ها را باز کنند و بگویند این پنجاه تومانی است، این صد تومانی است، این سکه ربع است، این نیم است، این تمام است و هرچه می خواهی بردار، ما آنجا به جوک گفتن زمان را بگذرانیم و وقتی بیاییم بیرون می بینیم که زمان تمام شد.

## سبحان

بعد از قنوت در رکعت های سوم و چهارم ما تسبیحات اربعه داریم. یعنی تسبیحات چهارگانه، چهار تا ذکر است.

**الله، والحمد لله، ولا إله إلا الله، وأكبر** ، ۴ قسمت دارد به آن می گویند اربعه، حدیث داریم، شیوه کعبه که در مسجد حرام است و چهار ضلع دارد در عرش خدا چنین چیزی است. یک ضلع ش سبحان الله است. یک ضلع ش الحمد لله است . یک ضلع ش ولا إله إلا الله است. یک ضلع ش الله اکبر است. یعنی همه عصاره معارف انبیاء در این چهار جمله می گنجد. متنهایک عالمی و یک عارفی باید بیاید تفسیر کند این جمله را برای ما . سبحان الله یعنی چه؟ الحمد لله یعنی چه؟ لا اله الا الله یعنی چه؟ الله اکبر یعنی چه؟ ۳ بار می گوییم در رکعت سوم و در رکعت چهارم . خیلی خلاصه می خواهیم توضیح دهیم. سبحان الله یعنی خداوند نقصی ندارد و مشکلات همه سر انسان ها است. سبحان ربی العظیم وبحمدہ یعنی من عقیده ام این است که خداوند نقص ندارد. خداوند مشکل ندارد، ما در برنامه ریزی و عملکرد مشکل داریم. می گوید چرا بچه من ناقص شده؟ حتماً شما در مسائل آمیزشی کوتاهی کرده ایم، بهداشتی مراعات نکردید ، شراب خورده و بعد نزدیکی کرده و این بچه ناقص العقل به دنیا آمده، می گوید چرا من مردود شدم؟ چون درس نخوندی، چرا من تصادف کردم؟ چون بدون گواهی نامه رانندگی کردی. چرا مسموم شدم؟ پرخوری کردی، چرا من ذلیل شدم؟ خوب کار نکردی ، فعالیت نکردی، سنت خدا این است که هر که کار بکند سود می برد، نابرد رنج گنج میسر نمی شود. سبحان الله معنايش این است که خداوند نقصی ندارد، نقص هایمان را در زمین باید دنبال کنیم، نقص ها برای مدیران است، نقص ها برای برنامه ریزان است، نقص ها برای انسان ها است. به خداوند نسبت ندهید. خدا به غیر از مهربانی برای بندگانش چیزی ندارد. خدا چه ظلمی می کند کسی که نیازی به ظلم ندارد. خدا نیاز ندارد کم بگذارد، او غیر از زیبایی و غیر از رحمت و غیر از مهورری کار دیگری نمی کند.

در هر نمازی خودمان را تصحیح می کنیم، فکر خودمان را ، رفتار خودمان را ، عواطف خودمان را، کجی ها برای خودم است. بدی ها برای خودم است. شکست ها برای خودم است. به خدا برای چه نسبت دهم. می گوییم سبحان الله وقنا عذاب النار، پروردگار ما را از آتش نجات بده. سبحان الله هم در قرآن زیاد آمده، بیشترین دستور خدا به پیامبر خداوند سبحه است. هفت سوره داریم در قرآن با تسبیح شروع می شود مستحب است وقت خواب مسلمان ها قرآن بخوانند. در خانه ها وقت خواب کسی قرآن نمی خواند. مادر، پدر به بچه ها بگویند عزیزانم بروید قرآن هایتان را بخوانید بعد بخوابید. نه همچنین چیزی نیست. الان رسم نیست. ولی صدها

حدیث داریم که وقت خواب قرآن بخوانیم بعد بخوابید چون وقتی ما می خوابیم روح ما تعطیل نمی شود. شیاطین پیامک می فرستند برای ما، فرشته ها هم پیامک می فرستند. مثل اینکه شما می خوابید و بعد بیدار می شوید می بینید که ۷ تا پیام رسیده. خواب هم همین طور است. حدیث داریم اگر می خواهید شیاطین با شما تماس نگیرند در خواب، با وضو بخوابید، قرآن بخوانید و بخوابید، چه سوره هایی را بخوانیم؟ مثل آیت الکرسی، مثل آمن الرسول، مثل چهار قل و سوره هایی که با تسبیح خداوند شروع می شود. یکی

سورة جمعه است، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ . کوچکترین آنها سوره الاعلى است. کوچکترین سوره که با تسبیح شروع می شود سوره الاعلى است. و از همین امثبل تصمیم بگیریم این سوره را هنگام خواب بخوانیم.

درس بیستم

رسیدیم به تشهید و سلام ، با وضو به سمت قبله، با لباس پاک، با سرود آسمانی، با نیت پاک نماز را آغاز کردیم سوره حمد خواندیم یک سوره انتخابی خواندیم، رکوع و سجده کردیم خدا را تسبیح گفتم و الان می نشینیم و دوباره اعتقادات خود را تکرار می کنیم. می گوییم: أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ مَا مُنْظَرٌ مَّا إِذَا شَهَدْتُ أَنَّ گواهی می دهم برای چه می گوییم؟ تبلیغ است یا تلقین است. این چندتا معنی دارد یک معنایش این است که وسوسه گران همیشه در صدد این هستند که اعتقادات ما را سست کنند ما در مقابل آنها پی در پی باید اعتقادات خود را علنی به زبان جاری کنیم. أَشْهَدُ أَنَّ إِيمَانَنِي أَطْرَافِيَانَ مِنْ، ای موافقان، مخالفان، همه مردم بدانند عقیده من این است. در اذان هم با صدای بلند اعلام می کنیم هم تبلیغ است در اذان و هم تکرار و تثبیت و تلقین است در تشهید. همه نماز خداگرایی است، خداپرستی است، یکتاپرستی است گواهی می دهم. زیاد ما باید تکرار کنیم اعتقاداتمان را. حتی حدیث داریم وصیت نامه خودتان را بنویسید. کسی که وصیت نامه می نویسد پاداش شهید دارد. در وصیت نامه اینها بیان می شود أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ مَا مُنْظَرٌ مَّا إِذَا شَهَدْتُ أَنَّ گواهی می دهم به یکتایی خدا، گواهی می دهم به رسالت پیامبر، گواهی می دهم به اینکه مرگ حق است، صراط حق است اعتقاداتمان را تکرار کنیم به زبان جاری کنیم. اول از خدا شروع می کنیم ، یکتایی خدا، او لین شعاعی است که در اسلام به سر زبان ها افتاد. قولوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا ای، انسان ها بگویند لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى، سنتگار شویند مثل، دانه ای،

که در دل زمین کاشته می شود و آن دانه وقتی با شرایط مناسب قرار می گیرد جوانه می زند و سنگ ها را از مسیر راه خودش  
کنار می زندند و خاک را می شکافد و در فضای باز می آید عرب می گوید فلح یعنی راحت شد و رستگار شد انسان هم اگر بخواهد  
از این جهان مادی رها شود و وارد یک فضای لایتنهای معنوی شود باید موحد شود، یکتا پرست شود. بگویید جز الله معبودی،  
معشووقی نیست تا رستگار شوید. أَشْهَدُ أَنَّ لِإِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ حِزْ خَدَائِي يَكْتَأِ، خَدَائِي نَبِيَّتُ. شَرِيكَكَ، نَدَارَدَ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدَهُ وَ

رسوله گواهی می دهم که محمد بنده خدا و فرستاده خدا است. کلمه عبد در قرآن خیلی منزلت دارد، مقام دارد. وقتی که می خواهیم به کسی ترحم کنیم می گوییم به بنده خدا یک کمکی بکنیم، اما قرآن می گوید بالاترین شخصیت را وقتی می خواست به معراج ببرد لقب عبد به او داد. سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعْنَيْهِ يَلِّا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى بَنْدَكَى كَنْ تَاهَ سُلْطَانَتْ كَنْ. در حدیث قدسی می خوانیم عبدي اطعی حتی اجعلک مثلی بنده من اطاعت کن از من تا تو را همچون خودم قرار دهم من اراده می کنم نیست هست می شود، توهم می توانی در سایه بندگی به این مقام بررسی.

پیامبر اسلام ، امیر المؤمنین ، امام حسین بالاترین افتخارشان این بوده که بندگان خدا بوده اند آن کج فکرهایی که متهم می کنند شیعه را در موضوع توسل و چه بسا به عمد این شباه را می کنند نمی دانند که شیعه از نظر توحید در قله قرار دارد. همه احترام شیعه برای امام حسین (ع) این است که امام حسین عبد خدا است و همه هستیش را در راه توحید داد، شب عاشورا تا به صبح با خدا راز و نیاز می کرد. روز عاشورا در مقابل تیرهای دشمن نماز جماعت خواند. این امام حسین را ما واسطه قرار می دهیم در پیشگاه خدا. خود خدا به ما فرمان داده یا ایها الذين آمنوا انقوا الله و اباغوا اليه الوسيلة وسیله، ای کسانی که ایمان آورده ایم یک وسیله پیدا کنید برای نزدیک شدن به خدا.

پرسیدند از پیغمبر این وسیله که در دین آمده چیست؟ فرمود وسیله قرآن است. وسیله من هستم، علی، فاطمه، حسن و حسین است. چه وسایلی از اینها بهتر. اول گواهی می دهیم به بندگی پیامبر، عیسی مسیح وقتی در گهواره به سخن آمد می خواست خودش را معرفی کند. اول این طور معرفی کرد من بنده خدا هستم بعد من فرستاده خدا هستم . قال ابی عبد الله آتایی الكتاب و جعلی نبیا . افتخار کنیم به اینکه بنده خدا هستیم. گواهی می دهم که محمد بنده خدا و فرستاده خدا است. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، ذَكْرُ شَرِيفٍ صلوات خداوند در قرآن می فرماید: إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلِّوْنَ عَلَى الَّذِيْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلَوَّا عَلَيْهِ وَسَلَّمُوا تَسْلِيمًا . خدا و فرشته ها درود می فرستند بر پیامبر. ای مردان و زنان با ایمان شما هم درود بفرستید بر پیامبر، صلوات بفرستید و تسليم پیامبر باشید. حدیث داریم در وزنه اعمال روز قیامت چیزی جز لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ذَكْرُ صلوات سنتگین تر نمی کند وزن اعمال صالح را. چرا؟ به خاطر اینکه راه نجات ما و پیامبر اسلام و اهل بیت است، راه حیات ما و تحول در ما پیامبر و اهل بیت هستند. پیامبر فرمود: صلوات ابتر بر من نفرستید. گفتن صلوات ابتر یا ناقص یعنی چه؟ فرمود اون صلواتی که به من درود بفرستید اما آل را به زبان جاری نکنید که بگویید اللهم صلی علی محمد و سلم ، صلوات کاملی که پیغمبر یاد داد و در کتب درجه یک اهل سنت مثل "صحیفه بخاری" آمده این است اللهم صلی علی محمد و آل محمد. به ناروا این کلمه آل را از صلوات برداشتند. صلوات شعاری است دشمن شکن در اسلام . شعاری است که پیوند امت و رهبر را محکم می کند ، خدا لعنت کند حجاج بن یوسف الثقیفی را ، او اولین کسی است که در مسجد حرام

صلوات بلند را ممنوع کرد میگفت در دلтан صلوات بفرستید. جلوی این شعائر و تعظیم شعائر را گرفت. پایان تشهید با صلوات تمام می شود. بعد از صلوات آخرین فراز نماز سلام است. سه سلام می دهیم، دو سلام مستحب و یک سلام واجب. اول به رسول خدا، آن پیامبری که هدایت ما مرهون زحمات او است. ای رسول رحمت سلام بر تو، السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته . سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای پیامبر، ادای احترام به پیشگاه رهبر، هادی، راهنمای سلام دوم به خودمان سلام می دهیم، نماز گزاران، مومنان، السلام علینا و علی عباد الله الصالحين ، سلام بر ما و بندگان صالح خدا. و سلام سوم به همه کسانی که از انسانها و فرشته ها و جنی ها در حوزه بندگی خدا بندگی می کنند. السلام علیکم ورحمة الله و برکات . سلام چیست؟ یکی از اسم های خدا است. سلام چیست؟ اسم بهشت است دار السلام. امام صادق فرمود : أَبْخَلَ النَّاسَ مِنْ بَخْلِ الْسَّلَامِ بِخَيْلٍ تَرِينَ مَرْدَمَ آنَى إِنْسَانٌ كَفُورٌ مَنْ دَرِيَغَ مِنْ كَنْدِيْقَةِ سَلَامٍ مَنْ كَنْيَمَ يَعْنِي مَا دَرِيَغَ وَ صَفَّا هَسْتِيْمَ . مَا جَنَّجَ رَأْنَمِيْسَنْدِيْمَ . مَا صَلَحَ رَأْنِيكُو مَنْ دَانِيْمَ . سَلَامٌ مَنْ كَنْيَمَ يَعْنِي خُوشِبختی شما را می خواهیم. سلامت شما را می خواهیم، عزت شما را می خواهیم.

بعضی گفته اند که دلیل اینکه در پایان نماز سلام می کنیم. گویا ما یک پروازی را داشته ایم به عالم معنا. الان که بر می گردیم به زمینیان سلام می کنیم. سلام ای پیامبر رحمت و سلام ای همه بندگان صالح خدا. یعنی یک نوع اعلام همبستگی می کنیم، تشکل ایجاد می کنیم در ذهن خودمان و سلام بر شما ای همه عبادت کنندگان به هر شکل، فرشته، جنی، انسان ، السلام علیکم ورحمة الله و برکات پیامبر اسلام یکی از ویژگی هایش این بود که تقدیم در سلام داشت، حتی به بچه ها سلام می کرد. ما نماز را با سلام پایان می بخشیم و پس از نماز مستحب است که تعقیبات داشته باشیم.

### درس بیست و یکم

پس از سلام نماز قرآن کریم و امامان معصوم به ما فرموده اند زود باب این گفتگو را نبندید یک مقداری ادامه دهیم که نشانه این باشد که خدایا ما دوست نداریم این دیدار زود تمام بشود. بعد از نماز تعقیبات یعنی نیایش های بعد از نماز را داشته باشیم، پیامبر عزیز اسلام و امامان معصوم به ما نیایش هایی را یاد داده اند تعقیبات مشترک برای همه نمازها یا تعقیبات مختص بعضی از نمازها. اینها نشان دهنده ادب ما است که به خدا می خواهیم بگوییم که خدایا دوست داریم، بهترین تعقیب پس از نمازها ذکر تسبيحات حضرت فاطمه زهراء(س) است که طبق حدیث ثواب هزار رکعت نماز مستحبی را دارد. به جز این تعقیبات دعاها یی که در کتاب شریف مفاتیح آمده تسبيحات حضرت فاطمه زهراء را هم بلد هستید، پیامبر عزیز اسلام به دخترش که آمده بود کمک کار بگیرد چون خیلی در زندگی در زحمت بود فرمود عزیزم هروقت به سختی افتادی و بعد از نمازها و هنگام خواب این ذکرها را بگو ۳۴ بار الله اکبر ۳۳ بار سبحان الله . حضرت فاطمه زهراء وقتی به خانه آمد برای شوهرش اینها را تعریف کرد، امیرالمؤمنین(ع) می فرماید از آن به بعد همیشه این ذکرها را وقت خواب و بعد از نمازها می خواندم. حضرت فاطمه با یک نخ پشمی

که صد تا گره زده بود به این نخ یک تسبیحی درست کرد و این ذکرها را با این تسبیح می گفت تا اینکه واقعه احد پیش آمد، این بار از خاک تربت حضرت حمزه سید الشهداء یک تسبیح تربت درست کرد دیگران هم یاد گرفتند تا اینکه واقعه کربلا پیش آمد از آن به بعد امامان ما تسبیح‌اشان را از خاک کربلا درست می کردند که چقدر رهنمود به ما دادند که تسبیح تربت امام حسین (ع) دست کسی باشد حتی اگر ذکر نگوید، ذکر برای او ثبت می شود. از تعقیباتی که خیلی به ما توصیه شده سجدۀ شکر است، یعنی نماز تمام شد باز پیشانی را به سجده بگذاریم خدا را شکر کنیم که توفیقی پیدا کردیم. ما با او دیداری داشته باشیم، گفتگویی داشته باشیم، نمازی خوانده باشیم.

همینجا نمازهای نافله را هم بگوییم. ما نمازهای واجب داریم در شبانه روز که ۱۷ رکعت است، نماز صبح ۲ رکعت. نماز ظهر ۴ رکعت، نماز عصر ۴ رکعت، نماز مغرب ۳ رکعت و نماز عشاء ۴ رکعت، ۲ برابر این ۱۷ یعنی ۲۴ رکعت نماز نافله یعنی اضافه بر آن برنامه سازمانی مستحب است ولی نشان دهنده عشق ما به نماز است. بعضی ها اضافه کاری را دوست دارند می گویند من عاشق کار هستم، آنهایی که دوست دارند نماز مستحبی بخوانند نافله نماز صبح ۴ رکعت است. ۲ تا ۲ رکعتی قبل از نماز صبح، نافله نماز ظهر ۸ رکعت است ۴ تا ۲ رکعتی قبل از نماز ظهر، نافله نماز عصر ۸ رکعت است چهار تا ۲ رکعتی قبل از نماز عصر، و نافله نماز مغرب چهار رکعت است ۲ تا ۲ رکعتی قبل از نماز مغرب. کوتاه ترین نماز نافله، نافله نماز عشاء است ۲ رکعت بعد از نماز عشاء نشسته و ۱۱ رکعت نافله نماز شب است. پس نماز صبح نافله اش ۴ رکعت، ظهر ۸ رکعت، عصر ۸ رکعت مغرب ۴ رکعت و عشاء ۲ رکعت، ۱۱ رکعت هم نماز شب.

نمازهای مستحبی دیگری هم است. یک وقتی با دوستان صحبت می کنیم و می گوییم این نمازهای مستحبی برای بازنشسته ها، پیرزن ها، پیرمرد ها و بازنشسته ها نیست. اتفاقاً این نمازها معناش این است که انسان در طول زندگی انقدر به تلاطم برخورد می کند محتاج مدد خداوند می شود. امامان ما این نمازها را برای همین پیشنهاد کردند کتابی است که ستاد اقامه نماز منتشر کرده به نام نمازهای مستحبی، ۳۵۰ نوع نماز مستحبی داریم.

کسانی هستند می گویند بگذارید همین نمازهای واجب را بخوانیم، اتفاقاً در جوانی باید همین نمازهای مستحبی را خواند، از نظر امام خمینی در بین نمازهای مستحبی آنی است که برترین است و به اکسیر احمر یا کیمیا تشبیه شده است نماز جعفر طیار است آن هدیه ای که پیامبر به جعفر طیار که ماموریتی را که رفت و ۱۳ سال طول کشید. ماموریت سختی که هرچه مسلمان در قاره آفریقا است مدیون جعفر ابی طالب هستند وقتی برگشت پیامبر فرمود استقبال رسمی از او بشود. و از این زن و شوهر، همسرش هم اسماء بنت امیس ۳ پسری که خدا به آنها داده بود وارد شدند. مردم فکر می کردند که پیغمبر چه جایزه ای را به آن بدهد، پادشاه حبشه را مسلمان کرده بود، جمعی از کشیش ها به دست او مسلمان شده بودند و خدمات زیادی. بعضی گمان می کردند که یک

قطعه زمین مرغوب پیغمبر به او بدهد، بعضی پیش بینی می کردند سکه طلا به او داده شود، اما پیامبر یک نماز به او هدیده داد که تا دنیا است هر کس این نماز را می خواند یک بهره ای به جعفرین ابیطالب هم می رسد. ۴ رکعت است. مثل نماز صبح است با یک کمی تفاوت نیت می کنیم ۲ تا ۲ رکعتی نماز جعفر طیار بعد از تکبیرالاحرام و سوره حمد ۱۵ بار تسبیحات اربعه را می گوییم. به رکوع می رویم بعد از ذکر رکوع ۱۰ بار تسبیحات اربعه از رکوع بر می خیزیم می ایستیم ۱۰ بار، به سجده می رویم ۱۰ بار، می نشینیم ۱۰ بار، باز به سجده می رویم و می نشینیم ۱۰ بار، هر رکعتش ۷۵ بار این ذکر فوق العاده مهم به کار رفته است. حدیث داریم نماز جعفر طیار ۱۲۰۰۰ حسن دارد چون ۳۰۰ بار ذکر تسبیحات اربعه در آن بکار رفته است. تسبیحات اربعه یعنی ۴ گانه، ۳۰۰ در ۴ می شود ۱۲۰۰، هر یکیش هم ضرب در ۱۰، چون هر کار خوب ۱۰ برابر حسن دارد، ۱۲۰۰۰ حسن دارد و مشکلات ما را می تواند حل کند.

از نمازهای دیگری که خوب است در اینجا یاد کنیم و واجب است نماز آیات است. در زمان جاهلیت فکر می کردند که حوادثی که در طبیعت رخ می دهد اینها هر کدام ربی دارد، رب آتش، رب خورشید، رب باران، رب باد. اسلام که آمد فرمود یک رب بیشتر نیست و آن رب العالمین است وقتی خورشید می گرفت یا ماه می گرفت، یا زلزله می شد دستور آمد واجب است مسلمان‌ها نماز بخوانند یعنی این را از نشانه‌های خدا بدانند. نماز آیات را هم همه بلد هستند. ۲ رکعت است بعد از حمد یک سوره ای را ۵ قسمت می کنیم با سلیقه خودمان و بعداز هر قسمت به رکوع می رویم و می ایستیم در حقیقت این نماز ۲ رکعتی ۱۰ تا رکوع دارد.

نماز دیگری است به نام نماز باران، آن هم زیاد توصیه شده نشان دهنده این است که ما همه کاره را خدا می دانیم. بعضی‌ها فکر می کنند ما وقتی نماز باران می خوانیم یعنی به برنامه ریزی یا اسباب و علل اعتقاد نداریم. می گوید آقا باران قانون دارد، منظور شما از نماز باران چیست؟ ما می خواهیم بگوییم آن قوانین را قبول داریم آن قوانین مخلوق خدا است. همان خدایی که از آن مسیر باران می فرستد می تواند از مسیر دیگری برای جمعی از بندگانش باران بفرستد. خودش به ما یاد داده است. در همین قرآن است که می خوانیم **فَلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ عَفَّارًا . يُرِسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مُدْرَازًا . وَتُنْدُكُمْ بِأَمْوَالٍ وَتَبَيَّنَ وَجْهَكُمْ لَكُمْ جَنَّاتٌ وَجَعَلْنَا لَكُمْ أَنَّهَا** در پیشگاه خدا استغفار کنید خداوند گناهان شما را می بخشد و باران فراوان برایتان می فرستد و جنگلها و بادها را آنبوه می کند و آبهای را زیاد می کند.

## درس بیست و دوم

رسیدیم به بحث نماز جماعت، از روز اول اسلام، نماز را به شکل جماعت ارائه کرد، یک برنامه‌اجتماعی است، نمازهای مستحبی را برای خلوت انسان‌ها قرار داد یکی از ویژگی‌های دین اسلام اجتماعی بودنش است، اولین نماز، پیش نمازش پیامبر و پشت سرش امیرالمؤمنین و حضرت خدیجه، پیامبر عزیز اسلام اصرار داشتند که به اجتماعات لبیک بگویید، بپیوندید، پیغمبر فرمود: ۲ تا از ۱

بهره است، ۳ تا از ۲ تا بهتر است، ۴ تا از ۳ تا بهتر است، ۵ تا از ۴ تا بهتر است، مسلمان‌ها منسجم باشید، متعدد باشید فرمود: من سمع النداء فلم يجبه من غير عله فلا صلاه له هر که صدای اذان را بشنود و بدلیل پاسخ نگوید او نماز نخوانده، فرمود هر کسی در جامعه زندگی می‌کند باید به مسجد بباید مخصوصاً همسایه‌های مسجد در جماعت حضور پیدا بکنند. یک تابینایی گفت از بس شما تعریف نماز جماعت را کردید من سعی می‌کنم در نماز جماعت حضور پیدا کنم اما گاهی در خانه کسی نیست که من را به مسجد بیاورد فرمود: یک طنابی از خانه ات به مسجد بکش و نماز جماعت را ترک نکن. یک شخصی که در روستا زندگی می‌کرد به پیامبر عرض کرد که من در یک روستایی هستم تک خانواری، من و همسر و بچه هایم و چند تا کارگر، مسجد و اجتماعی نیست ولی خوب نمازمان را به جماعت می‌خوانیم، خانم و بچه ها و آن چند تا کارگر هم به من اقتدا می‌کنند تشویق کرد و فرمود فرشته هام به شما اقتدا می‌کنند، عرض کرد که گاهی بچه ها مشغول کاری هستند من هستم و همسرم ۲ نفری باز نماز را به جماعت می‌خوانیم پیغمبر او را تشویق کرد، عرض کرد گاهی خانم عذری دارد و من تنها نماز می‌خوانم حضرت فرمود: چون درد تو این است که نماز را به جماعت بخوانی آنوقت هم که تنها می‌خوانی نماز تو به جماعت حساب می‌شود، ثوابی که برای نماز جماعت از پیامبر به ما رسیده فوق العاده است. حدیثی که درباره ثواب نماز جماعت در رساله های عملی آمده این است ترجمه اش: اگر در نماز جماعت یک نفر اقتدا کند پاداش هر رکعت آن نماز ۱۵۰ نماز است. ۲ نفر اقتداء کنند پاداش هر رکعت ۶۰۰ نماز است. ۳ نفر اقتداء کنند ۱۲۰۰، ۴ نفر اقتدا کنند ۲۴۰۰، ۵ نفر ۴۸۰۰، ۶ نفر ۹۶۰۰، ۷ نفر ۱۹۲۰۰ نماز است. ۸ نفر ثواب هر رکعت ۳۶۴۰۰، ۹ نفر ۷۲۸۰۰ و اگر تعداد اقتداء کنندگان ۱۰ نفر و بیشتر بشوند ثواب ۱ رکعت آن نماز را کسی نمی‌تواند بنویسد حتی اگر دریاها مرکب، جنگل‌ها قلم، آسمان‌ها کاغذ و جن و انس نویسنده شوند. روز قیامت چقدر ما حسرت خواهیم خورد که من می‌توانستم به مسجد بروم، می‌توانستم به مسجد بروم، چرا بی خودی غفلت کردم، چرا بی توجهی کردم؟ چرا غفلت کردم؟ بسیاری از آثار نماز در نماز جماعت است، مثل همدلی، همکاری، هم زبانی، هم فکری، شما ترکیب نفراتی که در مسجد می‌آیند را نگاه کنید، با سواد، بی سواد، مهندس، پزشک، روحانی، کشاورز، کارگر، کودک، نوجوان، میانسال، بزرگسال، پیر، زن، مرد، یعنی همان ترکیبی که در خانه است اینها وقتی کنار هم می‌نشینند، صمیمانه با هم دست می‌دهند، احوال هم را می‌پرسند، با مشکلات هم آشنا می‌شوند، هر کدام یک مهارت و تخصصی دارند، صمیمانه در اختیار هم قرار می‌دهند، مشکلات جامعه حل می‌شود این از زیبایی‌های اسلام است.

گفته اند که گلستان در انگلستان گفته بود تا مسلمان‌ها این اذان و نماز جماعت را دارند نمی‌توانیم ما آنها را شکست بدیم. این حرکت هم آهنگ اجتماعی در بین آنها رایج است.

حديث داریم نماز جماعت شبیه کار فرشتگان است. آنها با نظم و انسجام خدا را تسبیح می‌گویند، پیامبر فرمود: صلاة الرجل في جماعة خیر من صلاة في بيته اربعين سنة انسان نماز را به جماعت بخواند بهتر از اینکه ۴۰ سال در خانه اش فرادا بخواند، یا رسول الله صلاه یوم؟

منظور تان نمازهای یک روز است که از نمازهای چهل سال بهتر است فرمود نه : یک نماز، پیغمبر فرمود: اگر من نماز صبح را در جماعت بخوانم خوش تر دارم از آنکه شب تا صبح شب زنده داری بکنم، آثاری که در نماز جماعت مترتب است، توجه به ضعیفان و بینوایان، توجه به نیازها، توجه به آسیب‌ها و مشکلاتی که در جامعه اسلامی است برطرف کردنش به دست خود مردم، به صورت خودجوش، داوطلبانه و اینها از زیبایی‌های اسلام است و نیز از زیبایی‌های نماز جماعت این است که امام جماعت باید دانات، پاکتر و مقنی تر از همه باشد، ایشون به نمایندگی از نمازگزاران با خدای رحمان راز و نیاز می‌کند لذا در رکعت اول و دوم نماز جماعت مأمورین سکوت می‌کنند، امام جماعت به نمایندگی از آنها سوره حمد و یک سوره دیگر را می‌خواند، در حدیث می‌خوانیم: وقدموا افضلکم، با فضیلت ترین فرد را به عنوان امام جماعت قرار دهید، وقدموا خیارکم، بهترین خودتان را به عنوان نماز جماعت قرار دهید، پیامبر عزیز اسلام وقتی می‌خواستند وارد مدینه شوند در روستای قبا مسجد ساختند به مدینه وارد شدند باز مسجد النبی را ساختند و بعد هم مسجد محلات و مسجد روستاهای را ساختند. برای هر مسجدی امام جماعت لازم بود، امام جماعت را پیغمبر منصوب می‌کرد کسی که آگاهیش به احکام بیشتر باشد، آشناییش با قرآن بیشتر باشد، وقت شناس باشد محبوب در بین مردم باشد، حتی از نظر قیافه می‌فرمود آنکه زیباتر است جلو بایستد، یعنی مسائل فطری را پیغمبر مراعات می‌کرد. احادیثی که به دست ما رسیده این شاخص‌ها را برای امام جماعت به ما معرفی می‌کند، کسی که قرائت نمازش بهتر باشد، کسی که در هجرت پیش قدم باشد. کسی که دین شناسی تر و در مراتب علمی برتر باشد، کسی که سن بالاتری دارد، کسی که زیباتر و خوشرو تر باشد و اگر در منزل نماز جماعت برگزار می‌شود صاحب منزل مقدم است و اگر در جایی است که مرتبًا یک کسی نماز می‌خواند، همان کسی که مرتب نماز می‌خواند مقدم است. عدالت امام جماعت در فقه شیعه شرط است، بعضی‌ها یک مقداری ناراحت می‌شوند که چرا در فقه شیعه معطل می‌کنند هر کسی زود نمی‌رود جلو بایستد، دلیلش همین عدالت است که امام جماعت باید هم قرائت نمازش صحیح باشد هم مأمورین آنرا باید عادل بدانند.

این هم در نشانه‌های اهمیت عدالت است.

در حدیث می‌خوانیم ، المؤمن في المسجد كالسمك في الماء، مومن در مسجد مثل ماهی در آب است. والمنافق في المسجد كالطير في القفص، منافق در مسجد مثل پرنده در قفس است می‌خواهد بیرون بیاید. یک کاری کنیم رفت و آمدمان را به مسجد زیاد کنیم، انسمان را به مسجد زیاد کنیم، حدیث داریم مرده‌ها هیچ آرزو نمی‌کنند به دنیا برگردند مگر وقت‌هایی که از کنار مسجدی گذر کنند، حسرت می‌خورند ای کاش دوباره برگردند، زنده شوند و یک بار دیگر بیایند مسجد.

چه احادیثی آمده است برای پاداش روشنایی مسجد، مفروش کردن مسجد، تمیز کردن مسجد، احترام گذاشتن به مسجد، ادب کردن نسبت به فضای مسجد و مسجدی ها .

چرا بعضی ها نماز جماعت و مسجد نمی آیند؟ شاید بعضی از پاداش نماز جماعت و مسجد غافل هستند، بعضی ها شاید دلیل نیامدنشان این است که از بدرفتاری و بداخلالاقی نماز خوان ها ناراحت باشند، بعضی ها ممکن است دلیلشان امام جماعت باشد، می گوید من از این امام جماعت خوشم نمی آید یک چیزهایی دیده ام، بعضی به خاطر همفکر نبودن امام جماعت یا دیدگاه های سیاسی، بعضی به خاطر مشغولیت های اقتصادی، اجتماعی، گرفتاری های روزمره خودشان را محروم می کنند، بعضی از برخورد سرد افراد مسجد دل سرد شده اند ولی هیچ کدام از اینها نمی توانند دلیل باشد روز قیامت برای ما. خوب اگر از این امام جماعت خوشتان نمی آید یک امام جماعت دیگر. از این محفل، از این مسجد خوشتان نمی آید یک مسجد دیگر. ولی خودتان را از جماعت و از مسجد محروم نکنید. متأسفانه بهانه ای شده مسئله تکنولوژی و گرفتاری ها از اینکه ما محروم کنیم خودمان را از برکات نماز جماعت، نذر کنیم، عهد کنیم مخصوصاً به اتفاق افراد خانواده، پدرها با پسرها، مادرها با دخترها در جماعت شرکت کنیم، از هفته ای یک بار شروع کنیم، آرام آرام تعدادش را زیاد کنیم این امانت را به نسل های بعد بسپاریم.

## درس بیست و سوم

چند نماز است که راجع به آنها توضیحاتی می دهیم یکی نماز مسافر است در احکام فقهی ما نماز فکری ما یک تفاوتی دارد با نماز در شهر خودمان، با شرایطی که در رساله ها آمده کسی که به سفر می رود نمازهای ۴ رکعتی را باید ۲ رکعتی بخواند، همین جا نکته ای را می گوییم واجب است که مسلمان ها با احکام دینشان آشنا شوند، داشتن رساله کافی نیست، باید این رساله را در طول سال اعضای خانواده بخوانند، بقیه گوش کنند، مرور کنند و تکرار کنند. رساله از احکام تقلید شروع شده بعد احکام مطهرات، نجاست، نماز، روزه، مسائل اقتصادی، مسائل خانواده، مسائل اجتماعی، احکام خیلی مهم است ، مسئله ۱۱ رساله این را به ما می گوید مسائلی را که مکاف غالباً به آن نیاز دارد دانستنش واجب است نه مستحب. حالا کسی که نمی دارد احکام نماز مسافر را، باره امسافرت رفته و نمازها را ۴ رکعتی خوانده است ، در یک جایی ایام جبهه توصیه کردم دوستان برادران رزمنده وصیت نامه بنویسند، یک برادری آمد و گفت حاج آقا امشب فهمیدم که اشتباهی غسل می کردم، گفتم که چطور غسل می کردم؟ گفت که اول سمت راست بعد سر و گردن بعد سمت چپ ، من متغیر شدم و گفتم که چند سال‌گذشته هست شما؟ گفت ۴۵ سال ، می دانستم کسی که این اشتباه را کرده در احکامش ۳۰ سال نماز خوانده حداقل، تمام این ۳۰ سال نماز را باید از دوباره بخواند . گفتم یکی دو ساعت صبر کن تماس بگیرم با قم و با اهواز، با علمایی که سراغ داشتم تماس گرفتم و گفتند که هیچ راهی ندارد این غسلش را اشتباه انجام داده و تمام نمازهایی را که با این غسل خوانده باطل است یک راه فقط دارد و آن اینکه بین اهل چه شهری است. اگر

در یک روستایی زندگی می کرده که هیچ عالمی و معلمی و کتابی نبوده و او همین اندازه یاد گرفته و عمل کرده امید است که نمازهایش درست باشد. ما هم دویدیم او را پیدا کردیم و گفتیم برادر اهل کجایی؟ گفت تهران، گفتیم وای یک مرد ۴۵ ساله در تهران، که همه جا مسجد هست، کتابخانه است، مدرسه است، حسینیه، هیئت، معلوم است کوتاهی کرده.

چرا احکام را اساتید ما زیاد تکرار می کنند؟ چون واجب است، نماز مسافر احکامی دارد همچنین نماز قضا، یعنی نمازهایی که ما انجام ندادیم، در خواب ماندیم یا به غلط انجام دادیم، ذکرش را غلط انجام دادیم، فعلش را غلط انجام دادیم، وضویش درست نبوده، غسلش درست نبوده، تیم اینها را باید قضا کنیم، ممکن است زیاد باشد ۲۰ سال یا به عمد نخواندیم، یا در یک خانه ای بودیم که به ما نگفتهند نماز بخوان، یا لابالی بوده اند الان متعدد شدیم، با خدا رفیق شدیم، این نمازها را باید بخوانیم و اگر حالتی داریم، مریضی داریم که ممکن است به زودی از دنیا برویم باید وصیت کنیم که این اندازه نماز قضا برای من بخوانید، نماز قضا خیلی مهم است یک بدھی است که ما به خدا داریم، مدیون خدا هستیم و روز قیامت از ما سوال خواهد شد.

نماز جمعه، اجتماع هفتگی مسلمان‌ها است. اmantی که انقلاب اسلامی ایران زنده کرد، امام عزیز افتخار می کرد به آن. قرآن کریم یک سوره دارد به نام سوره جمعه آیه ۹ آن این است یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِي لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذِرُوا الْبَيْعَ اَيْ مِرْدَانَ وَرِزْنَانَ بَا اِيمَانٍ، هرگاه صدای اذان جمعه بلند شد بشتابید، به سوی ذکر خدا و کسب و کار را کنار بگذارید. حدیث داریم فرشته‌ها صبح جمعه که می شود با قلم و کاغذ و با دفتر می‌نشینند و هر که زودتر بباید اسمش را زودتر می‌نویسند. نماز جمعه نشان دهنده بعد سیاسی و اجتماعی اسلام است. نشان دهنده همدلی، همبستگی، گفتگو و طرح مسائل سیاسی و اجتماعی، دردها، نیازهای نیازهای جامعه اسلامی است.

پیغمبر درباره نماز جمعه چه تعریف‌هایی کرده اند اولین مبلغی که پیغمبر اعزام کرد مصائب بن عمید او در مدینه نماز جمعه برگزار کرد، خود پیامبر در مکه برایشان امکان نداشت به مدینه که آمدند روز جمعه بود همان روز اولین نماز جمعه را برگزار کردند در نماز جمعه تقویت روحیه اخوت و برادری است. در نماز جمعه تشكل نیروهای اسلام است. در نماز جمعه رشد فکری، سیاسی، اجتماعی است. در نماز جمعه تقویت روحیه جمع گرایی است. مرکزی برای بسیج مردم است.

امام صادق (ع) فرمود: کان اصحاب النبی صلی الله علیه و آله و سلم کانوا یتحجهزون للجمعة یوم الخمیس اصحاب پیغمبر از روز پنج شنبه خودشان را برای نماز جمعه آماده می‌کردند. سیر و پیاز روز پنج شنبه نمی‌خوردند که فردای آن روز از دهانشان بو نیاید که دیگران آزده خاطر شوند، حضرت امام خمینی فرمود: نماز جمعه نمایشی از قدرت سیاسی و اجتماعی اسلام است باید هرچه باشکوه تر و پر

محتواتر اقامه شود. ملت عظیم و عزیز با شرکت خود باید این سنگر اسلامی را هرچه عظیم تر و بلندپایه تر حفظ نماید تا به برکت آن توطئه های خائنان و دسیسه های مفسدان خنثی شود.

نماز دیگری داریم به اسم نماز عید است، سالی ۲ بار اجتماع سالانه یا اجتماع ۶ ماه یکبار. یک اجتماع سالانه ای هم مسلمین در حج دارند. برای نماز عید ۲ نماز داریم هردویش پایان تکلیف است. مسلمان ها ۳۰ روز، روزه می گیرند و بعد جشن می گیرند که ما تکلیفمان را انجام دادیم. معلوم می شود عید در اسلام برای و بی کاری نیست. عید برای کار کردن است هر که کار می کند باید جشن بگیرد؛ هر که تکالیفش را انجام می دهد باید خوشی کند. یک عید دیگری هم داریم برای حاجیان است وقتی مراسم و مناسک حج را انجام دادند شادمانی می کنند. نماز عید هم خیلی شیرین است. نماز عید فطر، نماز عید قربان، آنجا هم در آن رسیدگی به فقرا است. در آن جمع گرایی است، رغبت به خداوند است، تزرع و نالیدن به درگاه خداوند است و درگاه جوایز از پیشگاه است.

درباره نماز هرچه بگوییم کم است. روز اول گفتیم که حدود ۱۰۰۰ جا در قرآن صحبت نماز است بیش از ۲۰۰۰ حدیث درباره نماز است، ستون دین نماز است، کلید بهشت نماز است. سر دین نماز است. اولین سوال در قیامت نماز است. درباره نماز هرچه فکر کنیم کم است. ما یک موضوع بسیار مهم را در این مجموعه نگفته‌یم شاید یک برترانه ۲۴ قسمتی می‌خواهد و آن شیوه‌های دعوت به نماز است در این دنیا پر غوغای اینترنت است، ماهواره است، عکس است و فیلم است ما چگونه و با چه زبانی بچه‌هایمان را به یک نماز عاشقانه، خالصانه و آگاهانه دعوت کنیم.

حتماً در این سخنانی که ما بیان کردیم نقایصی وجود داشته عذر خواهی می کنیم از حضرت پروردگار و از شما و از همه التماس دعا داریم.